۳۶ اسفندماه ۱۳۴۴
۲۳ ذیقعده ۱۳۸۵
۱۷ مارس ۱۹۶۶

پنجشنبه

جلسه ۲۵۰

مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه (۳۶) اسفندماه ۱۳۴۴

فهرست مطالب :

۱ ـ قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.
۲ ـ بیانات قبل از دستور آقایان : راشد ـ مهندس والا .
۳ ـ تصویب صورت جلسه .
۴ ـ تقدیم یك فقره لایحه بوسیله آقای وزیر کشاورزی.
۵ ـ تقدیم یك فقره اصلاح بودجه ۱۳۴۴ بوسیله آقای معاون وزارت دارائی
۶ ـ تقدیم یك فقره اصلاح بودجه بوسیله آقای معاون وزارت جنگ.
۷ ـ بقیه مذاکره و تصویب گزارش شور دوم کمیسیون راه راجع به اجازه تأسیس شرکت هواپیمائی ملی ایران و ارسال بمجلس سنا .
۸ ـ اعلام رای نهائی و تصویب گزارش کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۴۵ کل کشور و ابلاغ بدولت .
۹ ـ طرح گزارش کمیسیون آب و برق راجع به طرز تقویم و تملك اراضی مورد نیاز سفارتخانه پهلوی .
۱۰ ـ تقدیم یك فقره اصلاح بودجه بوسیله آقای معاون وزارت فرهنگ و هنر.
۱۱ ـ تقدیم یك فقره طرح بوسیله جمعی از نمایندگان .
۱۲ ـ اعلام وصول گزارش نمایندگان مجلس در هیئت نظارت اندوخته اسکناس و گزارش ماهیانه کمیسیونها برای چاپ در صورت جلسه .
۱۳ ـ قرائت دستور و تعیین موقع جلسه بعد ـ
ختم جلسه

مجلس ساعت نه صبح بریاست آقای مهندس عبدالله ریاضی تشکیل گردید

۱ ـ قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس ـ اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه ـ آقایان :

مهندس ارفع ـ دکتر اسدی ـ دکتر اسفندیاری ـ دکتر امین ـ اولیاء ـ بایندر ـ جاوید ـ سرتیپپور ـ شفیعی پور کرمانی ـ مهندس صدقیانی ـ محمدزاده ـ نوربخش .

غائبین مریض ـ آقایان :

ادیب سیمی ـ فولادوند ـ مهندس کمالنگرد دکتر مصباحزاده ـ دکتر موقتی ـ موقر ـ نصیری ـ نیری ـ سرلشکر همایونی ـ یاتواتهاج سنیعی .

۲ - بیانات قبل از دستور آقایان برامیده - مهندس والا

رئیس - اشخاص قبل از دستور را شروع میکنیم آقای برامیده تشریف بیاورید

برامیده - ریاست محترم نمایندگان محترم در موقع طرح لایحه بودجه سال ۴۵ اقلیت به کمال حسن نیت تذکر دادند این امر مخلّ قانون اساسی و آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی که در واقع رویه لازم الرعایه قانونگذاری است عمل نکردیده و با این بی رویه گی موجبات دقت و وقت قرائت لایحه از نمایندگان ملت سلب گردیده لذا تقاضا کردیم که با این ترتیب رسیدگی به دخل و خرج مملکت را که از اهم وظائف نمایندگی ملت و اساس رسیدگی بکار دولت است مانع نگردیده و بنا قیام وقعود برخلاف رسوم اصول مشروطیت والموت نکنند.

با کمال تأسف و تأثر طبق معمول نامسفور نزد اشخاص مسئول مقبول نیفتاد و کیفیت افکار فدای کمیت افراد گردید. آنچه گفته شد عمل شد در صورت مذاکرات مجلس موجود و احتیاج به تذکار نیست.

آنچه دولت در تحریف این اخبار تبلیغ نمود روشن ومحتاج به تکرار نیست مهر حال لایحه بودجه سال ۴۵ بعنوان شورا از مجلس شورا گذشت (نیری - صحیح است) در این فاصله کوتاه فراکسیون پارلمانی و کمیسیون بودجه مالی حزب مردم با مطالعه بودجه متوجه گردید نواقص زیادی به اندازه‌ای است که با وجود اطلاع دولت از سابقه عمل و حبوبرای اکثریت چاره منحصر بفردهمان بوده است که رای دهند کنن ازمعاد آن مطلع نگردند (صحیح است) باید توجه داشت حزب مردم همواره منظور تشویق متصدیان از کوچکترین کارنیک بزرگترین تجلیل را نموده (آفرین) اکنون آنکه ساعت دولت در کار تسویلت مجدد سهیلا اعمار از آنکه مبتنی بر حسن نیت و اصلاح تقیدت یا مصلحت سیاست در نظام بدیات هرچه بوده معهذا به نطق تصحیح اغراق شایستان آن چنان بیان راهم صفت ماجذب علامه وحیدی عنوان نموده یقین است این مطالعه واعلان نظرهم باهمان اصاف بی نظری انجام گردید و اگر نکته شایان تقدیری میداشت باز هم تجلیل مینمودیم

بازی چون هیچ راهی برای بیان مطلب دقتی نگذاردید تجاوز ممن نطق قبل از دستور مختصری از نتیجه بررسی این لایحه را به اختصار به سمع حضار آقای مهندس والا همکار محترم به اطلاع مجلس شورا میرساند تا ملزم اگر باشند کسانیکه بخواهند به چنین بودجه‌ای برای موافق بدهند قدری هم به نتایج تلخ مسئولیت وجدانی خود بیاندیشند و بیاد آورند که ما همه میرویم ولی آثار این افکار و گفتار در این دیار یادگار باقی خواهد ماند اکنون اجازه میخواهم که آقای مهندس والا از بقیه وقت بنده استفاده کنند.

رئیس - آقای مهندس والا بفرمائید.

مهندس والا - همانطور که لیدر فراکسیون حزب مردم عنوان کردند مسأله بودجه یکی از مهمترین وظائف خطیر قانونی است و تصور میکنم اگر تنها موضوعی مصداق واقعی برای انجام وظیفه نمایندگی پیدا بکند اسمان نظر رسیدگی به بودجه است متأسفانه بعلت ضیق وقت و این فرصت نصیب نشد وایشان بصورت گزارش مطالب باختصار نمایندگان محترم میرسد. البته دو هر کدام از این فصولی که عرض خواهد شد محل صحبت و ادای مطلب بحد کفایت وجود دارد اگر قرار باشد در این باره صحبت بشود شاید ساعتهای زیادی محتاج تشریح این مسائل باشیم (صحیح است) ولی فهرست وار به عرض میرسانیم.

گزارش کمیسیون بودجه و مالی حزب مردم

الف - وضع پولی و بانکی و مالی دولت.

عدم هماهنگی سیاستهای پولی و مالی و بازرگانی خارجی دولت در سالهای اخیر مشکلات و مسائلی را طبعاً در اقتصاد کشور بوجود آورده است که چنانچه در اسرع وقت نسبت بحل آنها اقدام نشود و سیاست پولی و مالی و بازرگانی خارجی کشور هماهنگ نگردد باعث عدم پیشرفت فرمان رهای عظیم صنعتی و برنامه‌های عمرانی خواهد شد (صحیح است).

در سال ۱۳۴۳ آقای دکتر عدل مطرح فرمودند (در چه سالی فرمودید؟) در سال ۱۳۴۳ و همان اوایل ۱۳۴۴ تمایلات تورمی در اقتصاد کشور پیدا شد گردید و همان عوامل در سال ۱۳۴۴ نیز منابع ارزی را تحت فشار قرار داد

و مقررات حقوق ارز موجب کاهش مطارح ارزی شد و در حدود کمری قابل ملاحظه در موازنه پرداختهای خارجی در دو سال گذشته که در بودجه ۱۹۰ میلیون دلار به بیره بعت جران گردید معهذا دولت را متوجه اهمیت موضوع ساخت و چند نتیجه مشاهده میشود در بودجه سال ۱۳۴۵ کوچکترین اقدامی برای حل این مشکل بزرگ که ممکن است باعث تورم شدید و سرانجام رکود اقتصادی گردد بعمل نیاورده است (نیری - صحیح است).

در سال ۱۳۴۴ دولت در اجرای اوامر مبارک ملوکانه دایر به تقلیل هزینه زندگی در حدی که انتظار صرفه توفیق کاملی بدست نیاورد (چند نفر از نمایندگان - صحیح است) زیرا تنزل قیمتها در نیمه اول سال بعلت ازدیاد سطح تولیدات داخلی و در اثر مکانیزم طبیعی عرضه و تقاضا بود و بجای کوشش در ازدیاد سطح تولیدات داخلی با پائین آوردن بهای کالاهای انحصاری سعی شد اثرات تورمی بودجه در سال جاری خنثی نماید ولی اثرات بودجه تورمی سال ۱۳۴۴ در جهت افزایش واردات و فشار بر وضع ارزی مملکت بنحو ارزی ظاهر گردید و چنانچه موجودی ارزی کشور با دریافت ۱۹۰ میلیون دلار پذیرفته نشد در روزهای آخر سال ۱۳۴۳ تقویت نمیشد وقتی از تقاضای اضافی جهت ورود کالای خارجی خنثی نمیگردید سطح قیمتها بسرعت بالا میرفت و بطوریکه عملا مشاهده گردید سیر تزولی قیمتها درشش ماهه اول سال جاری شروع شد ولی متأسفانه در نیمه دوم سال متوقف گردید و سیر صعودی را آغاز کرد.

عملیات مالی دولت در سال ۱۳۴۴ کلا اثرات انقباضی و تورمی داشته است سیاست پولی بانک مرکزی با محدود کردن اعتبارات بخش خصوصی و افزایش نسبت سپرده قانونی بانکها نیز نتوانست اثرات ناشی از عملیات دولت را خنثی نماید (نیری - صحیح است) ادامه این عدم هماهنگی سیاست مالی و پولی دولت باعث خواهد شد فعالیت بخش خصوصی که برای رونق اقتصادی هر کشور از مسائل غیر قابل انکار است تحت فشار قرار گیرد. در بیست و دو طی سنوات اخیر بحثی از برنامه‌ها تا حدودی متضمن پیشرفت و توسعه در رشته‌های مختلف اقتصادی و صنعتی بوده است ولی با توجه به امکانات قابل توجه روشها از هر حیث آنچه انتظار میرفته است توفیق کامل بدست نیامده است.

گرچه تهیه آمار و ارقامی که مؤید این مطالب باشد دشوار نیست و شاید عضو مطلعی که بانک مرکزی و سازمان برنامه منتشر کرده‌اند عدم توفیق برنامه های اقتصادی اشاره شده است ولی با نظر اجمالی به افزایش سرمایه آوردهای دولت بانک مرکزی و بیتوانند اسکناس (جمعاً درحدود ۴۰ میلیارد ریال) و افزایش تقاضا هزینه‌های دولتی ایجاب میکند که در طرح برنامه های عمرانی و نحوه مصارف وجوه مملکتی و هماهنگ کردن دستگاههای مالی تجدید نظر فوری بعمل آید (صحیح است).

آمار مختصری از میزان اسکناس منتشره و بدهی دولت و درآمدهای ارزی و واردات و صادرات از سال ۱۳۴۰ ببعد کما اکنون قرائت میشود و میتواند رشد سریع اقتصادی و مسائلی که در این زمینه از جهت اجرای طرحهای عمرانی عنوان گردیده است مورد تردید قرار گیرد (صحیح است)

اسفند سال ۱۳۴۰ مبنای تنظیم این جدول است. اسفندسال ۱۳۴۰ میزان اسکناس منتشره ۲۰۳۳۰ میلیون ریال بوده. اسفندسال ۱۳۴۱ - ۳۳۳۲۰ میلیون ریال، اسفند سال ۴۲ - ۶۳۲۰ میلیون ریال بوده. اسفندسال ۴۳ - ۶۸۳۷۰ میلیون ریال بوده. بهمن سال ۱۳۴۴ - ۷۸۸۲۰ میلیون ریال ملاحظه بفرمائید میزان اسکناس منتشره از اسفند ۴۰ تا بهمن ۴۴ از ۲۰۳۳۰ میلیون ریال به ۷۸۸۲۰ میلیون ریال رسیده (بگفته نمایندگان - مهم نیست) هیچ مهم نیست درست است یعنی میزان اسکناس منتشره در ظرف ۴ سال بیشتر از ۲۵ درصد موجودی اسکناس در سال ۱۳۴۰ افزایش پیدا کرده اما درمقابل این افزایش بینیم بدهی دولت چی شده؟ بدهی دولت بقدمت میتوانه در اسفند ۱۳۴۰، ۸۸۲۲ میلیون ریال بوده، در سال ۴۱ - ۱۰۶۲۲ میلیون ریال، در سال ۱۳۴۲ - ۱۲۷۲۲ میلیون ریال در سال ۱۳۴۳ ۱۶۶۹۰ میلیون ریال در بهمن ۱۳۴۴ - ۱۷۷۹۰ میلیون ریال در ظرف چهار سال متجاوز از ۱۶۹۰ میلیون اضافه

شده او کثر حضری ـ این علامت رشد است ! ادهم دولت
دقیقه ، ـ ملی درسال ۱۳۴۰ ، ۱۳۵۴ میلیون ریال بوده
بر ۱۰۰ میلیون و ۳۵۴ میلیون درسال ۴۱ ، ۵۰۰۵ میلیون
درسال ۴۲ ، ۱۸۱۵ میلیون درسال ۴۳ ، ۸۶۹۶ میلیون
در بهمن ۴۴ ، ۳۰۰۰۰ میلیون شده واز خارجی در اسفند سال
۱۳۴۵ ، ۱۰۰ میلیون دلار ، اسفند ۴۱ ، ۴۴ میلیون سال
۴۲ ، ۱۵۰ میلیون اسفند ۴۳ ، ۳۰ میلیون بهمن ۴۴ هیچده
میلیون درآمد ارزی دراسفند ۴۰ ، دویست و پنجاه
میلیون اسفند ۴۱ ، دویست و سی و یك میلیون
اسفند ۴۲ ، دویست و سی و پنج میلیون ، اسفند ۴۳
۳۳۶ میلیون بهمن ۴۴ ، دویست وشصت وهفت میلیون اما
عوایدی که از نفت نصیب دولت شد دراسفند ۴۰ ، دویست
و دویك میلیون دلار دراسفند ۴۱ سیصدوچهل و دومیلیون
در اسفند ۴۲ سیصدوهشتادوهفت میلیون در اسفند ۴۳
چهارصدهشتاد به اضافه صدوهشتادو پنج میلیون دلار
پذیره بود ، در بهمن ۴۴ باضمیمه دوازده میلیون دلار بابت
عواید نفتی نصیب خزانه دولت شده به اضافه ۵ میلیون دلار
پذیره ملاحظه بفرمائید از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۴۴ تقریباً
درآمد دولت مصرف در برابر امر عواید دلاری بوده یعنی ارز
خارجی زیادتر وارد مملکت شده این امکانات برای دولتهای
گذشته دیپلوجوجه موجود بوده (صحیح است) و اما جمع
درآمد ارزی اسفند سال ۴۰ ، ششصد ونود وسه میلیون
سال ۴۱ ، ششصدوبیست وشش میلیون دلار ، سال ۴۲ ششصد
سی وهشت میلیون دلار ، سال ۴۳ ، نهصد و سی و سه
میلیون دلار ، وتابهمن سال ۴۴ ، هشتصدوسه میلیون دلار
حالا ببینیم واردات چی بوده این ارزها بایدبرای چا مصرف
میشده واردات ما در اسفند ۱۳۴۰ ، ۳۷۰۵۷ میلیون ریال
سال ۱۳۴۱ ، ۴۱۹۰۵ میلیون ریال سال ۴۲ ، ۳۹۶۸۸۱ میلیون
ریال ، ۴۳ ، ۵۶۷۷۸ میلیون ریال تابهمن ۱۳۴۴ ، ۵۳۸۵۰۰
میلیون ریال بوده یعنی درظرف چهارسال تقریباً ۳۵ ، ۳۶
درصد واردات ما زیادتر بوده (صدای کیان ـ صادرات
راهم بفرمائید) صادرات راهم عرض میکنم ، صادرات در
اسفند سال ۱۳۴۰ ، ۹۵۹۳ میلیون ریال در اسفند
سال ۱۳۴۱ ، ۸۶۰۲ میلیون ریال در ۴۲ ، ۹۶۸۶ میلیون
ریال در ۴۳ ، ۱۱۴۸۵ میلیون ریال در بهمن سال ۱۳۴۴ ،
۸۳۹۳ میلیون ریال بعضی ها بعضی اگر میزان صادرات
وارادت وصادرات را دراسفند ۴۰ ملاك قرار بدهیم در مقدار
۳۰۷۵۷ میلیون ریال وارد تهران ۹۵۹۳ میلیون ریال
صادرات بیشتر نداریم درصورتیکه درسال ۹۳۴۴ واردات
ما رسیده به ۵۳۸۵۰ میلیون ریال و صادراتمان ۸۳۹۳
میلیون ریال بیشتر نبوده (نیری ـ باعث تأسف است) وارد
بررسی درآمد وهزینه دولت درامر بودجه بدون تردید
بزرگترین عامل جلب اعتماد مردم بمنظور همکاری بادولت
اطلاع صحیح همگان ازوضع دریافت وپرداخت وسیاست
مالی واقتصادی دولتها میباشد (صحیح است) و بعبیری از
همین اصل است که دول مترقی سعی دارند بودجه جامع و
کامل وقابل فهم مردم تهیه نمایند بطوریکه کلیه منابع
درآمد دولت مشخص ورسید گی وبررسی هرنوع خرج در
قسمتهای مختلف خاص خاص غلط کشور امکان پذیر باشد
(صحیح است) ودرصورتیکه در بودجه تنظیمی سال ۱۳۴۵ آنطور
که ما بودند باید رعایت این اصل بعمل نیامده (چندنفر از نمایندگان
صحیح است) (دکتر زنگنه ـ نظر جزء در نظر جزء صحیح است)

۲ ـ بودجه نمودار فعالیت دولت و دارای اثرات
اجتماعی واقتصادی وپولی است ولی دیترکیب بودجه سال
۴۵ اثرات تورمی کاملا مشهود میباشد زیرا اگر مخارج
جاری بیش ازحد متعارف باشد برای تأمین آن ناگزیر
ازاعتبارات عمرانی استفاده شود مسلماً اثرات نامطلوبی
خواهد داشت .

۳ ـ بودجه سال ۴۵ ظاهراً با کسر درحدود ۱۶۰۰ میلیون
ریال تنظیم شده است درصورتیکه بافرض وصول درآمد
های پیش بینی شده در همین بودجه کسر واقعی بودجه
تنظیمی دولت بالغ بر ۳۸ میلیارد ریال است واین واقعاً
باعث نارحتی است ! مهندس بهبودی ـ چقدر است ؟ ۳۸
میلیارد ریال (دکتر عدل طباطبائی ـ چطور ؟ این عدد
است بحث وفحص وبا مغالطه وسفسطه نیست .

باد خارجی که درودجه جزو ارقام درآمد دولت
آمده قرض خارجی جزو عواید خزانه نیست (ملی از
نمایندگان ـ اینطور نیست) پس وقتی قرض خارجی جزو
درآمد نشد نمیشود بعنوان درآمد آورد ولما ماه

خرجی ۳۷۸۰۰ میلیون ریال بوام داخلی ازبانك مرکزی
۳۶۰۰ میلیون ریال استاد خزانه ۳۰۰۰ میلیون ریال ، کسر
موازنه بودجه سال ۱۳۴۵ ، ۱۶۰۰ میلیون ریال ، قبه سه
تعهدات سال ۴۴ که درسال ۴۵ باید پرداخت شود ۷۰۰۰
میلیون ریال جمع ۳۸۰۰۰ میلیون ریال اما تنخواه گردان
کمعرای سهولت درامر پرداختها میزان آن را از ۳۵۰۰
میلیون ریال به ۶۰۰۰ میلیون ریال افزایش داده اند این تنخواه
گردان خیلی ساده است ولی درعرف تجارت تنخواه گردان این
است که صاحب کاربشخص جه ای دراختیار حسابدار می گذارد
میگوید آقا شما این هزار تومان را بگیر بدخرجهای
ضروری رابنده و مسلماً اینکه برای دولت باید
یك تنخواه گردان سرزگری باشد حرفی
نیست اما آن تنخواه گردانی معقول است
که قلابولش را دوبماشد نه آنکه بگوید اختیار من بدهم
یعنی بمن بدون چوبه قرض بده بنابراین تنخواه گردانی
که دراختیاردولت هست ازبودجه‌ای نیست که درآمدی
داشته باشد ودراختیارخزانه بگذارد یك اعتبار اضافی است
واگرفرصت بودبنده خوب تجربه وتطبیق میکردم نشان
میدادم که این تنخواه گردان هم استفاده ازاعتبارات
یعنی یك قرض است که برگردن دولت است که اگر
آخرسال نتوانست بدهد برقم کسری بودجه‌اش اضافه میشود .

۴ ـ اما جمع هزینه های کل کشور ۶۶۲۸۶
میلیون ریال وهزینه‌های سازمان برنامه ۶۴۰۰۰ میلیون
ریال ورخود بودجه هست که جمعاً ۱۳۰۶۲۸۶ میلیون ریال
است یعنی بودجه‌ای که تنظیم شده است ۳۴ درصد کسری
دارد نه ۱۶۲ میلیون ریال . سی وچهاردرصد نسبت بودجه
کل کشور . (دکتر عدل طباطبائی ـ سی وچهاردرصد مربوط
بدرآمد است یاهزینه یا کل درآمد وهزینه ؟) آن درصد تیکه
بعنوان بودجه کل کشور داده آن کسری که منظور شده
مربوط بهزینه است یادرآمد ؟ (دکتر عدل طباطبائی ـ
ازآن کسانیکه این صورت را برایتان نوشته‌اند بپرسید)
آقای دکتر آن روزیکه درجزء مرده بودید این چیزها را
پنهان باد دادند اگر یاد نگرفتید آدم بی استعدادی بودید
(دکتر عدل طباطبائی ـ من ازدستاتو اعتبار میکنم میگوئید
۳۴ درصد کسری ، منهای صد چیست هزینه هاست یا
درآمدها یاجمع کل هزینه درآمدها . ولی شماجواب به
سؤال من نمیدهید)

۵ ـ ازجمع کل هزینه های جاری کشور معادل
۹۰۰۰ میلیون ریال پرداختی سازمان برنامه بعنوان طرح
های مستمرعمرانی است و هرگاه سهم دولت ازدرآمد
نفت که معادل ۱۳۰۰ میلیون ریال است این رقم اضافه
شود مجموع استفاده ازعواید نفت دربودجه جاری درحدود
۲۰۰۰۰ میلیون ریال است وسهم سازمان برنامه ازعواید
نفت ۲۵۰۰۰ میلیون ریال خواهد بود . منظور نمودن
۹۰۰۰ میلیون ریال بجمع درباقی های سازمان برنامه
وکسرمجدداین رقم وبرگشت آن بخزانه برای پرداخت
هزینه‌های جاری مغایر با اصل وتمیت بودجه میباشد .

۶ ـ برآورد هزینه طرحهای عمرانی وسایرهزینه
های سازمان برنامه بمبلغ ۵۵۰۰۰ میلیون ریال درمقابل
۲۵۰۰۰ میلیون ریال درآمد ازعواید نفت ومحل نمودن
آن به دریافت مبلغ ۳۰۰۰۰ میلیون ریال وامبرای هزینه
اجرای طرحهای عمرانی و غیره موجب اختلال و از هم
گسیختگی برنامه‌های عمرانی وبلاتکلیفی درمصرف درآمد
های واقعی میگردد .

۷ ـ درصد (پورستاتاژ) افزایش اجرای طرحهای
عمرانی سال ۴۵ مأخذ درآمد واقعی سازمان برنامه ده
درصد است درصورتیکه درصد افزایش هزینه‌های جاری
سال ۴۵ با توجه به اقدامی که در بودجه سال ۴۴ صورت خرج
پیدا نکرده و حذف شده است درحدود شانزده درصد
می باشد .

۸ ـ عدم تناسب درصد (پورستاتاژ) افزایش هزینه
های جاری وعمرانی مغایر باامرشاهنشاه آریامهر درجهت
پیشرفت رشد اقتصادی بوده وموجب ازدیاد اثرات تورمی
خواهد بود . اینهم جواب آقای دکتر عدل طباطبائی درجواب
پورستاتاژ (دکتر عدل طباطبائی ـ زیاد داشت بدستان میدهد)

۹ ـ دربودجه سال ۴۵ کل کشور بمنظور مقایسه
اعتبارات بودجه سال ۴۴ اقلامی قیدشده که ناقانون بودجه
سال مزبور اختلافی دارد از آنجمله رقم ۲۱۶۰ میلیون
ریال اعتبار انتقالی مصوب سال ۴۴ فقط ۱۶۰ میلیون ریال
منظور شده است .

درموقعی که دولت لایحه‌ای آورد بعنوان اضافه

کردن عنصر انتقلی و نقصی اعتبار اضافی کردها هرچه گفتند بی دست میلیون تومان عدرت از کسر بودجه و کسر تعهدات ست گفتند عنصر انتقلی است و محترم تصویب کرده لاقل دیستی همین مصوبه را در ارقام بودجه بودجه را ملاحظه مفرد نیدرقم نوشته مدرر بودجه سحدی ۳۱۶ میلیون تومن همان ۱۶ میلیون تومان است

۱۰ ـ صورت درآمد و هزینه سازمان بازرگانی اعظم از درآمدهای بازرگانی و انتفاعی مؤسسات وابسته بدولت کلی نوشته شده و متضمن توضیحات و صالیتهای کافی نیست تا بتوان مورد بررسی قرار داد. خود دولت هم نمیداند خود دولت هم از مورد مؤسسات بازرگانی اطلاعات دقیق و صحیحی ندارد.

۱۱ ـ تغییر مواد هزینه در داخل فصل و تغییر برنامه‌ها تامیزان ده درصد در اختیار نخست وزیر اساس برنامه‌ها و بودجه را متزلزل مینماید (صحیح است).

۱۲ ـ درآمد مؤسسات انتفاعی دولت در سال ۱۳۴۵

درحدود ۴۷۰۰ میلیون ریال اضافه شده است و همچنین درحدود ۴۰۰ میلیون ریال پیش بینی دریافت وام بیشتری را نموده‌اند که جمعاً افزایش در یافتهای این قبیل مؤسسات درحدود ۵۰۰۰ میلیون ریال نسبت بسال ۴۴ میباشد و متقابلا هزینه‌ها سیاتی و سرمایه گذاری مؤسسات انتفاعی دولت درحدود ۱۷۰۰ میلیون ریال واستردادوام درحدود ۱۰۰۰ میلیون ریال کاهش داده وبالمآل افزایش درآمد از یکطرف و تقلیل هزینه از طرف دیگر امکان اضافه نمودن رقم قابل توجهی بدرآمد سال ۴۵ را میدهد درصورتیکه فقط ۶۰۰ میلیون ریال اضافه درآمد پیش بینی شده و ۲۵۰۰ میلیون ریال بمخارج جاری این دستگاه ها اضافه شده است. بنده قبلا عرض کردم هر کدام از این پارا گرافها محتاج چند ساعت بحث وتوضیح مفصل است چون بنده بعنوان تطق قبل از دستور عرض میکنم اگر اجازه داده بشود درهر موردی بیان مطلب خواهد شد.

۱۳ ـ مؤسسات انتفاعی دولت بدو دسته تقسیم میشوند:

یکم ـ انحصارات مانند دخانیات ـ غله ـ چای ـ قند و شکر.

دوم شرکتها ـ مؤسسات ـ سنگاها ـ سازمانها.

هریك از دو دسته فوق با سرمایه عظیم و صرف مبالغ هنگفت مبالغی بدون تناسب سرمایه فقط از نظر انحصاری بودن کالاها سود بخزانه دولت میپردازند (مثل دخانیات ـ قند وشکر وچای) ویا اینکه اساساً سود ده نیستند (مثل سنگاه داروئی ـ مؤسسه راه آهن دولتی سازمان وبنیه که ضرر میدهند) مانند سازمان مسکن ـ سازمان مدیریت ـ سازمان شرکتهای صنعتی ومعدنی ـ سازمان آب وبرق آذربایجان) و یا آنهائیکه سود ناچیزی دارند ولی بخزانه دولت نمیپردازند مانند (سازمان آب وبرق خوزستان که ۷۶ میلیون ریال سود سال ۴۵ قلمداد شده و عیناً همین مبلغ برای پاداش هیئت مدیره وکارکنان سازمان اختصاص داده شده است) (رامید ـ چقدر پاداش؟) ۷۶ میلیون ریال بیلان سود این سازمان است سازمان آب و برق خوزستان (رامید ـ رویه عمومی مؤسسات بازرگانی وابسته معین است) عیناً در مقابلش نوشته برای پاداش هیئت مدیره و تقسیم بین کارکنان ۷۶ میلیون ریال.

۱۴ ـ سازمان مدیریت صنعتی مبلغ ۱۰۶ میلیون ریال درستون درآمد ازمحل طرحهای سازمان برنامه بعنوان درآمد بجمع عایدات سال ۴۵ خود اضافه نموده درستون سود ویژه ۶۶۰ هزار ریال سود ویژه نشان داده است. یعنی ازیکطرف از سازمان برنامه یك پولی گرفته‌اند عیناً این قسمت ازپول را که بعنوان کمك گرفته‌اند بعنوان سود نشان میدهند این تجارت خوبی است (صحیح است).

۱۵ ـ آزمایشگاه فنی ومکانیك خواه ۸۴۵ میلیون ریال ضمن بودجه سال ۴۵ به منظور کرده‌اند ولی دیناری از این مبلغ بخزانه دولت کمك نمیشود درصورتیکه بلغ میلیون ریال بعنوان پاداش کارکنان وهیئت مدیره منظور شده است. بنده اینجا باید یك توضیحی عرض کنم حتی حلالیکه درمقابل ارقام بودجه تقدیم شده مسازمان تصویب جلسه قانون ایجاد میکند یعنی وقتی نوشتند جلوی پاداش پاداش است اگر نوشتند کارمزدی کارمزدی است یعنی

وقتیکه رقمی جلویش پاداش نوشته شد مثل این است که دولت آنرا داده (صحیح است).

۱۶ ـ شرکتهای صنعتی ومعدنی متشکل از کارخانجات سیمان لوشان ـ قندمسنی ـ کنسرو ومشروب کشمش نه کستان روغن جیرفت که هر کدام با سرمایه عظیم تاسیس یافته است وضمن بودجه ۴۴ و ۴۵ نیز مبالغ قابل توجهی از اعتبارات سازمان برنامه استفاده میکنند جمعاً در حدود نوزده میلیون ریال سود پیش بینی نموده‌اند که این مبلغ راهم بخزانه دولت نمیپردازند.

۱۷ ـ سازمان تخمیر داری از ۸ میلیون ریال سود دیناری بخزانه دولت نمیپردازد.

۱۸ ـ سازمان آب وبرق آذربایجان ـ منطقه تهران با سرمایه عظیم استفاده از اعتبارات عمرانی و سالها فعالیت یا سود ده نیستند ویا سود مختصر قلمداری وانیز بخزانه نمیپردازند. درتیجه از ۳۳۶۰۰ میلیون ریال جمع درآمد مؤسسات انتفاعی دولت فقط درحدود ۶۰۰۰ میلیون ریال (قند وشکر ۲۰۰۰ میلیون ریال ـ دخانیات ۱۵۴ میلیون ریال ـ چای ۵۰۰ میلیون ریال ـ تسلیحات ۵۰ میلیون ریال) بیشتر بخزانه دولت تأدیه نمیشود و همین سازمانها مطلوب ۸۰۰۰ میلیون ریال از اعتبارات عمرانی استفاده مینمایند.

بنابراین جا دارد که مؤسسات انتفاعی دولت هم از نظر کیفیت وهم ازجهت طبقه‌بندی درودجه کل کشور مورد تجدید نظر قرار گیرند. یك توضیحی بدهم ۳۳۶۰۰ میلیون ریال درآمدی است که خود دولت نشان داده بابت ۳۳۶۰۰ میلیون ریال ششهزار میلیون ریال بیشتر نمیدهم اما درمقابلش هشت هزار میلیون از سازمان برنامه میگیرد بنابراین جادارد که مؤسسات انتفاعی دولت هم ازنظر کیفیت هم از نظر طبقه بندی مورد توجه قرار گیرد

۱۹ ـ درخش مؤسسات بازرگانی وابسته بدولت شرکت ملی نفت وبانکها جمع کل فعالیتها اضافه شده که ازلحاظ ترکیب بودجه صحیح بنظر نمیرسد.

حال چنانچه از این بخش ۶۵۶۰ میلیون ریال فعالیت بانکها و ۲۸۶۰۰ میلیون ریال فعالیت شرکت نفت کسر شود فعالیت سایر مؤسسات بازرگانی وابسته بدولت در سال ۴۵ معادل ۱۶۲۰۰ میلیون ریال خواهد بود که از مجموع این فعالیت عاید فقط ۲۶۷ میلیون ریال بخزانه دولت کمك مینماید (رامید ـ از چقدر، چقدر؟) از ۱۶۲۰۰ میلیون ریال فقط ۲۶۷ میلیون ریال کمك میشود درجمع شرکتهای بازرگانی دولت مؤسسات شرکتهای ضرر ده درپوشش سود وکارخانجات سود ده سالها باعث زیان وتعطیل در آمد دولت شده‌اند مثلا سنگاه توسعه منابع های کشاورزی ضرر میدهد همچنین شرکت سهامی کل معادن متشکل از معادن زغال سنگ خوزستان ـ کرمان ـ کاجره ـ آلیکا ـ سرب تفتك ـ خامه سرمه ـ میرشید آباد ـ مزرعه ـ طالی ـ خاکشور خرمز جمعاً معادل ۵۶ میلیون ریال ضرر میدهند.

شرکتهای بیمه ایران ـ فرش ـ تفتن ـ شیلات سود ناچیزی منظور نموده‌اند

شرکت سهامی کارخانجات ایران متشکل از کارخانجات قند ـ نساجی ـ شیمیائی ـ مواد غذائی بهره برداری از کارخانجات مصالح ساختمانی ـ بهره برداری از واحدهای نوغان پنبه با درآمد معادل ۴۹۸۷ میلیون ریال وسال فقط ۵۰ میلیون ریال سود بدون انعوخته‌ها و استهلاکات منظور نموده‌اند که از این مبلغ هم بیش از سی میلیون ریال بدرآمد دولت کمك نمیشود آخر این قابل مقایسه نیست این دستگاهها را چرا درش راسیدید.

شرکت معاملات خارجی ـ شرکت فروشگاه فردوسی ـ شرکت واحد اتوبوسرانی ـ کارخانجات ونك شرکت برق منطقه‌ای نبوده‌اند نیستند و باسودی بسیار ناچیز که با بازده سرمایه گذاری دولت دراین قبیل فعالیتها منطبق نیست.

بنابراین مؤسسات بازرگانی مانند مؤسسات انتفاعی دولت هم از نظر بازده سرمایه وسود قابل توجه که میتواند بودجه کل کشور کمك مؤثر نماید وارشاد صنایع داخلی را برعهده گیرد وظیفه بسیار مهم و حساسی را بر عهده گرفته‌اند که درانجام آن توفیق نیافته‌اند از این مطالبی که عرض شد بنتیجه منحصری گرفته میشود که بعرض میرسد

نتیجه ـ از آنجائیکه درجدول تفصیلی سازمان های دولتی و دستگاه های وابسته بدولت انتفاعی و بازرگانی وهمچنین بودجه عمرانی سازمان برنامه ضمیمه بودجه تقدیمی به مجلس شورای ملی نموده و نیز مقدار استفاده ازوامهای خارجی وبدهی دستگاه های دولتی به بانکها وبانیانه تعهدات و بالنتیجه وضع مالی منضم

همچنان از این سرمایه‌ها در اختیار نیست ضمناً بررسی زراعه و بررسی کی ساده است سوات گذشته و نتیجه گیری صرف وجوه بعمل آمده و هدف مقدم عبدشد نه این نمیتوان منحصر آرزو کرد اقتصادی و سرمایه گذاری و مالیه نتیجه افزایش ثروت ملی را تا حدودی که متصدیان و مسئولان امور مدعی آن هستند منحصر کرد .

با توجه به اینکه مسائل فنی تجزیه و تحلیل از نظر وصائف مشابه و تشکیلات آن و مخارج بیهوده که در هر یک از دستگاه‌های مستقل دولتی در بنا مقررات و تشریفات خاص خود انجام میگیرد بسیار است باید اقرار نمود که تا کنون حساس زیادی در این گزارش ملحوظ نگردیده است و چنانچه اعمال نظر بیشتری معمول آید مسلم میگردد که چنین بودجه‌ای ناقائم بسیار که موازی از آن عنوان شد نمیتواند با تحولات سریع مملکت در رشد اقتصادی و سیاست مالی و پولی کشور مطابقت کند و متوسیات شاهنشاه آریامهر را درجهت اعلا سعید شاه ملت تأمین نماید اصحیح است ـ احسنت ! .

این گزارش مختصر و فشرده و کوتاهی بود از قسمتی از نظرات فراکسیون حزب مرده که در امر بودجه صورت اختصار آنهم متأسفانه با استفاده از نطق قبل از دستور بعرض نمایندگان محترم رسید یادداشت هائیکه در مورد بودجه نویسنده متجاوز از ان فوق آماده زیادتری است من نمیدانم اگر جناب آقای رئیس مجلس و اکثریت محترم اجازه بفرمایند مطالب بسیاری وجود دارد اعضای از نمایندگان بفرمائید همین حالا بفرائید میدهیم که دوساعت اضافه شود ! بسیار خوب بطوریکه بعرض رسید اصولا بودجه بخصوص بودجه برنامه‌ای نمودار فعالیت هر دولتی است و در این سند که عنوان موازنه دخل و خرج است باید قدم جدیدی نوشته شده باشد که از هر جهت برای افزودن فهم باشد خط رحمت کشد و گرنه چیزی از مرحوم منصور شود وقتی بودجه را به مجلس تقدیم کرد عنوان مطلب کرد ! ما دیدیم بودجه‌ای تقدیم مجلس نمایم که بیک شاهی درآمد با همان خرجش معمول شده اما آنچه که از این بودجه استنباط میشود شده بحران میتوانم عرض کنم که حتی یکی دو نفر از رفقا که رد کمیسیون بودجه تشریف داشتند عنوان کردند که ما خواهش داریم ترتیبی داده شود که اگر خواستن این بودجه برای صاف نهمیه داشته من در اینجا نمیخواهم مرتبه آرزو پشی نمایش بیاورم ما اطمینان دارم اگر آقای وزیر دارائی راجع بودجه فقه شده سؤال میکنم اطمینان دارم جواب نمیدهند (وزیر دارائی ـ استدعا میکنم بفرمائید) حالا عرض میکنم جناب آقای وزیر دارائی بمن بفرمائید در بودجه دولتتان که مسئله ۱۰۸۵۳۴۰۶۰۰۰ ریال عواید نفت را جزو درآمد دولت آوردید در کجا منعکس کردید ؟ اینجانوشته کمک به درآمد عمومی دولت و اساس ۶۶۵۰ میلیون دلار ۱۱۳۳۵ میلیون این در کجا منعکس شده و اصولا عواید شرکت نفت که باید بخزانه دولت بیاید در کجا است همانطور که عرض کردم آنرقم ۲۱۶ میلیون ریال اعتبار انتقالیتان کجاست از این گذشته درخود بودجه یک رقمی است بعنوان ۱۵۰۰ میلیون ریال از بدیهی نفت شما بفرمائید نفت را که تمام گردید دیگر چیزی ندارید این ۱۵۰۰ میلیون ریالتان کجاست ؟ از کدام محلی پرداخته میکنید .

رئیس ـ آقای مهندس والا وقت قبل از دستور شما تمام شد .

مهندس والا ـ چشم قربان . درسال ۴۴ بیش بینی کسری موازنه پرداختها درحدود ۱۳۰ میلیون دلار بوده یعنی درآمد دلاری کشور بوده ۱۸۵ میلیون دلار پذیرفته نفت بیشپولی بود که استثناءً عایدخزانه شده و این ۱۸۵ میلیون دلار باید واقعاً بعنوان پیشواموخیر مخارج میگرفت نه اینکه کلا قرض بکنیم و آن را جزو درآمد بیاوریم و این آوردن ۱۱۵ میلیون دلار جزو درآمد دولت در سال ۴۳ بند امر استثنائی بودمیس این تمبلغ ادجزو درآمدهای دولت باشد درصورتیکه این را جزو درآمدهایمان آوردید مثل اینکه هرسال ۱۸۵ میلیون دلار عیبمان میشود و خرجش میشود بودجه سال ۱۳۴۴ درحدود ۱۲ میلیارد سیصد وشصت هزار وهفتصد وشش میلیون ریال ما خرج داشتیم که طبق صورتیکه عرض کرده‌ام بودجه سال ۱۳۴۵ وجود ندارد اخراجه تورمی ـ مالیاتیکه بنده به

جنابعالی دارم اگر میخواستید این ۱۸۵ میلیون را از بودجه بیاورید چه جوری میآوردید ؟ چشم عرض میکنم همانطوریکه عرض کردم یک مجاری بود بودجه سال ۱۳۴۴ که مجد خرجش در بودجه ۴۵ وجود نداشته مثلا بازپرداخت سازمان برنامه بعوائدگمرکی ۵۰ میلیون مطالبات شرکت نفت مابت تفاوت بهای نرخ بنزین ، باز پرداخت دولت به کشور سوبنه نفت ، مطالبات کارخانجات و بنک ، غرامت شرکت نفت سابق این ارقام همانطور که عرض کردم یک کسر خرجی بود که در بودجه سال ۴۴ وجود داشته درسال ۴۵ نیست پس میشود گفت این یک محل درآمدی است اما بصورتیکه بیست درصد بودجه هزینه جاری مملکت اضافه شده در حالیکه یکی از سیاستهائیکه دولت آقای هویدا همیشه عنوان میفرمایند که مادستگاههای دولتیمان را بیشتر از بیست درصد افزایش ندادیم (وزیر دارائی ـ سه درصد) واما درمورد اثرات تورمی ارزی که بنده عنوان کردم بهتر این است که توضیحی بدهم متأسفانه دولت گرفتار آنچنان اثرات تورمی شده که تا کنون به جذب سرمایه‌های اشخاص گردید طبق تصمیمی که در چند ماه قبل بعمل آمده مانشمر کزی سپرده‌های بانکها را زیاد کرد این سپرده‌های بانکها را زیاد کردن بدین معنی است که اعتبارات بخش‌های خصوصی کم میشود چرا ؟ وقتی پول اضافی در دست مردم بود اعتباری وجود داشت تا گیرند برای واردات صرف میشد واین واردات همانطور که ارقام را بنده خواندم و نشان دادم این واردات ما آنطوریکه انتظار میرود تمامش سرمایه گذاری نیست مقادیر زیادش بجای ماشین آلات و کارخانجات و مواردی که باید تولید بکند مواد مصرفی است حتی ارقامی که در لیست واردات وجود دارد اگر ملاحظه بکنیم میبینیم که ما اعتبار برای وارد کردن کوه داریم وارد کردن گوسفند حتی وارد کردن گندم از خارج اگر جذب کند درآمدهای دلاری ما را این در اثر عدم سیاست دولت است در ایجاد تولیدات چرا ؟ برای اینکه وقتی ما متوجه اثر تولیدات کشاورزی تولیدات صنعتی موردی اینها را لازم میبریم که محتاج بورود اشیاء مشابه نشویم بنابراین رشد مفاهیم اقتصادی که مورد توجه دولت است و فلسفه استفاده از برنامه‌های تنظیماتی دولت است از هر جهت متزلزل است دولت از یکطرف بخش دولتی را بودجه ش را صرف و از طرف دیگر مالکها اعتبارات خصوصی را کم میکنند .

رئیس ـ آقای مهندس والا وقت جنابعالی تمام شد .

مهندس والا ـ بنده همانطوری که عرض کردم مطالبی که راجع به بودجه باید عرض بشود حساسیت دارد و این بودجه بدوعنی که عنوان شد با ۳۸۰۰ میلیون تومان کسر بودجه یعنی ۳۴ درصد کل بودجه من نمیدانم چطور قابل توجیه است اگر آنروزی که مالستعا کردیم که فرصت زیادتری بدهید تا بتوانیم صحبت کنیم فرصت داده شده بود ما حرفهایمان را زده بودیم و اگر حالا اجازه میفرمائید ما صحبت کنیم مطالب خیلی روشن میشود این بستگی بنظر مجلس و نظر ریاست محترم دارد .

جمعی از نمایندگان ـ بفرمائید مارا می‌میخیم .

رئیس ـ آقای مهندس والا یکدقیقه بیشتر نطق قبل از دستور نمیشود کرد و یکساعت هم تمام شده .

مهندس والا ـ اگر این یکساعت تمام شده اجازه بفرمائید و فرصتی بدهید کفقل از اینکه بودجه دومرتبه عنوان مورد مطالبی ادا بشود این بستگی بنظر اکثریت و بمیزان علاقه اکثریت محترم نسبت بطرح مسائل و تشریح آنها دارد البته ما مطیع نظر اکثریت هستیم چون عدد حکمفرما است بنابراین اینها یادداشتهای من است این مطالبی است که هرکدام همانطور که عرض کرده شاید برای محتوی توجهش مدتها وقت لازم باشد علت اینکه در بودجه هیچوقت نامعدود معین کرده‌اند برای این است که این مطالب توجیه بشود (عده‌ای از نمایندگان ـ استفاده نکردید) بنابراین تقاضای دیگر ممکن است بکنیم و آن این است که اگر اکثریت محترم اجازه بدهند لایحه متمم بودجه را که در آنجا امکان صحبت برای کسانیکه میخواهند صحبت بکنند وجود دارد آنرا مطرح بکنند و واقعاً اگر متمم بودجه‌ای وجود دارد و متمم سال ۴۴ باید باشد تمال ۴۵ اگر شما میخواهید اعتباری بگیرید معمولا خرجی بگیرید باید قبل از پایان

سازمانه آن مطرح میگردد و در حاضر هستید که صحت و بیان را تکذیب صورت نداده مطیع هستند گر اجازه بفرمائید صحت میکنم.

۳ـ تصویب صورت جلسه

رئیس ـ راجع صورت جلسه وقت گذشته نظری نیست؟ آقای توسلی بفرمائید

توسلی ـ در عصر بعضی نشده اشتباهاتی است که تقدیم میکنم.

رئیس ـ اصلاح میشود. آقای کبیری بفرمائید.

کبیری ـ اصلاح مختصری هست که تقدیم میکنم

رئیس ـ نظر دیگری نیست (اظهاری نشد) صورتجلسه تصویب میشود.

رئیس ـ آقای دکتر یگانگی بفرمائید.

دکتر یگانگی ـ استدعائی است از طرف اهالی همدان برای تأسیس دانشگاه در شهرستان همدان که تقدیم مقام ریاست میکنم.

رئیس ـ آقای معتمدی بفرمائید.

معتمدی ـ طومار واصله از اصفهان راجع به تأسیس دفتر پست و تلگراف در قریه محمد آباد همچنین تأسیس شهرداری در آن قریه است که تقدیم میکنم.

رئیس ـ آقای پروین بفرمائید.

پروین ـ از طرف اهالی بلوکات ارزاق نقدی شده تقدیم مقام ریاست میکنم.

رئیس ـ آقای توسلی بفرمائید.

توسلی ـ عریضه‌ای است از طرف کارمندان روزمزد کارخانه نمیدن لوشن و امضا شده که تقدیم مقام ریاست مینمایم.

رئیس ـ آقای حقشناس بفرمائید.

حقشناس ـ نامه‌ای از عاملین قندوشکر آذربایجان رسیده است تقدیم میکنم.

رئیس ـ آقای صائب بفرمائید.

صائب ـ چند نامه رسیده است که برای رسیدگی تقدیم مقام ریاست مینمایم.

رئیس ـ آقای کبیری بفرمائید.

کبیری ـ شکایات و طومارهائی است تقدیم میکنم.

رئیس ـ آقای دکتر هنوری بفرمائید.

دکتر هنوری ـ دو نامه است تقدیم مقام ریاست میکنم مضمونش راجع به راه قوام‌آباد مصری که هر دو شکایت کرده‌اند.

رئیس ـ آقای مهندس جلالی بفرمائید.

مهندس جلالی ـ طومار است از طرف اهالی همدان که تقاضای تأسیس دانشگاه نموده‌اند تقدیم میکنم.

۴ ـ تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای وزیر کشاورزی

رئیس ـ وزیر دستور میشویم، تیمسار سپهبد ریاحی فرمایش دارید بفرمائید.

سپهبد ریاحی (وزیر کشاورزی) ـ با اجازه مقام ریاست مجلس شورای ملی بطوریکه خانمها و آقایان استحضار دارند برابر تبصره ۴۵ قانون بودجه سال ۱۳۳۴ دولت مکلف بود که در سال ۱۳۳۴ در قانون تأسیس بنگاه خالصجات تجدید نظر بکند و لایحه انحلال این بنگاه را تقدیم مجلس محترم بکند و تکلیف وظایفی را که تا کنون بعهده این بنگاه بوده و در آینده آنچه که بتوسط چه سازمانی عملی و اجرا خواهند تعیین کند برای این منظور لایحه‌ای است تهیه شده تقدیم مقام ریاست میکنم (احسنت).

۵ ـ تقدیم یک فقره اصلاح بودجه ۱۳۳۴ بوسیله آقای معاون وزارت دارائی

رئیس ـ آقای قوام صدری بفرمائید.

قوام صدری (معاون وزارت دارائی) ـ تقاضای اصلاح بودجه ای است مربوط بوزارت کشاورزی راجع به بودجه سال ۱۳۳۴ که با اجازه مقام ریاست برای ارجاع بکمیسیون بودجه تقدیم میکنم.

دکتر مهندس بهبودی ـ گزارش این اصلاح بودجه تهیه شده یا نه. اصلاح بودجه؟

۶ ـ تقدیم یک فقره اصلاح بودجه بوسیله آقای معاون وزارت جنگ

رئیس ـ تیمسار سپهبد شکیبی بفرمائید.

سپهبد شکیبی (معاون وزارت جنگ) ـ ضرورت

پیدا کرد که در بعضی از برنامه‌های بودجه زور ارت جنگ در سال ۱۳۳۴ اصلاحاتی شود چون در تبصره یک بودجه سال ۱۳۳۴ اجازه و اختیار تصویب بودجه کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی است نظر این این اصلاح تقدیم میشود و تقاضای تصویب آن را دارم.

رئیس ـ به کمیسیون بودجه فرستاده میشود.

۷ ـ بقیه مذاکره و تصویب گزارش شور دوم کمیسیون راه راجع به اجازه تأسیس شرکت هواپیمائی ملی ایران و ارسال بمجلس سنا

رئیس ـ دنباله بحث در لایحه شرکت هواپیمائی ملی ایران مطرح است ماده ۱۷ قرائت شده است نظری در ماده ۱۷ نیست؟ (اظهاری نشد) پیشنهاد آقای دکتر مبین مطرح است آقای دکتر مبین بفرمائید.

دکتر مهندس بهبودی ـ بفرمائید پیشنهاد را بخوانند.

دکتر دبیر ـ در لایحه مربوط بهواپیمائی کشوری مطالبی بود که بنده در شور اول هم عرض کرده ۴ مورد بود که دو موردش در کمیسیونها اصلاح شده و یک موردش در جلسه قبل و یک موردش باقیمانده که در ماده ۱۶ می‌باشد و تقاضای عطف توجه همکاران محترم را دارم و آن این است که در تصویبنامه ۴۰۴۴ مورخ ۴۷/۶/۳۰ تحت ماده چهارم آن تصویبنامه قید شده بود که شرکت ملی نفت ایران مکلف است هر نوع بنزین و روغن و مازوت و هر نوع مواد سوختنی را بشرکت هواپیمائی ملی ایران بدهد به نرخ فروش داخلی آذر ماه ۳۶ تا پایان سال ۴۳ یعنی سوخت‌دادن تصویبنامه زمان قدرت که فعلا عنوان قانونی دارد شرکت ملی نفت ایران مکلف بوده تا اول سال ۴۴ بشرکت هواپیمائی ملی ایران مواد سوختنی را به نرخ آذر ۳۶ بدهد ولی در این ماده ۱۷ آمده‌اند گفته‌اند شرکت ملی نفت ایران مکلف است از اول فروردین ۴۴ هم این مواد را بهمان نرخ بدهد معنی این چیست؟ معنی آن این است که اگر شرکت ملی نفت ایران برخلاف تصویبنامه جدیدترین قانون که الان نافذ است آمده باشد از اول سال ۴۴ تا امروز مواد سوختنی را به نرخ ۵ مرداد داخلی سال ۳۶ حساب کرده باشد این عمل خلاف سند خلاف تصویبنامه جدیدترین و در سند اگر بنا به گفته آن از اول سال ۴۴ این عمل ادامه داشته باشد یعنی عمل خلاف را قبول داریم این صحیح نیست باید از تاریخ تصویب این قانون ملاک عمل قرار بگیرد بنده در جلسه قبل هم عرض کرده مکرر هم عرض کرده‌ام اخیرا به قانون باید حفظ شود این تصویبنامه‌ای که در تاریخ ۴۷/۶/۳۰ گذشته و تصویبنامه قانونی است باید به آن احترام گذاشته بشود: تصویبنامه قانونی اجازه این اوراق را تا اول سال ۴۴ داده بنابراین از اول سال ۴۴ تا امروز حق چنین اوراقی بموجب همان قانون نبوده است بنابراین ما نمیتوانیم بگوئیم مطلبی که خلاف قانون اگر عمل شده باشد و میبایست توضیح خواسته بشود حالا به آن حبه قانونی بدهیم بنده میتوانم این است که از اول فروردین سال ۴۴ برداشته بشود یعنی پیشنهاد گذشته خودم را تجدید میکنم و بجای آن گذاشته شود از تاریخ تصویب این قانون البته ممکن است اینجا گفته بشود که این عمل شده است یعنی مفاد تصویبنامه ۴۰۴۴ ادامه داده شده باشد تا سال اما تبصره یک همین ماده ۱۷ رفع اشکال از دولت خواهد کرد در تبصره یک گفته است شرکت ملی نفت ایران مکلف است از دریافت تفاوت گذشته مصارف شرکت هواپیمائی ایران و سرویس فرودگاه بنفع شرکت هواپیمائی ملی ایران صرفنظر نماید. بنده تقاضا میکنم جناب آقای قوام صدری که بعضی‌ها بند جواب میدهند و آن جواب بنده نیست توجه بفرمایند چون بعد که من می‌نشینم جواب بنده را چیز دیگری میدهند بنده در تبصره یک ماده ۱۰۵ که جلوتان هست اجازه دارید که شرکت ملی نفت ایران از تفاوت صارف گذشته صرفنظر کند بنابراین حالا که چنین اجازه‌ای بشرکت ملی نفت ایران داده بودجه تاریخ اول فروردین بگذارید بودجه تاریخ تصویب این قانون را در شصت هیچ تفاوتی ندارد بوشما میتوانید از مسئله تفاوت استفاده کنید و شرکت ملی نفت ایران پول نمیدارد ولی چرا اصرار دارید که عمل خلافی را قانونی بکنید بنظر بنده

گر ما این صورت بشد یعنی اگر شوسلند که روز فروردین ماه ۱۳۴۴ بر خلاف تصویبنامهٔ هیئت وزیران قانون است که آن بود شوری دارد و اگر چنین رفتاری شده باشد ما هم نسبت صحیح نیست اگر آقای معتمد وزیری این پیشنهاد شد که مورد آیه و قبول اعضای کمیسیون قرار نگرفت علتش چیست؟ از طرف اعضای کمیسیون بپرسید از شده چرا میپرسید؟

رئیس - آقای خواجه نوری بفرمائید.

خواجه نوری - نکته بسیار دقیق را جناب آقای دکتر معتمد وزیری تذکر فرمودند فرمایشات آقای دکتر مبین حقیقةً علوی نشان داده میشود که جای شبهه ایجاد میکند که این کمیسیونها نیکه معتمد مورد بدلواح رسیدگی کنند بفرمایشات ایشان توجه نکرده اند و رفقای دیگر مطالعه نکرده اند و این امر مطالعه نشده به مجلس آمده در صورتیکه چنین چیزی نیست. این فرمایشاتی که ایشان در شور اول هم فرمودند و پیشنهادهائی که در حین صحبت کنند همین در کمیسیونها باید دقت رسیدگی میشود و در تمام کمیسیونها بحث میشود و ایشان هم با همین پشتکاری که دارند که مطلبی را چه مرتبه در جلسه علنی تکرار میفرمایند و هم کمیسیونی صدوقه تکرار میکنند و بنده هیچوقت هم ندیده ام که ایشان قانع بشوند و همیشه درخواست کرده اند که پیشنهادشان بفرآی گذاشته شود. بنده ای اوقات فرمایشات ایشان قابل قبول است که رأی موافق میدهند و متأسفانه گاهی اوقات فرمایشات ایشان قابل قبول نیست و رأی مخالف میدهند، بازایشان در جلسه علنی تشریف میآورند و میفرمایند چون من پیشنهاد داده ام و کمیسیون مخالفت کرده است باز این پیشنهاد را تکرار میکنم. در صورتیکه ایشان هر دفعه پیشنهاد منطقی داده اند ما در کمیسیون به آن ترتیب اثر داده ایم. و اگر توجه نفرموده اند همین لایحه که در جلسه قبل مطرح بود پیشنهاد دیگری دادند که ما همه رأی دادیم و همین عمل نشان میدهد که هیچ عنادی در مجلس نیست و اگر هم هست خدای نکرده. شاید از طرف اکثریت نباشد (دکتر البوتی - هیچ کس عناد ندارد) در مورد این لایحه مخصوص یک نرخ فروش جنس را بین شرکت هواپیمائی و شرکت ملی نفت دولت موجب تصویب نامه قانونی تعیین کرده بود که نهای این نرخ گذاری از فروردین ۱۳۴۴ بود، برای چه آنرا برگذاشته بودند، برای اینکه فکر میکردند تا آن موقع مجلس هست و به این تصویب نامه های متعددی که ما به این صورت در آورده ایم و انجام کردیم و بصورت این لایحه در آوردیم رسیدگی خواهد کرد و تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد. متأسفانه توجه میفرمایند بواسطه همین مانعی که داده شد که چندین مرتبه این لایحه به کمیسیون ارجاع شد و تصمیم قطعی مجلس شورای ملی اتخاذ نگردید موجب اخلاق وقت شد در اتخاذ تصمیم قطعی توسط مجلس تأخیر شد. ولیکن شرکت هواپیمائی ملی ایران که یک عمل تجارتی میکند و مطابق یک نرخ معین مواد سوختی میگیرد و مصرف میکند و سط عمل نمی تواند تفاوت نرخی برایش حاصل شود و اگر این تفاوت نرخ حاصل میشد، تاجر میشد قیمت بلیط های مسافر بری را بالا میبرد و نظم بهره برداری خودش را بهم نزند و این از لحاظ افکار عمومی مصلحت نبود، بنابراین دو شرکت دولتی که سرمایه اش متعلق بدولت است و ما نباید فراموش کنیم که شرکت هواپیمائی ملی سهامش متعلق بدولت است و سهام شرکت ملی نفت هم متعلق بدولت است. و این دو شرکت دولتی از لحاظ مصالح عمومی و از لحاظ حفظ منافع مصرف کننده ایرانی که سوار این هواپیماها میشوند و نباید نرخ بالاتری بدهند و پول بیشتری بابت بهای بلیط بپردازند این دو شرکت نشستند و توافق کردند که با نرخ تسابق این مواد را بفروشند و شرط آنکه شما مجوز قانونی آنرا از قوه مقننه بگذاری تحصیل کنید و مابه التفاوت را هم بعنوان سپرده و حساب موقت و بدهکار شرکت هواپیمائی ملی ایران به شرکت ملی نفت منظور شد بنابراین از نظر داد و ستد و معامله هیچ نوع عمل خلافی نشده است که آقای دکتر مبین میفرمایند عمل خلاف شده است. پس اگر ما امر و مصلحت ندانیم که چنین نرخی رعایت شود شرکت هواپیمائی ملی ملزم است مطابق دفاتر خودش این مابه التفاوت را

بکند نه شرکت ملی نفت بپردازد و عکس آنهم بر نگرچه خود هست؟ شرکت ملی هواپیمائی از آمدن از کنفدراسیون فروش سیط است به صدور اگر ما چنین تحمیلی به شرکت هواپیمائی ملی بکنیم که مابه التفاوت از اول سال ۱۳۴۴ تاریخ تصویب این قانون را بپردازد. زیرا نیست برای پرداخت چنین پولی نرخ بلیط های خودش را تغییر بدهد و نرخ قیمتهای مسافربری را در ایران بالا ببرد، شرکت که درآمد دیگری ندارد و در نتیجه مصرف کننده در حقیقه واقع میشود. بنابراین این استدلال ها در کمیسیونها بدفعات شد جناب آقای دکتر مبین توجه نفرمودند و مجدداً تشریف آوردند و این مطلب را طوری عنوان فرمودند مثل اینکه کمیسیونها به فرمایشات ایشان توجه نکرده اند و بنده مغتنم هستم با وجود این تذکراتی که بنده امروز دادم ایشان باز پیشنهادشان را پس نخواهند گرفت و تقاضا دارم ایشان رأی کرده بنده بروجه ایشان وارد هستم.

رئیس - هیئت وزراست آقای دکتر مبین.

دکتر مبین - بله پیشنهاد بنده در دستور بفرمائید قرائت کنند (پیشنهاد آقای دکتر مبین بشرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد مینمایم مادهٔ ۱۲ لایحه تأسیس شرکت هواپیمائی ایران به این صورت اصلاح شود:

مادهٔ ۱۲ - شرکت ملی نفت ایران مکلف است از تاریخ تصویب این قانون هر نوع مواد سوختی و مشتقات مورد نیاز هواپیماهای شرکت هواپیمائی ملی ایران را به نرخ فروش داخلی آذرماه ۱۳۳۶ محاسبه نماید.

تبصره - شرکت سهامی سرویس فرودگاه مهرآباد از تاریخ تصویب این قانون در مورد هر نوع مواد سوختی و مشتقات مصرفی فرودگاه از نرخ مذکور در این ماده استفاده خواهند نمود.

دکتر مبین

رئیس - آقای دکتر مبین بفرمائید.

دکتر مبین - بنده البته از این همه اظهار لطفی که جناب آقای خواجه نوری نسبت به بنده فرمودند تشکر میکنم. اگر بنده در کمیسیون صدوقه معتقد با عرض میکنم و در اینجا بنده نوعی خودم که بیست بنده بطور شرکت هواپیمائی ملی بسر زده دارم و سه نوع و خویشی که در آنجا مهم داشته بنده هیچکدام از آقایان هم مسلماً ندارند اگر صحبتی میشود مسلماً در جهت مصالح مملکت و مردم است منتهی اختلاف سلیقه و اختلاف تشخیص در این است، مجلس شورا یعنی جای مشورت و صحبت. اگر قرار شد یک نفر هر چه گفت دیگری هم بیفزود پس مشورتی بوجود نیامده. مشورت همین است که یک مطلبی بحث بشود. امروز موضوع مطلب تصویب نامه‌های زمان قدرت را خود حاضر و آقایان آمدید و نشستید و عنوان قانونی دادید. بنده تکرار میکنم. خود همکاران محترم نشستند و به آن تصویبنامه‌ها عنوان قانونی دادند تا تاریخ اصلاح (دکتر معتمد وزیری - همه عنوان قانونی دادیم) بگذارید حرفم را بزنم، بله همکاران محترم عنوان قانونی دادید به تصویبنامه‌های زمان قدرت تا تاریخ اصلاح و در ماده واحده ۲۰ آذر گفتید که از تاریخ اصلاح بطریق اصلاح شده باید عمل بشود یعنی قبل از اصلاح به طریقی که تصویب شده باید اجرا شود، یعنی قبل از اصلاح بطریقی که تصویب شده مورد قانونی دارد و باید به آن احترام گذاشته شود. در تصویب نامه ۴۰۴۴۰ که عنوان قانونی دارد در تبصرهٔ مادهٔ ۳ گفته شده است مصافیت و در خود مادهٔ ۴ گفته است شرکت ملی هواپیمائی مکلف است مواد سوختی مورد نیاز هواپیما هر را تا پایان سال ۱۳۵۳ به نرخ فروش داخلی آذر ۱۳۳۶ حساب کند (خواجه نوری - بنده توضیح دادم الآن مابه التفاوت هست و اگر ما بین مجموع را به آنها بدهیم مابه التفاوت را خواهند پرداخت اما این طرز مصرف کننده است. بطور مردمی است که مواد را میخرند میشوند. یعنی اینکه ۲۰ بعقیمت بابطهای طبیعی اضافه میشود. اگر صلاح هست اضافه شود مخالفت نفرمائید بنده که توضیح داده بودم تشریف دارند) (دکتر هیودی - یک دفعه هم نشسته توضیح دادند!)

دکتر مبین - ما صلاح شخصی و به تعبیر شخصی هیچ وجهی نداریم. شما صلاح اینطور میدانید، به بنده

[illegible] موقع که [illegible] و این [illegible] از [illegible] گذارش [illegible] شود [illegible] شود [illegible] مشاهده [illegible] شود [illegible] قانون [illegible] ۴۰۴۵۰ گفته شده از [illegible] ۴۴۰ باید از [illegible] شود شد [illegible] میگوئید مطمئن [illegible] که آن قانون است و [illegible] تشویش [illegible] دهد چرا آنچه [illegible] میگوئید اگر شرکت [illegible] ملی ایران [illegible] دارد زیر [illegible] معنی کنید. این مسئله را [illegible] دارد [illegible] بیوقت [illegible] این [illegible] بوجود [illegible] که اختیار [illegible] قانون [illegible] شود [illegible] مطلب شده نیست [illegible] یک مرتبه [illegible] صد مرتبه میگویم. مگر این حرف‌های است که بنده میگویم به قانونی که خودتان تصویب کردید احترام میگذارید، آیا این حرف‌ها چیست؟

رئیس - نظر دیگری نیست؟ (اظهاری نشد) به پیشنهاد آقای دکتر مهین رأی میگیریم خانمها و آقایانی که موافقند خواهش میکنم قیام بفرمایند. (چند نفر برخاستند) تصویب نشد. بعد رأی میگیریم خانمها و آقایانی که موافقند خواهش میکنم قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. مادهٔ ۱۳۵ قرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

مادهٔ ۱۳۵ - دولت مسئول مأموریت اجرای این قانون میباشد.

رئیس - در مادهٔ ۱۳۵ نظری نیست؟ (اظهاری نشد) مادهٔ ۱۳۵ رأی میگیریم خانمها و آقایانی که موافقند قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. لایحه نظری نیست؟ (اظهاری نشد) به لایحهٔ دائمی میگیریم خانمها و آقایانی که موافقند خواهش میکنم قیام بفرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. لایحه برای تصویب بمجلس سنا فرستاده میشود.

معتمدی - مسائل است.

۸- اخذ رای نهائی و تصویب گزارش کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۴۵ کل کشور و ابلاغ بدولت

رئیس - گزارش کمیسیون بودجه جزء صلاحیت پیشنهادی مجلس سنا در لایحه بودجه سال ۱۳۴۵ کل کشور مطرح است قرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

گزارش از کمیسیون بودجه بمجلس شورای ملی

کمیسیون بودجه در جلسه ۳۳ اسفندماه ۱۳۴۴ با حضور آقای نخست وزیر معین وزارت دارائی لایحه بودجه سال ۱۳۴۵ کل کشور را که در مجلس سنا اصلاحاتی در آن بعمل آمده بود مورد رسیدگی قرار داده و اصلاحات مجلس سنا را شرح پیوست تائید نمود.

اینک گزارش آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم مینماید.

مخبر کمیسیون بودجه - کریم آهوی

اصلاحاتیکه نسبت به بودجه سال ۱۳۴۵ کل کشور در مجلس سنا بعمل آمده و مورد تأیید کمیسیون بودجه قرار گرفته است

۱- صفحه ۵ در تبصره ۱ سطر هفتم اموال و هزینه‌ها اموال و هزینه‌ها تبدیل گردیده است.

۲- صفحه ۵ در تبصره ۳ سطر چهارم (موقع عمل سال ۱۳۴۴) حذف گردیده است.

۳- صفحه ۶ در تبصره ۹ سطر دوم (تبصره ۱۰) به (تبصره ۱۳) تبدیل گردیده است

۴- صفحه ۶ در تبصره ۱۱ پس از جمله آخر جدید گردیده و جمله بعدش پس از شده است.

۵- صفحه ۳۰ در شمارهٔ ۳۱۰۱ کلمه (کمک) به (سهم) تبدیل شده است.

۶- صفحه ۳۶ در شمارهٔ ۳۶۰۶ جمله (وزارت اقتصاد از محل معادن) حذف شده است.

۷- صفحه ۳۹ در شمارهٔ ۴۱۰۲ عبارت بین پرانتزها (فروش تمبر و اخذ حق الثبت و درآمد حاصل از اجرای تصویب‌نامه ۲۷۳۶ مورخ ۲۵ و ۲۷ و ۴۷) به (فروش تمبر و اخذ جرائم و درآمد حاصل از هزینه دادرسی) تبدیل گردیده است.

۸- صفحه ۴۰ در شمارهٔ ۴۳۱۶ جمله (دانشگاه تهران) به (دانشگاه تهران) تبدیل داده است.

۹- صفحه ۴۰ در شمارهٔ ۴۳۱۷ در مقدمه دانشگاه ملی جمله (پیمانکاری تهران) اضافه گردیده است.

۱۰- صفحه ۴۰ در شمارهٔ ۴۴۰۰ ستون پنجم بعد (۴۴۰۷۵۰) به (۴۴۰۹۰۰) تبدیل شده است.

۱۱- صفحه ۴۰ شمارهٔ ۵۱۰۰ عنوان کلی حذف گردیده است

۱۲- صفحه ۴۵ شمارهٔ ۵۹۰۰ اعداد ستونهای ۵ و ۶ از (۳۰۳۰۰۰

رامبد - مقدمه مطالعه شده . صورتی به اصطلاح مصر رسیده که در این مجلس شورای ملی کمیسیون و آقای وزیر دارائی آقای مهندس و آقای حسین آشوری نماینده این تألیف بودجه برای هر کسی که با حرف بشود با صحت و اقدام شده متفاوت پیوسته شده اصحیح است اولی وقتی که صحت آقای مهندس را نامه شد کثریت محترم مرا از علاقه فرمودند که اگر وقتی میان دارند توضیحات مفصل و ثرات نظر از اینکه بودجه نویسی که در سرنوشت مملکت دارد و اینجا بیان شود مقدمه محترم بررسی هر مودود در اصلاحات پنجدوقیقه میشود صحت کرد و قسمت تصحیح عبارات یا تعبیر و تکلیف برای مجلس نیست . اما اگر کثریت محترم متفاوتند آنچه در مورد بودجه باید بشنوند بنده اینجا عرض کنم او دکتر بزدان پناه . چون آن موقع فرمودید آقا تشریف نداشتید اول صبح اگر تشریف میآوردید عرض بنده را میشنیدید بنابراین بنده تسلیم نظر مجلس و مقام معظم ریاست مجلس هستم .

رئیس - آقای رامبد صلا اصلاحات مجلس سنا مطرح است .

دکتر جعفری - کثریت گفتند . وقت میدهیم .

رامبد - پس کثریت حرف خودشان را پس گرفتند

مهندس آصفی - مقرر فرمودید و باید رعایت شود .

رئیس - نظر دیگری در اصلاحات مجلس سنا نیست آقای پروین چنانچه مخالفید ؟

پروین - بنده از مخبر کمیسیون خواهش میکنم توضیحی بدهند در قسمت ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ این گزارش

رئیس - آقای اهری بفرمائید

اهری (مخبر کمیسیون بودجه) - عرض کنم اصلاحاتی که در مجلس سنا روی لایحه بودجه سال ۴۵ بعمل آمده در کمیسیون بودجه بدقت رسیدگی شد اکثر آیین اصلاح عبارتی بوده اکثراً در نمادها که تصحیحی شده است در جمع های صفحات قبل صفحات بعد بوده است که تصحیح هر کدام از این ارقام را بنده خدمتتان عرض خواهم کرد جناب آقای پروین در شماره ۱۰ صفحه ۴۳ شماره ۴۴۰۰ در ستون پنج رقم ۴۳۷۷۵۰ که ۴۳۹۵۰۵۰ تصحیح شده اگر کمی صفحه قبل را مطالعه بفرمائید جمع همین بوده ولی در انتقال به صفحه بعد

اول انتشار چاپی شده است که ماند کر دولت اصلاح شده است عرض میکنم در صفحه ۱۰ تحت عنوان واحدهای داخلی است پیشنهاد داشت و مشاور کرده و حذف نوشته ای قید شده در که من آنجا تحت عنوان واحد خلی قید کرده اند و نظر هم صحیح نبود و بعد ایرادت قبول کردیم الفاظی که آنجا این واحد وصول میشود قطعاً باید حرف در آمد متفرقه دولت منظور شود تحت عنوان واحد داخلی این رقم کسر شد از جمع آن صفحه این مبلغ کسر میشود و به جمع ستون درآمدهای متفرقه اضافه میشود که بهمین صورت اصلاح شده و دیگر اگر مطلبی دارید بفرمائید بنده هر عرضتان برسانم آقا دکتر مهذب - راجع به اصلاح ۲۱ توضیح بفرمائید که کار مزد بهره شده است ؟ عرض میکنم جناب آقای دکتر مهذب راجع به کارمزد و بهره استاد خرانه و حق الوصل سؤالی فرمودند اینکه اینجا منظور شده در لایحه بودجه سود اسناد خزانه ولی چون امکان دارد که برای معنی از این اسناد بهره‌ای هم تعلق بگیرد بنابراین مجلس سنا کلمه بهره را که در آن تیتر هم بهره گذاشته اند اضافه کرده اند و هیچ فرق دیگری ندارد آقای دکتر مهذب - به کارمزد تبدیل شده است ؟ هم سود هست و هم بهره .

رئیس - نظر دیگری در اصلاحات مجلس سنا نیست ؟ آقای حاذقی بفرمائید .

حاذقی - من وقت اصلاحات عبارتی مختصری که همکاران محترم در مجلس سنا نسبت به لایحه بودجه دولت کرده بودند بررسی کردم انصافاً هیچگونه تغییری در معنی و اساس آن چیزی که مصوب مجلس شورای ملی بوده داده نشده این عبارتی که اضافه کردند خود نمایندگان دولت هم در تصحیح موافقت کرده اند بنابراین در تصویب این اصلاحات جای هیچگونه نگرانی نیست فقط یک نکته‌ای که من میخواستم عرض کنم این بود که یکی از همکاران محترم در مجلس سنا ذکر کرده بودند که برای مجلس سنا دارائی بودجه و لوایح مالی دولت نظر وکلی ...

رئیس - فلا فرمایشات آقای مهذب مطرح نیست .

حاذقی - صحیح است که مطرح نیست ولی این مطالب

مناسب اساسی است اگر اجازه بفرمائید عرض کنم خواجه نوری - از نظر رعایت قانون اساسی اشکالی ندارد اینجا فرموده بودند قانون اساسی که تصویب بودجه مملکت را از اختصاصات مجلس شورای می‌فرماید از دولت نظر این قانون نقیصه است که تاره کرده بودند امکان تجدید نظر در این قانون اساسی بدهد مصادف شود من میخواهم عرض کنم اولاً قانون اساسی مملکت یکی از مقدس ترین مسائل و اصولی است که تمامت ملت به آن ایمان دارد و صحت در باره تغییر قانون اساسی در مواقع بسیار ضروری و حساسی که حیات مملکت به آن بستگی دارد ممکن است بشود والا در این گونه مسائل ما که توجه به نظریات همکاران محترم سنا داریم و نظرات متفاوتی آقایان را در اینجا ما دقت بررسی میکنیم بنابراین هیچ قوتی از نظر مصالح مملکتی پیش نمیآید و ما خواستیم اطمینان بدهیم بهمکاران محترم که در مجلس شورای ملی نظرات آنها را با دقت مورد بررسی قرار میدهند چنانچه مصلحت بدانند هر کدام را که به صلاح مملکت دیدند آنرا بدون هیچگونه تعیض تصویب میکنند چیزی اگر نیست و بودجه دولت هم معلوم میشود در بررسیهائی که شده است در این مجلس و آن مجلس بهترین بودجه نیست که شرایط حاضر برای این مملکت ممکن بوده (خنده)

رئیس - نظر دیگری نیست ؟ آقای دکتر اسفندیاری بفرمائید .

دکتر اسفندیاری - اگر آقایان در نظر داشته باشند آقایی که لایحه بودجه مطرح شد بعلت ضیق وقت آقایان مصوب فراکسیون حزب مردم و سایر آقایان که اسم نوشته بودند در قابلیت بودند صحبتی کردند (خواجه نوری - در اختیار نداریم ما دیدیم خودتان صحبت نکردید اولی در موقعی که امروز صبح آقای مهندس و الاصحبت کردند اکثریت موقعیت کرد که مدت بیشتری به ایشان یا آقای رامبد هر کدام که میخواهند صحبت بکنند در لایحه بودجه دو نمایش قسمت مطرح شده آقایان اکثریت هم اکثر آمده بودند که مصوب فقیه بهتر آنچه که گفته شده دولت مصوب من گفته از اینجهت من از طرف فراکسیون حزب مردم یک مأموریتی دارم که حضور جناب آقای نخست وزیر و آقایان عرض کنم در صورتی که وقت داده نشود که حزب مردم فلان را بیاید که در آنجا که رسمیت گرفت این امکان رأی بری ما بیشتر خواهد بود وقت بیشتری بدهند و اگر نظر را داشته شبیه اصلاحاتیکه در این صورت امکان رأی موافق خیر که خواهد بود در هر صورت اگر کثریت موافقت نکنند و جناب آقای نخست وزیر هم موافقت بفرمایند که یکی دو نفر از فراکسیون حزب ما صحبت نکنند بسیار بد خواهد بود سنه بنظر آقایان است .

خواجه نوری - اختیار مجلس با آقای رئیس مجلس است .

رئیس - فلا اصلاحات مجلس سنا مطرح است و موقع صحبت در کلیات بودجه نیست صداً اگر آقایان خواستند صحبت بکنند نظر دیگری نسبت به گزارش کمیسیون بودجه نیست ؟ آقای اهری بفرمائید .

اهری (مخبر کمیسیون بودجه) - عرض کنم بازدر نقل جمع صفحه قبل به صفحه بعد در قسمت سوم صفحه یک ستون هفت عدد ۱۶۳۰۳۷۰ اشتباه چاپ شده و رقم ۱۱۱۶۳۶۷ صحیح است و یکی هم در صفحات ۵۳۰۵۲۰۵۱ و ۵۴ کلمه عمومی حذف شده زیرا که همچنین بنده‌ای کشور از محل درآمدهای درآمد عمومی بنابراین نظر بنده است که این کلمه عمومی اصلاح بشود .

رئیس - آقای اهری حالا که موقع پیشنهاد نیست . نسبت بگزارش کمیسیون نظر دیگری نیست ؟ (اظهار نشد) آقای میگیریم بگزارش کمیسیون خدمتی و آقایانی که موافقند خواهش میکنیم قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد حالا نسبت به لایحه صفحه ۴۵ گزارش موقعه تعدادی میشود

[illegible]

[illegible]

دکتر کلانتری - سلوجه هوری - دکتر شفیع نیا - دکتر عدل - دکتر مهندس چهوری - مهندس عظیم - آوربا - سرتیپ خداداد - مرتضوی - دکتر نوبلی - دکتر شهرزاد - دکتر علی - دکتر یزدان زاده مقدمی - اسحاقی - دکتر جعفری - بوستا - نوزاد - مهندس ملک - سیفی - مهندس خوش - موسوی - دکتر مبین - رضوی - دکتر ضیائی - نوابی - تاج سمیعی - نائب دکتر دولتشاهی - نائب تربیت - محدث زاده - براحمدی - حکمت یزدی - حیدرصفی - غضیشه - دکتر اسفندیاری - رهبر - حاذقی - کوزی - ظفر - مهندس کیا - دکتر پورهاشمی - صائب - دکتر رهنوردی - دکتر رضائی - غفرمرادی - مصطفوی نائینی - تیری - دکتر فراگرلو - دکتر حاتم - میرفضل - رحمانی - نائب جهانبانی - دکتر نجیمی - مهندس جلالی - مهدی زاده - ریگی - صائبی - قراچورلو - دکتر حکیم شوشتری - البرزی - لقوطی - پاکدان - غلام نیاکان - ابراهیمی - ذبیحی - زرگرزاده کشفی - دکتر موثقی - مهندس والا - دکتر اعتمادی - ساکینیان - ملاخانلو - رامبد - مهندس آراسته - کنگرلو - زند - ثمنی - مافی - دکتر فریود - مهندس بروشه - دکتر حکمت - دکتر رضائی - دکتر معتمدنژیری - جهانگیری - طالب زاده - شیخ الاسلامی - میرهادی - میرزاخانی - صدق احمدی - اقبالی - دکتر حسینی - حسینی - مشارزاده آملی - امینی خراجی - سید صالحیان - چهانشاهی - دکتر صاحب قلم - متولیباشی - اهری - مهندس زاهدنجیر - مهندس جلالی نوری - مهندس معتقدی - پژند - دکتر زنگنه - دکتر مدنی - مهندس عباسی - مهندس آصلی - دهبیه - موسوی ماکوئی - هیراد - صفریور - زاهدنیا - موشهری - نائب تربیت - نائب دکتر دولتشاهی - پزشکی - نائب جهانبانی - دکتر امامی - بهرادی - هادی - سید بلند - پروین - ذبیحی سلطان احمدی - ثمنی - پژند - محسنی مهر - دکتر مصطفوی نژیری - دکتر حاذق - دکتر حسابی شوشتری - دکتر موثقی - مهندس آرسته - نیرهیمی - البرزی - میرافضل - علی مرادی - مهندس مالک - مدنی - دکتر بگانگی - دکتر نجیمی - کدالوند - کلانتر هرمزی - کاویس - نائب تاج سمیعی - نکوزاد - کیهان بضائی - مهندس معینی زند - دکتر صالحی - شکیبا - دکتر کیان - دکتر امامی - مهندس رهبر - مهندس پروشانی - مهندس صائبی - دکتر مرتضوی موسوی کبیری - مجد - کسرائی - زوحانی - صادکی - نوابه - ادیب سمیعی.

(آراء مأخوذه شماره شد و نتیجه نظر از زیر اعلام گردید).

آراء موافق ۱۳۳ رأی.

آراء سفید بعلامت امتناع ۱۲ رأی.

آراء مخالف ۱۸ رأی

(رئیس - لایحه با ۱۳۳ رأی موافق تصویب شد بدولت ابلاغ میشود.

مهندس والا - آراء مخالف و ممتنع را هم اعلام بفرمائید.

رئیس - با ۱۲ رأی ممتنع و ۱۸ رأی مخالف.

روحانی - این افتخار هم نصیب اقلیت گردید.

موافقین - آقایان: رهبر - مصطفوی نائینی - اولیاء - کسرائی - زند - اقبالی - صائب - دکتر سعید - مهندس جلالی نوری - کنگرلو - دکتر عدل طباطبائی - قسم مرادی - مهندس اخوان - مرتضوی - رضوی - مهندس جلالی - متولی باشی - صادکی - موسوی - میرهادی - مجد - دکتر مدنی - ملکزاده آملی - مهندس مجتهدی - سرلشکر نکوزاد - حکمت یزدی - غلام نیاکان - دکتر پوران پناه - مهندس زنجانی - رائی باشیخه - بوستا - زرگرزاده - مهندس اسدی سمیع - امیر احمدی - دکتر شفیع امین - ارسنجانی - دکتر الموتی - مهندس اهری - مهندس برومند - موشهری - نائب تربیت - نائب دکتر دولتشاهی - پزشکی - نائب جهانبانی - دکتر امامی - بهرادی - هادی - سید بلند - پروین - ذبیحی سلطان احمدی - ثمنی - پژند - محسنی مهر - دکتر مصطفوی نژیری - دکتر حاذق - دکتر حسابی شوشتری - دکتر موثقی - مهندس آرسته - نیرهیمی - البرزی - میرافضل - علی مرادی - مهندس مالک - مدنی - دکتر بگانگی - دکتر نجیمی - کدالوند - کلانتر هرمزی - کاویس - نائب تاج سمیعی - مهندس آصفی - ادیب سمیعی - اهری - دکتر اعتمادی - یکدان - حفشنام - شاملوئی - مهندس پروشانی - امینی حرحی - دکتر علی - حسینی - آوربا - مهندس راحجی - دکتر زنگرانلو - زاهدفرد - روحانی - مهندس نوزاد - دکتر رهنوردی - دکتر رضوانی - ریگی - مهندس ریاسی - اورا - دیهیم - سرتیپ حکیمیان - قسم اجورلو - توسلی - هیراد - دکتر ضیائی - مهندس کیا - صدری کیوان - دکتر مهذب - مهندس عطائی - دکتر فریود - فهیمی - تبریزی - دکتر مهدی زاده کشفی - صائبی - مهندس صائبی - دکتر صاحب قلم - حاتمی قلعه جوقی - جهانشاهی - بدر طالعیان - لقوطی - خواجه ندری - حاذقی - محدث زاده - سیفی - یعقوب تهرانی - دکتر کلالی - فیضی - دکتر کیان - دکتر صالحی - مهندس معینی زند - سلیمانی - موسوی ماکوئی - مهندس عدلی - شکیبا - دکتر سامی راد - کیهان بضائی - نادرلی - مهندس پرویز بهودی - دکتر عدل - ضابطی.

مخالفین - آقایان: طهماسبی - رامبد - تیری - دکتر اسفندیاری - مهندس والا - دکتر مهندس بهودی - دکتر جعفری - ساکینیان - دکتر حکمت - معتمدی - امام مردوخی - زنجانی - دکتر رضائی - دکتر حسینی - دکتر پورهاشمی - ظفر - فخر طباطبائی.

ممتنعین - آقایان: آموزگار - صادق احمدی - ملاخانلو - جاوید - جهانگیری - سرتیپ پورشیخ الاسلامی - صفریور - طالب زاده - طهماسبی - دکتر فراگرلو - دکتر مبین - موسوی کبیری.

رئیس - آقای نخست وزیر فرمایشی دارید بفرمائید.

نخست وزیر (امیرعباس هویدا) - جناب آقای دکتر اسفندیاری در موقعیکه راجع به اصلاحات مجلس سنا نگاهی میفرمودند گفتند که چرا دولت درباره فرمایشاتی که امروز صبح آقایان کردند جواب نداد مسلماً دولت در موقعیکه اجازه دارد صحبت کند عرایضش را میکند. بنده خیلی متأسفم که دیروز امر اینجا نبود که بیانات شیرین (مثل همیشه) آقای رامبد را گوش بدهم ولی در موقعی دارد شده که جناب آقای مهندس والا فرمایشاتشان را فرمائش میکردند. همیشه ایشان با لحن بسیار شیرین و بدون رسیدگی یا بدون اینکه به دولتی هم نگاه کنند صحبت میکردند که چون این دفعه نکات مهمی بود و از قدر زیادی بود بنده نتوانستم استفاده بکنم بنده هم خیلی خوشوقتم که ایشان بعد از اینکه در کمیسیون بودجه مجلس نکاتی فرمودند ارقام را موشکافی کردند. بنده هم آنجا در حضورشان پاسخ دادم و خیلی خوشوقت شدم در جلسه علنی از این موقعیت استفاده کردند و فرمایشاتشان را گفتند و دولت و همینطور خیال میکنم مردم مستفیض شدند و بنده در اطلاعات و معلومات دوست عزیزم آقای مهندس والا ایمان دارم و میدانم در خیلی از قسمتها تجربه دارند مهندس هستند صاحب یکی از مجلات سیاسی خوب ایران هستند (صحیح است) ولی هنوز نمیدانستم که از اقتصاد دارائی معروف مملکت هم هستند و الآن خیلی خوشوقت شدم بحتماً بعد از این از معلومات ایشان بهره برداری خواهیم کرد و میخواستم تبریکی عرض میکنم و دولت حتماً از آنچه که ایشان از وضع ایران فرمودند که برای من هم تازگی داشت استفاده خواهد کرد و خیلی خوشوقتم در اینقاتی که فرمودند بنظرم بنظرم آمد که بودجه بودجه حضوری است از ارقامی که صحیح بود و فرد بودجه صحیح است دولت کاری انجام نداده. جاده‌ای ساخته نشده. برق کشیده نشده. برنامه‌های عمرانی انجام نگرفته. مخصوص در خاطر اطمینان دارم هیچ کاری نشده. و بودجه هم از درآمدهای عمرانی خرج نشده. امیدوارم که بحساب خصوصی کسی نرفته شده. این روزها مردم ناراحتند. ایشان اینطور گفتند و اطلاع دادند در این ایام عید کسی در بازارها نمیرود و خرید نمیکند. خیابانها خلوت است و کسی مسافرت نمیکند اینها مسلماً برای من تازگی داشت و مسلماً بررسی خواهم کرد بخاطر اینکه اطلاعاتی بدست بیاورم آنچه که فرمودند دولت کاری انجام نداده میبایستی عرض کنم دولت وظیفه‌ای دارد وظیفه‌اش را انجام میدهد برنامه‌ای دارد میآورد در مجلس تصویب میشود یا نمیشود و طبق آن عمل میکند مسلماً از لحاظ وضع زندگی مردم و وضع کنونی مملکت فرمایشات ایشان اینجا ثبت شده در روزنامه هم ثبت میشود. در رادیو

میگویند خدشه هست در این فرمایشات معظم جواهر شد دولت از مؤخره خود هست فرمودند که جسارت اطلاع صحیح ندارند بسیاره موقعی که دولت آوردن و خدمتی در مجلس شورای ملی وضع مملکت شده بود زیرا بنده و غیر این فرمایشاتی کردند از بس که از انحطاط زندگی مردم و شدند فرمودند و هر حال میگردیم فرمایشات بیان کافی بود و بیان پذیرش بود (تصدیق کنید همینطور هم هست) مسلماً عرایض بنده اینجا جنبه علو داشت بنده بدیهی است در این روزها می کسالت بنده میشود وسال جدیدی شروع میشود همانطور که همیشه عرض کرده‌ام هر کسی، هر فردی باید صاحب نظر باشد هر نظری هم معتبر است و اگر اکثریتی هست واقایتی هست برای اینکه اکثریت از دولت مملکت بکند واقعیت واقعاً برای این است که از دولت پشتیبانی نکند انتقاد بکند و این دولت بیچوجه از هیچکس نه انتقادی صحیح یا نا صحیح قرار نمیکند استقبال میکند و فکر هم میکند (احسنت) فضایت باشد نیست قضاوت بامردم ایران است از امواج رادیو و قرمایشات جناب آقای مهندس والا پخش میشود عرایض بنده هم پخش میشود خیال میکنم حق بنده و بیان است که اینجا نظر باقی بدهم و ملت ایران است که باید قضاوت بکند (صحیح است) اولی یک نکته را اینجا بایستی عرض بکنم اجیناً اگر راجع به آن فرمایشی نکرده بودید بنده جواب خیلی مختصر بود سالهای پیش در این مملکت مجلس نبود که از پشت تریبون مجلس صحبت کنند ولی خارج از مجلس یک نفوذ بهائی می شنید بصحبت از زیر دکتگی مملکت شما صحبت از این روش مملکت بود (دکتر معتمد زیری - خیانت بود) اولاً دکتر الهوانی - کاملا صحیح است خیانت بود) صحبت از نوبه بود و آن زمان اشخاص با دولت بازی کردند همه بازی کردند مملکتی که بر حال توسعه بود مملکتی که با سرعت پیش میرفت با نفوذهای خارجی و این مملکت دستش را بحیه کردند که مواجه با کود شدیم مواجه با بیماری سیرهی شدیم و از دکتر الهوانی باید تشکر بکنند آنهائیکه اینکار را کردند و کمک همین مجلس بود که فرمایشی گذشت و دولت قبل از دولت منصور کوبانی از پستان شما و یکی از اشخاص مجتهد این کشور و از دوستان بنده بود شروع کرد به از بین بردن این فتوحات شوم اصحیح است و امکان دارد که کشور برای پیشرفت دولت منصور و دولت هم از همان سیاست که از شاهنشاه الهام گرفته شده بود پیروی کردیم و یک بیلانی این دولت تقدیم کرده بنده خیال نمیکنم اطلاعات و ارقامی از مقدمات مسئول غیر مسئول یا غیر مسئول مسئول بگیریم که آن اطلاعات نا صحیح باشد امروز ساده چون ارقام را گفتن تقاده و تعهد دانم این ارقامی که شما خواندید تا چه حدی با اطلاعات بنده مطابقت دارد ولی بنده نمیدانم از روی چه ارقامی گفته شده است که مملکت دارد میرود بطرف تورم و مملکت ارزش ندارد هر کسی این ارقام را داده بیچ دولت حق ندارد راجع به این صحبت کند برای اینکه مملکت ما آقای مهندس والا وضع اقتصادیش خوب است وضع پولی اش درست است (صحیح است) اعتماد مردمی در خارج از این مملکت که میگویند برنامه هائیکه ایران دارد خیلی خوش بینانه است اعتماد مردمی در این مملکت و در خارج از این مملکت که معتقد هستند که ما امیدهای زیادی داریم، هستند اشخاصی که میخواهند کارهای ایران بدست ایرانی انجام نشود ولی من و شما آقای مهندس والا دریک جهت هستیم و معتقد هستیم که کار ایرانی باید بدست ایرانی در ایران و با فکر ایرانی انجام پذیرد (احسنت) در اینجا صحبت اقلیت و اکثریت نیست و این جا ما همه موافق هستیم و دریک جهت هستیم (احسنت) لذا ارقامی که گرفته میشود و گفته میشود خوانده میشود و در دسترس همه گذاشته میشود بایست ارقام صحیحی باشد مسلم میگذارند و ایم با ارقام بازی کنیم دلیلش این است که چطور ما نتوانستیم راجع به خیلی از این قسمت انتقاد کرد بد. انتقاد صحیح کنید صحبت از مؤسسات دولتی کردید همین مؤسسات دولتی که امروز میگوئید صد و هفتاد میلیون تومان اضافی درآمد دارند همین مؤسسات بودند که در بودجه‌های چندین سال پیش در آمدی نداشتند و در آمدی نبود این یک قدمی است حتم دارد از آن انتظار داشته باشید منتها سرعت بیشتر و صح از اینها از دولت کنیم حق هم دارید که ما یک قدمهای بهتری به بودجه اینها برسید گی

کنیم مقبول دارید ولی آنجائی که گفتید مملکت دارد بطرف تورم میرود مملکت دارد بطرف یک توسعه غلطی میرود بنده برای جناب عالی اعلام میکنم مملکتی که سطح قیمتهایش ثابت مانده هزینه زندگی پائین رفته و بیشتر هم بخش خصوصی و دولتی سرمایه گذاری کرده این تورم نیست (صحیح است) تورم قیمت‌ها بالا میرود بطور سرسام آور هستند اشخاصی که معتقد هستند بد در مملکت ما که بنده‌ها رفت میکنیم (خواجه نوری - از این صفت تورم نیست) در مملکت توسعه پیدا کند کدام کمربندها سفت شود مردم وطن پرست هستند هم بنده و هم شما ما بمملکتمان علاقه داریم ولی امروز اگر در مملکتمان بخواهیم برنامه‌ای را شروع کنیم میگویند جلوی واردات را بگیرید مملکتی که شصت و پنج درصد وارداتش سرمایه است جلوی چی را بگیریم جلوی ماشین آلات را بگیریم جلوی ماشین آلات کشاورزی را بگیریم؟ قرموده رشد اقتصادی ده درصد نیست بنده میگویم در این مملکت دستگاههائی هستند که حساب میکنند یکی وزارت اقتصاد است یکی بانک مرکزی است از کی سؤال کنم اگر بنده از این دومقام سؤال نکنم از یک سفارت خارجی سؤال کنم؟! یکی از نمایندگان - مسئولین حزب مردم) این را خودتان میدانید رقم (۱۰) ده درصد را مقدم و دستگاههای دولتی میدهند لذا بنده اینجا اعلام میکنم رشد اقتصادی ما ده درصد بود حداقل دهدرصد بود حساب کنید مجلس اینها بودند در کمیسیون هیئت طرح و بودجه و اصلاح کنند اگر آنطور که میفرمائید سلاس چاپ نمیکنند که ما رویم طرف تورم این رقمها را بگذارید ملاحظه بفرمائید که این رقمها چه طرح دارد فرموده بودید دولت در سال ۴۴ از هفت ۵۱۲ میلیون شده بنده خیلی کم است انتظار داریم از یک میلیارد و دویا بیشتر بشود ما نشانه‌ای میگوئیم برای اینکه شرکت ملی نفت و غیره میکنند اینجائی مجلس و مردم بیشتر سرزنش هستند مسلماً واردات کالاهای مصرفی ما بیشتر خواهد شد مملکت مملکت عظیمی است توسعه اش هم بسیار سریع باشد چیزی که کمیسیون که توسعه مملکت جلویش گرفته شود، جلوی چی را بگیریم جلوی واردات کارخانجات را بگیریم قیمتها میرود بالا اگر اقتصادی است صحیح، اقتصادی است سالم سرمایه گذاری هم درست مسلماً برآورد هم میشود گرفت و باید گرفت اگر ما نابسته خدمتگزاری نیستیم ما را هر خدم جواهد کرد اشخاص شایسته‌تر خواهند آمد مملکت خدمتگزار دارد بنده عرض کرده بهیچوجه خدمتگزاری که انحصاری نیست انحصاری برای بنده یا همکاران بنده یا عده دیگری در خدمتگزاری برای همه مرز است و مرز خواهد بود کسری بودجه فرمودید سی و هشت میلیارد است سی و هشت میلیارد از کجا میآید پنجسی و هشت میلیارد جمع ده میلیارد با اضافه ده میلیارد به اضافه ده میلیارد، به اضافه هشت میلیارد میشود سی و هشت میلیارد جمع خیلی ارقام است کمی و هشت میلیارد میشود جنابعالی که مهندس هستید بنده وارد نیستید و مسلماً اطلاعات شما بیشتر است ولی ارقام را از کجا میاورید و جمع میکنید آقای مهندس والا ارقامی که جمع میکنید بایستی ارقام صحیحی باشد بنده اینجا اعلام میکنم کسری ما همان صد و شصت میلیون تومان است ارقام را جمع میکنید مال سال گذشته را به آن اضافه میکنید که پرداخت شود تا آخر سال برای اینکه مثلا بعضی از دولتهای سابق تکنیم که ما دیون مرده را اجازه گرفتیم از مجلس برای سال آینده مایه‌ها را پرداخت کردیم و اجازه گرفتیم تا آخر امسال پرداخت شود (احسنت) میفرمائید درآمد نفت چرا این قدر بالا رفته و این کارهای عمرانی را چرا انجام داده‌اید امهندس والا - هیچوقت چرا نبود آقای نخست وزیر برانندچکار کنیم و همه نفت و وجوه دیگر طبق همین بودجه خرج شده جنابعالی میتوانید ثابت کنید برعکس بنده بفرمائید در کمیسیون بودجه نشرفرمائید و وقتهم داشتید و حق جنابعالی بود امروز هم بنده و دولت هم آماده هستیم هر روز که خواستید جنابعالی و دوستان مایل بشوید بیائید ولی در جلسه تشریف نشد انتقاد بنده دارم اگر درست باشد بگویم درست نیست شما بنده‌ها را دارید که بفرمائید غلط شده است (احسنت) فرمودید راجع به تلخواگردان سخن بهره است

که ما متحد و کردن سون بهره است چرا متحد نه گردان شده
میلیون تومان شده ما ... سکی و اختیاری است فرانت بهره ...
... بودجه ... است ... بودجه ... صحیح است که است باید بیشتر رشد فرمودید که
دولت در اینجا گفته بود که مخارج اداری مالا تصویب
مخارج اداری ۳۳ رفته بالا بقیه مربوط به سیاست دفاعی
است میفرمائید مرز ها بیمان را از یکدیگر ترانیدند گان
ابتدا میفرمائید نیروهای مسلح شاهنشاهی تقویت شود
موشک نداشته باشیم کشتی جنگی نداشته باشیم بودجه
اداری من ۳۳ بالا رفته و صحیح است بقیه‌اش را در بودجه
ملاحظه بفرمائید تقویت نیروهای مسلح شاهنشاهی است
جنابعالی در موقعی که میدهید این لایحه دویست میلیون دلاری
را آوردید خودتان دفاع کردید باشیات یا شدید و حتی
فرمودید دیر است جناب آقای رامبد سخنان شیرینشان
از بابت این قرضون دولت را ملامت فرمودند که چرا دیر
آوردید (مهندس والا - هنوز هم همین عقیده را دارم) پس
قبول کنید که بودجه مستمر ما ۳/۳ رفته بالا نه آنقدر که
فرمودید اینجا بنده استدعا میکنم سعی کنیم اسم شاهنشاه
برده نشود شاهنشاه خودشان میتوانند تصمیم بگیرند که
خدمات این دولت بنفع ملت ایران است و این دولت
خدمتگزار است نسبت بیرنامه های شاهنشاه همانطور یکه
شاهنشاه میخواهند اگر مخالف اجرا میکنیم مربوط
بما نیست (صحیح است) بنده هیچوقت اینجا عرضی
راجع به این کار نکرده بنده همیشه میگویم با خدمتگزار
هستیم ولی میگویم دشمنی خاطر شاهنشاه و ملت ایران را
فراهم کنیم (احسنت) و شاهنشاه است که میتوانند تصمیم
بگیرند و نباید گفته شود که ایشان برنامه هایشان عملی
نمیشود روزی که این دولت به هر دولت دیگر نتواند
برنامه های ایشان را عملی نکند آن دولت مرخص میشود
ما هم مرخص میشویم بنده اطمینان دارم. اگر این عرایض
را که خدمتتان کرده و با لحن قوی هم عرض کرده برای
این نیست که فرمایشات جنابعالی را نپذیرفتم من پذیرفتم
حدی باشد برای اینکه شما که با خلوص نیت صحبت میکنید
متهم که با خلوص نیت صحبت میکنم اشخاص مغرض در
ایران از اینها بهره برداری غلط میکنند (احسنت) آن
دوست نیست و گرنه ما و شما چه فرقی داریم ما و شما
برای پیشرفت مملکت کار میکنیم همه شد. خدمتگزارید
در این مهمت بین ما فرقی نیست لذا بنده چون از رادیو
های خارجی میشنوم و میدانم چطور بهره برداری میکنند
خود جنابعالی فرمائید کوش بدهید این نطقتان پخش میشود
سنید چه چور بهره برداری خواهند کرد. در مجلس سنا
صحبت شد در مجلس شورای ملی صحبت شد سنید به چه
نحو بهره برداری میکنند آنها نمیدانند که جنابعالی با
خلوص نیت نظر میدهید آنها نمیدانند که ما اینجا راجع
به ارقامی صحبت میکنیم اگر این ارقام را که جنابعالی
میفرمائید صحیح است دولت دولت خائنی است بخاطر
اینکه دولت آمده ارقام دروغ داده بمجلس در شأن این
دولت نیست مسلماً شما منظوری نداشتید دولتی دشمنان ایران
منظور دارند باید در این قسمت ما و شما همکاری کنیم
چون همیشه در موضوعیکه مسائلی مربوط است بمرز و ثوث
ایران . به آنچه ایران . بعزیزی ایران، اکثریت و اقلیت
در این مجلس موجود نیست (صحیح است) همه یکصدا
هستیم و همیشه یکصدا بودیم از پشت این ترمون آقای
رامبد و تمام همکارانشان یکصدا فرمودند نطقهای پرحرارتی
کردند انتقاد صحیح است من بانتقاد علاقه دارم بیائید
بما بگوئید ثابت کنید رقمش درست نیست ولی طوری نشود
که از عرایض بنده یا فرمایشات شما بهره برداری غلطی
از طرف اشخاص ناشایستر در خارج از مملکت بشود . . . . .
(دکتر هنوردی - آنها در هر صورت بد خواهند گفت به آنها
تکیه نکنید) ملاحظه میفرمائید نگاهی فرمودید بنده
یادداشت کردم جواب میدهم صادراتمان را گفتید در ۴۴
پائین رقم ملاحظه بفرمائید در سال ۹۰۳۶ میلیارد، در ۴۳
۶۱ میلیارد و در سال ۱۳-۴۴ میلیارد و امیدواریم در ۴۵
خیلی بیشتر از این باشد نگاهی راجع بعهدت مدیره آب و
برق خوزستان گفتید که پاداش گرفتند قبول دارد که
گرفتند ولی هیئت مدیره‌اش کجاست هیئت مدیره ندارد
(چند نفر از اینها بنده کان ندارد) هیئت مدیره ندارد اگر هیئت
مدیره آب و برق خوزستان را فرانت میفرمائید آن اطلاعاتی
که بشما داده‌اند صحیح نبوده و مسلماً شما مقصر نیستید

شده اطلاع داده‌اند و صحیح نبوده است بنگاه داروئی را
فرمودید بنگاه داروئی در آمد ندارد مؤسسه‌ای است غیر
سودی خودتان تصویب کردید و در این مجلس تصویب
شده مؤسسات دولتی را فرمودید در سابق بنده خدمتتان عرض
کرده مؤسسات دولتی مادر آمدشان در سال های قبل چه بوده ما
قدم بقدم پیش میرویم اگر سرمایه گذاری لازم بوده آنها ما
سرمایه میدهیم اگر سرمایه گذاری نکنیم این صحیح است
نه باید سرمایه گذاری کنیم در حال حاضر شما چه انتظاری
دارید از مؤسسه آب و برق آذربایجان که پولی دریافت
کنید؟ مؤسسه آب و برق آذربایجان دارد زیربنای این
مملکت را درست میکند (صحیح است) مؤسسه سنسفید
رود یاد شد که برنیم ما از ۴۰۰ هزار تن برسد به ۶۵۰
هزار تن اصل این قدم اولش بود این است در آمد مملکت
در آمد مملکت که خزانه دولت نیست در آمد مملکت
جیب مردم است (دکتر مهدب - در آمد ملی است که
بنسبها نمیتوانند بفهمند) گفتید پاداش، باید پاداش داد
به اشخاصی که خوب کار میکنند مگر دستگاههای خصوصی
این کار را نمیکنند ولی اصل متشکلانه زیر دارائی جلاد...
اخذه نمایندگان) ما کریم پاداش را به ۱۵۰۰ تومان
رسانده است سؤالاتی فرمودید راجع بعوارد آمدنفت در آمد نفت
جزء کدام در آمد عمومی آمده است صفحه ۱۲ بند ۳۱۰
را ملاحظه بفرمائید در آمد نفت جزء در آمد عمومی اضافه
شده فرمودید که ۱۵۰ میلیون تومان چه بود که اضافه
شده چرا ما ۳۷ میلیون را در بودجه اصل گذاشتیم
وجهی بود که از شرکت نفت ایران و آلمان بدستمان آمده
فرایش بودجه مستمر را عرض کرده علائم تورمی را
نمیدانم ممکن است علائم تورمی در مملکت وجود داشته
باشد بنده که ندیدم اگر بفرمائید زندگی بهتری آورده،
امکان خرج بیشتر برای مردم و اینکه هر کس بروم دنبال
امکان ساختن یک منزل و در عید خرید چند قواره
پوچه اگر این نشانه تورم باشد در مملکت است
که البته الحمد لله در مملکتمان تورم باشد اگر تورم
روی تشریح کتابی است چون جناب آقای مهندس والا
الحمد لله عده متخصصین اقتصادم در دستگاه دولتی کریم
نیستند یک عمل در کتور میشود یکی راجع به تورم صحبت
میکند شخص دیگر راجع بهمان وضع اقتصادی کلر کود
ست صحبت میکند گاهی میرسد که آدم مغزش یک انجماد
رکودی و تورمی پیدا میکند ولی این تئوریهائی که در
کتب نوشته شده و گاهی هم هنوز ترجمه نشده مابین تئوریها از
لحاظ مملکت و پیشرفت مملکت ما معنی نمیدارد (خواجه نوری.
قابل انطباق است) ما باید وضع مملکتمان را ببینیم امکانات
را ببینیم جناب آقای مهندس والا بنده اینجا عرض کردم
ما باید با کشورهای مترقی بهمراه سوم برسیم شوخی نیست
۳۵ سال وقت در پیش داریم ۳۵ سال بعد مملکت ما باید
مانند یک مملکت اروپائی پیشرفته باشد (احسنت) بله
باید اقدام کنیم کار کنیم باید مراه طهای ایرانی پیدا کنیم
باید راه میان بر پیدا کنیم ما یا آقائی که بعدازما میآیند
و هستند پیدا خواهند کرد. فرمودید چرا کره و کوسفند
وارد میشود؟ بله کره هم وارد میشود برای اینکه محصول
مملکتمان کم است روزی که محصول مملکتمان به این
حد رسید آنوقت کره وارد نمیکنیم اگر الآن جلوی کره
را بگیریم یا شما قول میدهم یکعده ایرانی که امروز کره
میخورند دیگر آرزو نخواهند توانست بخورند قیمتها
میرود بالا و اما گندم را وارد میکنیم بله راه خیلی هست
یکی هم این است که مرده نان نخورند ماری اتوانت هم
گفته بود یکروزی اگر نان نمیخورند برود نان شیرینی
بخورند (خنده نمایندگان) من نمیدانم خود جنابعالی در
اینجا موافقت کردید که گندم وارد کنیم باید گندم وارد
کنیم وقتی گندم داریم باید سیاستی را شروع میکردیم
و شروع هم کردیم امیدواریم تا ۵ سال دیگر احتیاجی به
وارداتی گندم نباشد ولی سیاستی نیست که امروز انجام بشود
همانطوریکه بنده سابقاً عرض کرده جناب آقای مهندس
والا معنی میکنیم بدیهی است اگر بنده خودم اینجا
بخواهم عرض کنم که ما از کار خودمان راضی هستیم
احسنت هنوری - مشخصاً راضی است) من میگویم راضی
نیستیم و میدانیم کار کنیم خیلی بیشتر مسلماً میدانیم
که الان در نظام نامه داخلی مجلس داریم یک ماده‌ای را
پیدا میکنید که جواب بنده را میدهد صحیح است بنده حرفی

[illegible] اگر فرمایشات خود را در جلسه دیگر هم کرده بودند همین حرفها را نشان میدادند این آخر دفعه که میپرسید بهیچوجه من اینجا هم خدای نکرده عرضی کرده باشم که کسی را تخطئه کند یا مصطفوی - ایشان هم خدمات شب را تخطئه نکردند آقای نخست وزیر) و بهیچوجه بنده احتیاج ندارم برای خاطر اینکه من خدمتگزار سعی میکنم گاهی موفق میشوم گاهی موفق نمیشوم خوشوقتم رضامندی خاطر شاهنشاه و ملت ایران را که دست آورده ام موفق نمیشوم سعی میکنیم بهتر کار کنیم در مجلس مثلا شخص بنده محترم از دوستان شما که رئیس کنگره حزب شما بود در پشت تریبون گفت باید انصاف داشت و انصاف داد که این بودجه بودجه بسیار خوبی است اطمینان دارم شما هم انصاف دارید. والبته اینجهم موقتی نیست که بنده راجع به ارقام صحبت کنم ولی از پشت این تریبون اعلام میکنم که دولت در اختیار شما و متخصصین شما هست که قبل از عید و یا بعد از سال نو یا در موقع تعطیلات هر طور که مایل هستید، دعوتتان کنید میآئیم خلخال میرویم کرد را تشکیل میدهیم در اختیارتان هستم (مهندس والا - بخلخال که تشریف نیاوردید) بینهایت عرض میکنم اگر ارقام غلط است میآئیم پشت همین تریبون میگویم ولی باید ملت ایران بداند که فرمایشات جناب عالی با خلوص نیت بوده و بجز اینکه آن وظایف اقلیت کمایشد درکار دولت تنقید کند نظر دیگری نبوده (دکتر الموتی - حتی با خلوص نیت بوده) بنده این را عرض کنم که وزرا و بهمین گفته شود که رادیوی بی بی سی (صادق احمدی - آقا اینقدر رادیوی بی بی سی را ول نکنید مملکت ما بهاندازه کافی قوی هست که به این مهملات ترتیب اثر ندهد) احتیاج نظر [illegible] قرار گیرد قطعاً بروی مصلحت است (صادق احمدی - اگر بروی مصلحت است تکرار بفرمائید ولی مملکت [illegible] رهبری اعلیحضرت همایون به اندازه کافی قوی هست (مهندسی - نظر اشخاص نامناسب برای ما [illegible] ندارد) از موقعیت استفاده میکنم چون آخرین [illegible] که دولت بعد از مدت ۷ هفته که راجع به این بودجه در مجلس صحبت شده در کمیسیونها مذاکره کرده و امیدوارم که این سال نو برای همه ایرانیان میمون باشد امیدوارم که این سال نو برای آن حدودی که این دولت خدمتگزار باشد مورد تأیید همه باشد امیدوارم آنچه که ضروری از ما بوده ما را بحشید سعی میکنیم سال دیگر و سالهای دیگر خدمتگزار این مهنی باشیم انشاءالله سعی میکنم از پشتیبانی اکثریت بهره مند باشم و از صلاح و انتقادات اقلیت الهام بگیرم بنده بانتظار از جناب آقای رئیس که با حوصله تمام بعضائی که گفته شد گوش دادند و با نهایت رأفت و اطلاع کامل ما را اداره کردند انشاءالله سال خوش و خرمی باشد و همینه موفقیت نصیب همه باشد که عنقریب رضامندی خاطر شاهنشاه آریامهر از بودجه فراهم باشد بلکه عموم مردم این مملکت از مذاکراتی باشند (احسنت)

رادید - اجازه میفرمائید چند کلمه ای عرض دارم.

رئیس - راجع بچه موضوعی است.

رادید - راجع بمادهٔ ۷۴ رهنمای ماده ای که آقای نخست وزیر صحبت کردند وهمان آئین نامه ای که شما باید اجرا فرمائید.

رئیس - آقای نخست وزیر هر وقت بخواهند میتوانند صحبت کنند.

رادید - پس اگر [illegible] بشنید که صحبت کنیم تمام فرمایشات آقای نخست وزیر [illegible] خلاصه میکنم تمام آنها صحیح [illegible] بعضی رسمی دولت بوده و بعضی [illegible] آنچه بوده است که دستگاهی [illegible] کرده اند

مهندس والا - [illegible] ماده ۷۴ شده اجازه میخواهم [illegible] صریحاً یا تلویحاً [illegible] دارد خود را بتنقید و اظهار [illegible] بنده مذاکور برای رد [illegible] همان جمله اجازه نطق بخواهد [illegible] اجازه داده میشود ناطق اولا باید [illegible] آئین نامه [illegible] که تصویب شده باید بعنوان اجازه تنقید [illegible] جمله رفع اشتباه بشود.

فرامرزی - عصائی نشوید عصبانیت برای شما خوب نیست.

حاذقی - جناب آقای نخست وزیر در پشت تریبون خیلی بشما احترام گذاشتند.

رئیس - آقای مهندس والا بفرمائید

مهندس والا - بنده تصور نمیکردم جناب آقای نخست وزیر فرمودند بیانات مستدل و منطقی وحق نوشته شده برای ایشان ایجاد سوء تفاهم بکند بنا این اندازه در ایشان مراحتی بوجود بیاورد جناب آقای نخست وزیر افتخاری که شما دارید این است که میگوئید من آماده شنیدن انتقاد هستم ولی متأسفانه من در اینجا دیدم که یعنی از فرمایشات جناب عالی درست عکس این مطلب رائیت میکرد بنده میفرمائید کجا این ارقام بدست آمد از جائی بدست آمده که خودتان در اختیار ملت ایران گذاشتید بفرمائید راجع بپاداش هیئت مدیره شرکت آب و برق خوزستان جمل رقم کردهام این بودجه شماره ۱۱۰ شمارهٔ ۵۲۰۰ که ۲۶۲۷۵ نوشته شده پاداش هیئت مدیره و کارکنان شرکت آب و برق خوزستان ۲۶۲۷۵ هزار ریال است درصورتیکه نوشته شده سود ویژه ۲۶۲۷۵ ریال این کجایش اشتباه است بمن فرمودید که اقلیها در اینجا خدمت کرده اند کجای این ارقام اجرای است؟ بنده از روی خود لایحه بودجه که تقدیم مجلس کردید درآوردم دقت کردم قرض بفرمائید ما میخواهیم قرض بگیریم یا بعنوان کمک بدستگاههای اجرائی اعتباری بگیریم این اعتبار قرض است وام است واضح است که ملت ایران باید بپردازد و واضح است که با بهره ۷/۵ ۷/۵ باید از خارج بگیریم ۲۶۸۰۰ میلیون ریال که نوشته اند بعنوان اعتبار خارجی این وام است که درآمد دولت آن وقت میگوئید من جمل رقم کردهام این ارقامی که شما میفرمائید جمل رقم کردم این ارقامی که عرض کردم از خود لایحه بودجه آن استفاده شده و اگر واقعاً اینطور است و من جملهٔ رقم کمبودهاند همین حالا من استعفا میدهم همین الآن حاضرم بروم کنار بوظیفه مجلس است وظیفه نماینده گان است و نماینده مجلس حق دارد در رقم دخل و خرج نظارت بکند (ارشید آقای مهندس والا بنده جسارت نمیکنم حضرتعالی عصائی نشوید ولی با استنتاج صورتجلسه مجلس بی اساس صحبت کردن رویه نماینده گان روان شده است) پیش بینی درآمد دولت و پیوراختهای آن در سال ۴۵ سهم سازمان برنامه عمران ۷۵ آنفت ۳۴ هزار میلیون ریال بعد استفاده از وامهای داخلی سعهزار میلیون که وجوه اسناد خزانه است ۶۰۰۰ میلیون ریال از بانک مرکزی از وامهای خارجی ۲۸۰۰ میلیون خوب فرمائید این عدد است این رقم است سکه از خودم در بیاوردم آن روزیکه تامیر سی در این مملکت در نظر بیگانه نمیرسیده بود آن روزیکه وطن پرستان آنرا در میکردند (رشوی - چنین چیزی نیست) (همهمه نماینده گان) ارشید آقای مهندس والا این حرفها را نفرمائید که پرونده بعضی ها باز میشود و خوشتان نمیآید آن روز بنده میآیم و اینها میاورم کردم وجان خودم و اینر مقابل اینجام وظیفه هیچ کرضی جناب آقای مهندس بنده نهایت ارادت را نسبت داریم وامیدوارم که دولت شما بتاریخ دولت حزبی توفیق پیدا کنند ما اسکاتیکه امروز در اختیار دولت شماست در تاریخ این مملکت بی سابقه بوده درآمد نفت شما دو برابر شده نسبت این مملکت بعمالهٔ زیر سایه شاهنشاه آریامهر هیچ وقت ما چنین امنیتی نداشتیم (صحیح است) مجلس سا بجای اینکه چوب لای چرخ دولت بگذارد درجهت رسیدن بهدفهای ملی کوشاست (صحیح است) همانطور که فرمودید در تمام امور اصولی ما دولت شما هستیم نمیشاهر دولتی که مورد اعتماد و عنایت اعلیحضرت همایونی باشد عازم جان دولت اورا تقویت میکنیم (صحیح است) چرا شما میآئید میگوئید باید بحث اصولی شود و بعد هم بحث اصولی را خدای نا کرده به جنبهٔ شخصی بر میگردانند ما در این مملکت علاقه داریم استخوان بدهد استخوان بدهد استخوان تمام قابل مورد این مملکت است من ارقامه به کشور دیگر بعنوان قاسه چاکر بر گردد بعد بخواهم خدمت را در دست بگیرم شما وارث دولتی هستید که آمد از پشت همین تریبون بعنوان اینکه کمبود مایه خصوصی دیگر بنده از دقت و شکر را آزاد گذاشت ۳۰۰ میلیون ضرر کرد

و آن وقت شما نگاه کنید درسال ۱۳۴۳ درآمد ملی ازفقط وشش سی میلیون ویژه درسال گذشته ۱۰۰ میلیون بحساب آورده درسال آینده میخواهید ۲۰۰ میلیون بحساب آورید آنوقت این مبلغ تکلیف را بعد چه پیدا میشود جبرانش چه کسی است .

دکتر معتمد وزیری ـ درآمد ملی قدمشکر چه معنی دارد ؟

مهندس والا ـ (صحبت) شما چه میگوئید آقای دکتر معتمد وزیری ؟ (همهمه نمایندگان) .

دکتر معتمد وزیری ـ سده میگویم ارقامی را که میدهید بی چوجه صحیح نیست .

رامبد ـ چرا صلاحیت بانک توسعه صنعتی را آقای مهندس والا نمیفرمائید (زنگ رئیس)

دکتر مهدیه ـ شما معنی درآمد ملی را نمیدانید . (زنگ رئیس)

رامبد ـ آقای مهندس والا صلاحیت اینها را بگوئید چون موضوع شکر وقتی بمیان می آید آقایان صحبانی میشوند (همهمه نمایندگان) .

مهندس والا ـ این عدد ورقم است وهمه تعطیر که گفتم هیچوقت این امکانات نبوده است (همهمه نمایندگان)

دکتر معتمد وزیری ـ شده هم همانطور که گفتم مطالبی که میگوئید و ارقامی که شما میدهید صحیح نیست شما حق ندارید توهین کنید به آنهائیکه خارج رفته اند (وبحالت تعجب از جای خود بلند شده بسمت تریبون آمدند) .

رئیس ـ آقای دکتر معتمد وزیری بفرمائید بنشینید .

دکتر سعید ـ آقای مهندس والا مسئله نکتید . (همهمه نمایندگان) .

رئیس ـ این وضع بهیچوجه صحیح نیست چند دقیقه تنفس اعلام میشود .

(درساعت یازده ودقیقه صبح جلسه عنوان تنفس تعطیل ودرساعت یازده ودقیقه صبح دقیقه مجدداً تشکیل گردید) .

۹ ـ طرح گزارش کمیسیون آب و برق راجع به طرز تقویم وتملک اراضی مورد نیاز سد فرحناز پهلوی .

رئیس ـ گزارش یک فوریتی راجع به طرز تقویم وتملک اراضی مورد نیاز سد فرحناز پهلوی مطرح است قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد)

گزارش از کمیسیون آب و برق بمجلس شورای ملی

کمیسیون آب وبرق در جلسه ۱۷ اسفندماه ۱۳۴۴ باحضور آقای مهندس روحانی وزیر آب وبرق لایحهٔ شمارهٔ ۴۸۰۴۸ ـ ۱۳۴۴/۱۱/۱۳ دولت راجع به طرز تقویم و تملک اراضی مورد نیاز سد فرحناز پهلوی (لتیان) را که فوریت آن درجلسه ۴۴/۱۱/۱۳ مجلس شورای ملی تصویب شده و بشمارهٔ ۴۷۸ چاپ گردیده است مورد رسیدگی قرارداد و با اصلاحاتی بشرح زیر تصویب نمود . اینک گزارش آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد .

قانون طرز تقویم وتملک اراضی مورد نیاز سد

فرحناز پهلوی (لتیان)

مادهٔ ۱ ـ تملک و تصرف اراضی وباغها و بیدستانها و قلمستانها ومستحدثات وهمچنین استفاده از حقوق ارتفاقی مورد نیاز برای ساختمان سد فرحناز پهلوی (لتیان) و تأسیسات مربوط وبهره برداری از آنها بعهده سازمان آب منطقه‌ای تهران وتصویب وزیران آب وبرق و کشاورزی ومدیرعامل سازمان برنامه صورت خواهد گرفت و بهای آنچه که بدترتیب فوق بتصرف سازمان آب منطقه‌ای تهران درآمده طبق مقررات این قانون پرداخت میگردد .

مادهٔ ۲ ـ تعیین درآمد و تشخیص خسارت ارزیابی بمنظور تقویم اراضی و باغها و زمینهای مشجر و کلیه مستحدثات بعهده هیئتی مرکب از وزیر آب و برق و وزیر کشاورزی و دادستان کل و مدیر عامل سازمان برنامه و مدیر کل ثبت یا نمایندگان آنان باتوجه بنظر کارشناس یا کارشناسانیکه بوسیله هیئت مزبور تعیین میشوند طبق مقررات و ضوابط مندرج دراین قانون بعمل می آید ونظر هیئت به اکثریت آراء قطعی است .

تبصره ـ هیئت مذکور درموقع ارزیابی خسارت هر ملک مورد ارزیابی علامه بدهد که بوسیله وی حق یا نماینده‌ی درجه هیئت حضور بهم رساند . هیئت پس از استماع اظهارات مالک یا نماینده او نظر خود را بطور قطع اعلام میدارد .

درصورت عدم حضور مالک یا نماینده او بدون عذر موجه هیئت میتواند تصمیم نهائی را اتخاذ نماید وتشخیص عذر موجه نیز بعهده هیئت مذکور میباشد .

مادهٔ ۳ ـ اگر املاکی مشمول مراحل اول و دوم قانون اصلاحات ارضی بوده ولی بطلی تا کنون قانون در مورد آنها اجرا نشده باشد سازمان اصلاحات ارضی بلافاصله اجرای قانون اصلاحات ارضی را در آن ملک خاتمه خواهد داد و سپس سازمان آب منطقه‌ای تهران طبق مقررات این قانون اقدام خواهد نمود .

مادهٔ ۴ ـ ارزیابی اراضی و باغهای میوه و قلمستان ها وزمینهای مشجر و دیمزار وبایر وکلیه مستحدثات با توجه به نکات زیر عمل خواهد آمد :

الف ـ در مورد اراضی مأخذ ارزیابی برای هر هکتار زمین زراعتی آبی با توجه به موقعیت ونوع زراعت ومدت آیش و فاصله آن با جاده‌های موجود قبل از تاریخ شروع طرحهای ساختمان سد وبدون درنظر گرفتن تأثیر عملیات عمرانی که بمنظور احداث سد در این منطقه صورت گرفته حداکثر تا ۱۵ برابر معدل درآمد خالص واقعی سالانه آن درسه سال اخیر خواهد بود .

ب ـ ملاک ارزیابی قلمستان و بیدستان و زمینهای مشجر مشروط به اینکه تاریخ احداث آنها قبل از ۳۷/۶/۲۸ باشد با توجه به نوع و تعداد و سن درختها تعیین میشود، مشروط به اینکه حداکثر بهای آن از یک ونیم برابر بهای پرعوائدترین زمین زراعتی مندرج در بند الف این ماده تجاوز نکند . اشجار موجود در قلمستان و بیدستان متعلق به مالکین خواهد بود ولی مالکین مکلفند ظرف دوماه از تاریخ اخطار سازمان آب منطقه‌ای تهران که بوسیله آگهی درمحل وجراید ورادیو به اطلاع آنها میرسد از زمین خلع ید کنند و درغیر اینصورت سازمان بدون هیچگونه تشریفات قانونی رأساً مجاز بقطع اشجار واستقلال زمین خواهد بود .

سازمان آب منطقه‌ای تهران مسئول نگهداری اشجار قطع شده نیست .

پ ـ ملاک ارزیابی باغهای میوه مشروط به اینکه تاریخ احداث آنها قبل از ۳۷/۶/۲۸ باشد با توجه بنوع و تعداد و سن درختها ومیزان محصول تعیین میشود مشروط به اینکه حداکثر بهای تعیین شده از سه برابر بهای مرغوبترین زمین زراعتی مندرج در بند الف این ماده تجاوز نکند . اشجار موجود در باغات میوه متعلق به مالکین بوده وتا موقعی که زمین مورد استفاده سد وتأسیسات آن قرار نگرفته میتوانند از آنها بهره برداری کنند ولی مالکین مکلفند ظرف دوماه از تاریخ اخطار سازمان آب منطقه‌ای تهران که بوسیله آگهی درمحل وجراید ورادیو به اطلاع آنها میرسد از زمین خلع ید کنند و درغیر اینصورت سازمان بدون هیچگونه تشریفات قانونی رأساً مجاز بقطع اشجار واستقلال زمین خواهد بود .

سازمان آب منطقه‌ای تهران مسئول نگهداری اشجار قطع شده نیست .

ت ـ مأخذ ارزیابی اراضی دیمزار برای هر هکتار حداکثر ده هزار ریال واراضی بایر هر هکتار یکصد ریال خواهد بود .

ث ـ ارزیابی عرصه و اعیانی ساختمانها و انبار و اصطبل ونظایر آن با توجه بمصالح وموقعیت محل بدون درنظر گرفتن تأثیر عملیات عمرانی سد به نرخ عادلانه خواهد بود .

ولی بهای اعیانی ساختمانهای غیر روستائی بشرطی پرداخت میشود که تاریخ احداث آن قبل از ۳۷/۶/۲۸ باشد .

مادهٔ ۵ ـ نحوه پرداخت بهای اراضی زراعی وباغهای میوه وقلمستانها وبیدستانها وزمینهای مشجر ودیمزار وبایر ومستحدثات بشرح زیر خواهد بود :

الف ـ چنانچه مستحق به شخصی بنده امور اثر اجرای هر اجل اول وبوده قانون اصلاحات ارضی مالک شده باشد با توجه به تبصره مادهٔ ۱۹ قانون اصلاحات

ارضی به اطلاع آنها میرسد از زمین خلع ید میکنند و درغیر اینصورت سازمان بدون هیچگونه تشریفات قانونی مبادرت بقطع اشجار خواهد نمود .

سازمان آب منطقه‌ای تهران مسئول نگهداری اشجار قطع شده نیست .

پ ـ ملاک ارزیابی باغهای میوه مشروط به اینکه تاریخ احداث آنها قبل از ۳۷/۶/۲۸ باشد با توجه بنوع و تعداد و سن درختها ومیزان محصول تعیین میشود مشروط به اینکه حداکثر بهای تعیین شده از سه برابر بهای مرغوبترین زمین زراعتی مندرج در بند الف این ماده تجاوز نکند .

اشجار موجود در باغات میوه متعلق به مالکین بوده وتا موقعی که زمین مورد استفاده سد وتأسیسات آن قرار نگرفته میتوانند از آنها بهره برداری کنند ولی مالکین مکلفند ظرف دوماه از تاریخ اخطار سازمان آب منطقه‌ای تهران که بوسیله آگهی درمحل وجراید ورادیو به اطلاع آنها میرسد از زمین خلع ید کنند و درغیر اینصورت سازمان بدون هیچگونه تشریفات قانونی رأساً مجاز بقطع اشجار واستقلال زمین خواهد بود .

سازمان آب منطقه‌ای تهران مسئول نگهداری اشجار قطع شده نیست .

ت ـ مأخذ ارزیابی اراضی دیمزار برای هر هکتار حداکثر ده هزار ریال واراضی بایر هر هکتار یکصد ریال خواهد بود .

ث ـ ارزیابی عرصه و اعیانی ساختمانها و انبار و اصطبل ونظایر آن با توجه بمصالح وموقعیت محل بدون درنظر گرفتن تأثیر عملیات عمرانی سد به نرخ عادلانه خواهد بود .

ولی بهای اعیانی ساختمانهای غیر روستائی بشرطی پرداخت میشود که تاریخ احداث آن قبل از ۳۷/۶/۲۸ باشد .

مادهٔ ۵ ـ نحوه پرداخت بهای اراضی زراعی وباغهای میوه وقلمستانها وبیدستانها وزمینهای مشجر ودیمزار وبایر ومستحدثات بشرح زیر خواهد بود :

الف ـ چنانچه مستحق به شخصی بنده امور اثر اجرای هر اجل اول وبوده قانون اصلاحات ارضی مالک شده باشد با توجه به تبصره مادهٔ ۱۹ قانون اصلاحات

رسمی بیش از کسر مدعی زارع بابت بهای ملک مزارع بهره مالکانه پرداخت میشود.

ب ـ ملاکی که از حق زارعین میباشد هیئت ارزیابی حق المعمر و حقوق زارعین را تعیین خواهد نمود و زارعین دقیق پرداخت گردد.

پ ـ حقوق زارعین اعم از حق ریشه ـ های شخم و کشت و ورزش و حقیکه زارع برای آباد کردن زمین مورد نیاز متحمل شده است برآورده و بزارعین پرداخت و ارزهای تعیین شده جهت مالکین کسر میشود.

ت ـ در مورد باغهای میوه و قلمستانها و بیدستانهائی که بعد از خرداد ۲۸/۱۳۳۷ احداث شده‌اند ارزیابی بر اساس اراضی مشابه زراعتی بترتیب مقرر در این قانون صورت خواهد گرفت.

ولی حقوق زارعین طبق بند ب این ماده محاسبه و اضافه بر بهای فوق بزارعین مربوطه پرداخت خواهد شد.

ث ـ در صورتیکه اعیانی باغهای میوه و قلمستانها و بیدستانها و اراضی متصرر متعلق بزارع باشد و یا مالک و زارع طبق قراردادهای خاصی در اعیانی شریک و سهیم باشند ارزش اعیانی بر اساس مقررات این قانون بزارع و یا مالک و زارع بمیزان سهم هر یک پرداخت خواهد شد.

ج ـ بهای کلیه ساختمانهای روستائی که طبق مادهٔ ۳۱ قانون اصلاحات ارضی بزارعین تعلق گرفته است به آنها پرداخت خواهد شد.

مادهٔ ۶ ـ چنانچه مساحت کل زمین زراعتی باغ میوه، قلمستان، بیدستان و سایر متصرر متعلق بیک مالک در تاریخ تقویم بیش از لایحه از پنج هکتار بیشتر باشد آنچه مازاد بر تقسیم قهری از طریق ارث است مانند زمین بهای ملک تحت بند ۱ پنج هکتار بقرار زیر خواهد بود:

مازاد بر پنج هکتار تا ده هکتار هفتاد و پنج درصد نرخ ارزیابی و از ده هکتار ببالا نسبت به مازاد شصت درصد نرخ ارزیابی مقرر در این قانون میباشد انتخاب پنج هکتار و ده هکتار اولیه از بین ارزشترین اراضی مالک بعمل خواهد آمد.

ماده ۷ ـ در صورتیکه مالک یا مالکین از انجام معامله و امضای اسناد انتقال خودداری نمایند دادستان شهرستان شهر ثبت ملک اسناد تهیه و بنام مالک یا مالکین اسناد انتقال قطعی و وجه قرار موظف اعطاء نموده و ثمن معامله در صندوق ثبت ملک به مالکین سپرده شود.

ماده ۸ ـ پرداخت بهای اراضی و املاک مالک یا مالکینی که قبلا از طرف سازمان آب تهران تملک و عملاً تصرف شده ولی هنوز سند انتقال قطعی تنظیم نگردیده است مشمول مقررات این قانون خواهد بود و چنانچه وجوه مالکین مذکور طبق علی الحساب دریافت داشته‌اند از مازاد ارزیابی که بر اساس این قانون بعمل میآید بیشتر باشد مابه‌التفاوت قابل استرداد نخواهد بود.

ماده ۹ ـ از تاریخ تصویب این قانون سایر قوانین و مقرراتیکه مغایر این قانون باشد ملغی است.

ماده ۱۰ ـ دولت مأمور اجرای این قانون است.

مخبر کمیسیون آب و برق ـ کرانی

گزارش از کمیسیون کشاورزی

بمجلس شورای ملی

کمیسیون کشاورزی در جلسه ۱۷ اسفندماه ۱۳۴۵ با حضور آقای مهندس ظهیری معاون وزارت آب و برق لایحه دولت راجع به طرز تقویم و تملک اراضی مورد نیاز سد فرحناز پهلوی (لتیان) را که فوریت آن در جلسه ۴۲/۱۱/۱۳ مجلس شورای ملی تصویب گردیده بود مورد رسیدگی قرارداد و گزارش کمیسیون آب و برق را در این مورد تأیید و تصویب نمود. اینک گزارش آنرا به مجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

مخبر کمیسیون کشاورزی ـ مهندس عباس اخوان

گزارش از کمیسیون دارائی

بمجلس شورای ملی

کمیسیون دارائی در جلسه ۱۷ اسفند ماه ۱۳۴۵، حضور آقای مهندس ظهیری معاون وزارت آب و برق لایحه دولت راجع بطرز تقویم و تملک اراضی مورد نیاز سد فرحناز پهلوی (لتیان) را که فوریت آن در جلسه ۴۲/۱۱/۱۳ مجلس شورای ملی تصویب گردیده بود مورد رسیدگی قرار داد و گزارش کمیسیون آب و برق را در این مورد تأیید و تصویب نمود. اینک گزارش آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

مخبر کمیسیون دارائی ـ عزت‌الله رازی

گزارش از کمیسیون دادگستری بمجلس

شورای ملی

کمیسیون دادگستری باحضور آقای مهندس روحانی وزیر آب و برق لایحهٔ دولت راجع بطرز تقویم و تملک اراضی مورد نیاز سد فرحناز پهلوی (لتیان) را که فوریت آن در جلسه ۴۲/۱۱/۱۳ مجلس شورای ملی تصویب گردیده بود مورد رسیدگی قرارداد و گزارش کمیسیون آب و برق را در این مورد تأیید و تصویب نمود. اینک گزارش آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

رئیس رئیس کمیسیون دادگستری ـ هاجر تربیت

رئیس ـ کلیات این لایحه مطرح است آقای دکتر معین تشریف بیاورید.

دکتر معین ـ بنده میخواستم بطور مختصر ذهن نمایندگان محترم را بدوش بکشم راجع به اینکه ببینیم بعضی قسمتهای این لایحه با قوانین اساسی و مصوبات ملی مغایرت دارد یا نیست. در مادهٔ ۳ گفته شده است که «اگر املاک مشمول مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی بوده ولی بعضی از کشتهای قبلی در مورد آنها اجرا نشده باشد سازمان اصلاحات ارضی بلافاصله اجرای قانون اصلاحات ارضی را در آن ملک خاتمه خواهد داد» اینجا مقصود این است که خاتمه خواهد داد یعنی کارش را متوقف میکند یعنی میگفت که کار را در آنجا تمام نکند. اگر قرار است که آن کار را تمام کنند باید بنویسند کار را تسریع خواهد خواهد کرد بطوریکه اجرای قانون اصلاحات ارضی در آنجا تمام شده تلقی بشود ولی اگر منظور این است که کار متوقف شود مضیق این است که قانون اصلاحات ارضی در آنجا عمل نشود، مطلب دیگر راجع به نوع ارزیابی است. ارزیابی طبق قانون اصلاحات ارضی که بتصویب ملی رسیده نوع بخصوصی است شما وقتی که نوع جدیدی ارزیابی برای اراضی مرقوم گردید، مالیشبیه قسمتی از اراضی مغایر با قانون اصلاحات ارضی است (مهندس جلالی ـ چه ارزیابی، یک فرض دارد که طبق آن عمل میکند). اگر منظور از مادهٔ ۳ این است که کار اصلاحات ارضی در آنجا تمام شود پس ارزیابی جدیدی مورد پیدا نمیکند. شما طبق قانون اصلاحات ارضی ارزیابی را را میکنید و حساباتتان را میپردازید و کارتان را تمام میکنید، ارزیابی این است که در آنجا کار اصلاحات ارضی تمام شود یا متوقف بشود، نوع جدید بنظر بنده مغایر است با قانون اصلاحات ارضی مطلب دیگر مادهٔ ۹ است در مادهٔ ۹ شما گفتید «از تاریخ تصویب این قانون سایر قوانین و مقرراتی که مغایر این قانون باشد ملغی است» یکی از آن قوانین هم قانون اصلاحات ارضی است (خواجه نوری ـ مغایر با قانون اصلاحات ارضی نیست) عرض کردم شما نشریف نداشتید نوع ارزیابی جدید مغایر با ارزیابی قانون اصلاحات ارضی است (خواجه‌نوری ـ این اراضی مشمول اصلاحات ارضی نیست) (مهندس جلالی ـ ارزیابی نداریم یک ضریب ضرب در مالیات میشود قیمت) (دکتر اسفندیاری ـ در مورد ـ سرسدها کماشته شده چنین چیزی نخواستند این یکی چطور شده؟) مطلب دیگر مادهٔ ۶ است شما یک نوع ارزیابی معین کردید برخلاف ارزیابی قانون اصلاحات ارضی و میخواهید آنرا اعمال کنید. خیلی خوب همین را چرا در مادهٔ ۶ عوض میکنید، در مادهٔ ۶ گفتید مازاد بر پنج هکتار یک نوع دیگر ارزیابی شود، مازاد بر پنج هکتار تا ده هکتار ۷۵٪ از نرخ ارزیابی قبلی و نسبت به کشتر از پنج هکتار با در نظر گرفتن بالاترین قیمت، یعنی چه؟ یعنی آن کسی که زمین کم دارد قیمتش را بگیرد ولی کسی که زمین زیاد دارد، در قسمتهای آباد قیمت‌های صحیح‌تر بگیرد و در قسمت‌های زاید بی‌بند ۷۵ قیمت [illegible] بگیرد (خواجه‌نوری ـ اینطور نیست) بنده [illegible] میفرمید که این معنی را دارد، بنده

خواسته همکاران محترم توجه داشته باشند که ما بهیچوجه ممانعتی نمیکنیم از خلاق قانون اصلاحات ارضی نوع جدید ارزیابی معین کنیم، نمیگوئیم طبق این قانون مصوب سنا قانون اصلاحات ارضی صفر است یا نمیگوئیم که در قسمتی از پس اراضی که در زیر آب قرار خواهد گرفت قانون اصلاحات ارضی اجرا نشود.

رئیس ـ آقای مهندس آراسته بفرمائید.

مهندس آراسته ـ بنده توضیحاتی را به استحضار همکاران میرسانم. مطلب بسیار روشن و ساده است در مورد ماده ۴ اگر نظر این بود که اجرای قانون اصلاحات ارضی در موقعی که این املاک را سازمان آب میخواهد تصرف بکند نشود که متوقف میگذاشتیم « عملیات اصلاحات ارضی متوقف میشود » متوقف یعنی در هر کجاهست و در هر مرحله‌ای است میرسیم، نوشته شده است که خاتمه پیدا میکند، چه خاتمه پیدا میکند، اجرای قانون اصلاحات ارضی یعنی قانون اصلاحات ارضی چه در مرحله اول و چه در مرحله دوم اگر شروع شده باشد خاتمه پیدا کرده باشد، اصلاحات ارضی کارش را خاتمه بدهد که از لحاظ سازمان آب منطقه‌ای تهران روشن بشود ملک کیست در مرحله دوم معلوم نیست، مالک چه رویه‌ای را انتخاب میکند، ملک را بهاجاره میدهد، تقسیم میکند، میفروشد یکی از شقوق سه گانه را باید انتخاب کند، وقتی که انتخاب کرد و گفت که آقا من ملک را براساس سهم زراعی تقسیم میکنم سازمان آب میداند که این صد هکتار متعلق بهمالک است و این ۲۰۰ هکتار متعلق به زارع برای صدهکتار بایشان معامله میکند و برای دویست هکتار بایشان. منظور از خاتمه متوقف کردن نیست. خاتمه دادن و اجرای قانون اصلاحات ارضی است، در مورد مادهٔ ۴ که در مورد ارزیابی که فرمودند ارزیابی جدیدی عنوان شده است بهاستحضار میرسانم که در قانون اصلاحات ارضی ارزیابی نداریم، ارزیابی عبارتست از مالیات ضرب در ضریب منطقه‌ای و این اسمش ارزیابی نیست، بموجب مادهٔ ۱۰ قیمت ملک را بهاین ترتیب معلوم میکند، ارزیابی مطلقاً نمیشود ولی آنچه در اینجا گفته شده است ارزیابی نبود از لحاظ رعایت حقوق مکتسبه زارعین یا مالکین است که احداً مقدار اجرای قانون، راضی را به حقوق خواهند داشت گفته شده است این ملک را بقیمت اصلاحات ارضی از آنها میگیریم گفته شده است که این در ارزیابی میگنیم یعنی ممکن است که اگر این ملک را طریق اصلاحات ارضی تقسیم میکردیم صدهزار تومان میشد ولی در مرحله اجرای این قانون برای تصرف اراضی زمینی را ارزیابی میکنیم یکری بمالیات وضریب نداریم، یك هیئتی میرود بطور عادلانه‌ای ارزیابی میکند و هرچه قیمتش بود میپردازد و اینرا بایدعرض کنم که اتفاقاً موردیست که ارزیابی مورد پیدا میکند، چون اگر ارزیابی نمیکردیم شاید این ایراد پیدا وارد بود که آقا ملکی را که در مرحله دوم قانون اصلاحات ارضی به این اشخاص داده شده شما چرا قیمت گذاری میکنید، قانون اصلاحات ارضی فقط در مورد قیمت گذاری ملك مشمول مرحله اول است نه مرحله دوم ملك مشمول مرحله دوم قیمت گذاریش جود دیگر است اینهم حسابهای دیگری دارد در مورد مادهٔ ۹ جناب آقای دکتر فرمودند که اینجا تقسیم سایر قوانین مغایر با این قانون ملغی است منظور ما این بود که قوانین مغایر با این لایحه تقدیمی یعنی مادر اینجا گفتیم اراضی سلطانیان را بهاین کیفیت میخریم بدلیل اینکه مواد ۳ و ۴ و ۵ آن تطبیق داده شده با اصول قانون اصلاحات ارضی اگر تطبیق نمیدادند غلط بود اینها کاملا تطبیق داده شده اگر تطبیق داده نمیشد واین قوانین اجرا نمیشد ضرر دولت بود در مورد دیگر فرمودند که چرا قیمت گذاری اراضی در مادهٔ ۵ طور دیگری شده است این ۷۵ درصدی که در اینجا ذکر شده منظور این نیست که ۷۵٪ قیمت زمین آبی و مرغوب اگر توجهی بوضع زمینها نفرمائید اراضی عادی و مرغوب از پنج هکتار بسرای یك زارع امکان نقلی ندارد که تجاوز کند یك هکتار است دو هکتار و سه هکتار است که برای او میماند یك مقدار اراضی دایر که در محدوده است این اراضی از سر کوه میگیرد تا آبریز رودخانه باید این اراضی سنگلاخ بالای کوه که نه تصرفی درش هست تمام اراضی درش هست بحکم احترام بهسند مالکیتی که در دست مالك است باید پولش را بدهد داد ولی پول سنگلاخ باید داد نه پول زمین دایر ا دکتر جعفری ـ شئن صحیح بوده برای اینکه طبق قانون بایستی از کسی ثبت بیذیرند که در تصرفش باشد) اگر ثبت هم در دست نیست بحکم قانون بمنسند مالکیت در دست مالك هست کهلازم است رعایت شود و بهاین مالك چیزی بابت این سنگلاخ که بحق یا بناحق بهثبت نرسانیده داده بشود در اینجا گفته شده است کهیك بیست و پنج درصدی اگر از ده هکتار بیشتر بود پول کمی کنیم یعنی اگر از ائه بدهد صدهکتار سنگلاخ و کوه را مانیتج هکتار قیمت آبی بهاو میدهیم ۹۵ هکتار بقیمت اهلو میگوئیم ۶۵ درصد از آن قیمت بابراز تو کم میکنیم، کمتر داشت کمتر کم میکردیم چون مالك بیش از این سنگلاخ هستند همینطور که جناب آقای دکتر میفرمایند سندش را هم بناحق گرفته ماجریمه نمیکنیم پولش را میدهیم منتهی یك قدری کمتر میدهیم بندعرض دیگری ندارم.

رئیس ـ نظر دیگری در کلیات لایحه نیست آقای دکتر اسفندیاری فرمایشی دارید؟ بفرمائید.

دکتر اسفندیاری ـ البته آقایان نماینده گان فرمایشاتی فرمودند که سندمالکیت روی کوهها دادهشده برای آن قیمتی تعیین کردند و برای آن گفتند که دولت باید پولی پرداخت کند (خواجه نوری ـ کوهها نیست) بنده کار بهاینکه بهچهصورت هست و بهچهصورت باید پولی پرداخت بشود و بهاین جمله هائیکه گفته شد ندارم. فقط استدعایم این است که برای خرید اراضی که بعد از ایجاد سد باید بعدولت تعلق بگیرد وزیر آب برود وحتی اراضی که در اطراف آنها قرار گرفته دولت طبق یك مقررات خاصی اعمالی انجام بدهد خواستم استدعا کنم از معاون محترم وزارت آب و برق یا معاون محترم وزارت کشاورزی که تشریف بیاورند اینجا شأن نزول اینکه این قانون یا این خصوصیات آمده برای ما تشریح کنند تا بتوانیم بعد بهآن رأی بدهیم.

رئیس ـ آقای مهندس ظهیری بفرمائید.

مهندس ظهیری (معاون وزارت آب و برق) ـ ما کسب اجازه از مقام ریاست مجلس و نمایندگان محترم بنده در پاسخ فرمایشات جناب آقای دکتر اسفندیاری بیاید بعرضشان برسانم که شأن نزول این قانون این است که اکثر آقایان طرح سدهائی را که فعلا مجری این طرح سازمان آب منطقه‌ای تهران است ملاحظه فرمودند برای این تأسیسات مقداری زمین مورد احتیاج بود که طبق قوانین موضوعه دردست سازمان آب منطقه‌ای میبایستی این اراضی خریداری شود چون این قوانینی که در اختیار سازمان آب تهران بود ناظر به قانون توسعه معابر بود و چون این اراضی هم در خارج از شهر واقع شده اگر قرار بود براین اساس این اراضی خریداری شود تا گزیر میبایستی مبالغ گزافی به صاحبان این اراضی پرداخت بشود روی این منظور دولت لایحه‌ای تهیه کرد (دکتر اسفندیاری ـ اگر نظر کارشناس انجام میشود شما اجلال ندارید قانون بگذارید) آنچه که در این قانون هست ضوابطی است که کارشناسان بدانند چگونه این اراضی را تقویم بکنند چون اراضی است که مورد ۳۳ کیلومتری شهر است، اراضی زراعی را نمیشود اطلاق کرد از طرف دیگر مالکین آنجا طمع کرده بودند و قصد داشتند پول گزافی از دولت بگیرند. برای این منظور بود که این قانون تهیه شد و تقدیم شد.

رئیس ـ آقای رامبد بفرمائید.

رامبد ـ غیر از سدلتیان سدهای متعدد دیگری هم در کشور داریم (صحیح است) طبعاً جداز بستن سد و بالا آمدن آب یك مقداری اراضی زیر آب قرار میگیرد همچنین برای استفاده از این آب تأسیساتی در کنار این سد لازم است بوجود بیاید که اینها هم مقداری اراضی دارند و این مطلب فصل مشترك تمام سد هائیست که در ایران و در تمام دنیا میسازند جناب آقای معاون وزارت آب و برق این نکته را فرمودند که فرق سدلتیان در مورد این اراضی مورد نیاز با تمام سدهای دیگری که اشاره شد و در این مملکت هست و متصرفین آن اراضی اهالی این مملکت هستند و تبعه این مملکت هستند و دارای همان حقوق متساوی هستند چه فرقی دارد فقط فرق اینجا و

سه‌ی دیگر را بفرمائید تا وارد بحث شویم .

رئیس - آقای مهندس ظهیری بفرمائید .

مهندس ظهیری (معاون وزارت آبیاری) - سه جزء مشکله که تبعیت در مقدار سهمان خاص سفلی و روان جناب آقای رحیمیان بیان کنم و این آنچه که فرمودند بنا بر این بود بر اساس که ولا سه کرج قانون خاص داشت بر اساس آن قانون خاص اراضی سه کرج خریداری شد و بعد سه لایحه‌ای هم اصولا ملاحظه فرمودند سه لایحه بعنوان تصویب قانون الف و تزیم ارباب و رعیتی ساخته میشود ولی سه‌هائی که قبلا ساخته شد بر اساس مادهٔ ۳۳ قانون برنامه عمرانی سوم و مادهٔ ۹۶ از قانون برنامه عمرانی دوم اراضی آنها خریداری شد اگر بر آن اساس بخواهیم بخریم عرض کرده بعد از آن در این مملکت یک تحولی پیدا شد بنابراین قیمت های زمین خیلی پائین آمد این بود که نمیتوانستیم الان بهمان طریق انجام بدهیم قانون اصلاحات ارضی را هم اگر ما بخواهیم ملاک عمل بگیریم همانطور که آقای مهندس آراسته فرمودند در مورد اراضی زراعی ضوابطی ندارد حداکثر آنچه که تقدیم مجلس کردیم واستدعای تصویب آنرا در مجلس شورای ملی داریم تعیین ضوابطی است برای خرید این اراضی .

رئیس - نظر دیگری در کلیات این لایحه نیست؟ (اظهاری نشد) به ورود در شور مواد رأی میگیریم خانمها و آقایانی که موافقند خواهش میکنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد مادهٔ اول قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد)

مادهٔ ۱ - تملک و تصرف اراضی و باغها و بیشه‌ها و فلسها و مستحدثات و همچنین استفاده از حقوق ارتفاقی مورد نیاز برای ساختمان سد فرحناز پهلوی (لتیان) و تأسیسات مربوط و بهره‌برداری از آنها به شهبانو سازمان آب منطقه‌ای تهران و تصویب وزیر ایران آب و برق و کشاورزی و مدیر عامل سازمان برنامه صورت خواهد گرفت و بهای آنچه که بترتیب فوق تصرف سازمان آب منطقه‌ای تهران در آمده طبق مقررات این قانون پرداخت میگردد .

رئیس - نسبت به مادهٔ اول نظری نیست؟ آقای دکتر مبین بفرمائید .

دکتر مبین - سه مفهوم در این بود که توضیح مختصری داده شود راجع به اضافه شدن کلمه تملک در مادهٔ یک چون در اصل لایحه تقدیمی دولت کلمه تملک وجود نداشت میشود گفت با تصویب چند نفر بروند یک مقدار اراضی را تصرف بکنند اما تملک یک تشریفاتی دارد و بموجب تصویب چند نفر تملک نمیتواند اجرا شود این را می‌خواستم توضیح بدهند به چه مناسبت در کمیسیون کلمه تملک اضافه شد .

رئیس - آقای مهندس ظهیری بفرمائید .

مهندس ظهیری (معاون وزارت آبیاری) - سه توجه جناب آقای دکتر مبین را بهتر قانون جلب میکنم و آن این است که قانون طرز تقویم و تملک اراضی مورد نیاز سد فرحناز پهلوی و منظور از ذکر تملک بنحوه تملک است دقت فرمودند آقای دکتر مبین خود ماده را هم اگر دقیقاً ملاحظه بفرمایند این موضوع روشن میشود نحوه و طرز تملک کما اینکه در بالا و تیتر قانون این موضوع ذکر شده است .

دکتر مبین - این تیتری که جنابعالی میفرمائید در لایحه تقدیمی دولت نیست در لایحه تقدیمی دولت گفته شده است قانون اراضی سدهای لار بنابراین در کمیسیون اگر تملک اضافه شده نمیدانم این جواب بنده نبود .

بلدالمحلیان - دو بار در کمیسیون برای ایشان تشریح شد .

رئیس - به ماده اول رأی میگیریم خانمها و آقایانی که موافقند خواهش میکنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد مادهٔ دوم قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد)

مادهٔ ۲ - تعیین درآمد و تشخیص ضرائب ارزیابی بمنظور تقویم اراضی و باغها و زمینهای متجر و کلیه

مستحدثات بوسیله هیئتی مرکب از وزیر آب و برق و وزیر کشاورزی و استان کرج و مدیر عامل سازمان برنامه و مدیر کل ثبت به پیشنهاد آن و توجه نظر کارشناس یا کارشناسانی که بوسیله هیئت مزبور تعیین میشود طبق مقررات موضوعه مندرج در این قانون عمل میآید و نظر هیئت به کثریت آراء قطعی است .

تبصره - هیئت مذکور در صورتی که مورد تملک هر ملک مورد ارزیابی اعلام نماید که در مدت معینی خود به نماینده‌ای در جلسه هیئت حضور بهم رساند و هیئت پس از استماع اظهارات مالک یا نماینده او نظر خود را بطور قطع اعلام میدارد .

در صورت عدم حضور مالک یا نماینده او بدون عذر موجه هیئت میتواند تصمیم نهائی را اتخاذ نماید و تشخیص عذر موجه نیز بعهده هیئت مذکور میباشد .

رئیس - نسبت به مادهٔ دوم نظری نیست؟ (اظهاری نشد) به ماده سوم رأی میگیریم خانمها و آقایانیکه موافقند خواهش میکنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده سوم قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد)

مادهٔ ۳ - اگر املاکی مشمول مواد اول و دوم قانون اصلاحات ارضی بوده ولی بطور تاکنون قانون در مورد آنها اجرا نشده باشد سازمان اصلاحات ارضی بلافاصله جزء قانون اصلاحات ارضی و از آن ملک خاتمه خواهد داد و بهمین سازمان آب منطقه‌ای تهران طبق مقررات این قانون اقدام خواهد نمود .

رئیس - آقای دکتر مبین بفرمائید .

دکتر مبین - نقص واژه آقای مهندس وزارتخانه این تعریفی را که آقای مهندس آراسته کرده بفرمائید در صورت جلسه نوشته شود که کار اصلاحات ارضی در آنجا تا آخر عمل شود و متوقف نشود .

رئیس - آقای مهندس ظهیری بفرمائید .

مهندس ظهیری (معاون وزارت آب و برق) - منظور این است که در اینجا که اصلاحات ارضی در آنجا تعریفی شود به اینکه متوقف نشود .

رئیس - نظر دیگری نسبت به مادهٔ دوم نیست؟ (اظهاری نشد) رأی میگیریم به ماده سوم خانمها و آقایانیکه موافقند خواهش میکنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد . ماده چهارم قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

مادهٔ ۴ - ارزیابی اراضی و مرغوبی میوه و قطعات و زمینهای متجر و درهم آرزوبر و کلیه مستحدثات . توجه سکنات زیر عمل خواهد آمد :

الف - درمورد اراضی و حق ارزیابی برای هر ملک زمین زراعتی آبی با توجه بموقعیت و نوع زراعت و مدت آبش و فاصله آن با حدود های موجود قبل از تاریخ شروع طرحهای ساختمان سد و بسدون در نظر گرفتن تأثیر عملیات عمرانی که بمنظور احداث سد در این منطقه صورت گرفته حداکثر تا ۱۵ برابر معدل درآمد خالص واقعی سالانه آن در سه سال اخیر خواهد بود .

ب - ملاک ارزیابی قلستان و بیدستان و زمینهای متجر مشروط بر اینکه تاریخ احداث آنها قبل از ۳۷/۶/۲۸ باشد با توجه بنوع و تعداد و سن درختها تعیین میشود . مشروط به اینکه حداکثر بهای آن از یکمیلیون برابر بهای مرغوبترین زمین زراعتی مندرج در بند الف این ماده تجاوز نکند . اشجار موجود در قلستان و بیدستان متعلق به مالکین خواهد بود ولی مالکین مکلفند ظرف دو ماه از تاریخ اخطار سازمان کتبا به آگهی در محل و حراج اوراق به اطلاع آب میرسد از زمین خلع ید بکنند در غیر این صورت سازمان بدون هیچگونه تشریفات قانونی مبادرت بقطع اشجار خواهد نمود .

سازمان آب منطقه‌ای تهران مسئول نگهداری اشجار قطع شده نیست .

پ - ملاک ارزیابی بهای میوه مشروط به اینکه تاریخ احداث آنها قبل از ۳۷/۲/۲۸ باشد با توجه بنوع تعداد و سن درختها و میزان محصول تعیین میشود مشروط به اینکه حداکثر بهای تعیین شده از سه برابر بهای مرغوبترین زمین زراعتی مندرج در بند الف این ماده تجاوز نکند . اشجار موجود و درخت میوه متعلق به مالکین بوده و تا موقعی که زمین مورد استفاده سد و تأسیسات آن قرار نگرفته میتوانند از آنها بهره‌برداری کنند ولی مالکین مکلفند ظرف دو ماه از تاریخ اخطار سازمان آب منطقه‌ای

تهران که بوسیلهٔ آگهی در محل و حوالهٔ رادیو به اطلاع آگهی میرساند زمین خریده نکنند و درغیر اینصورت زمان بدون هیچگونه تغییر بدست خواهد آمد. آنها محل قطعه اشجار و استفاده از زمین خواهند بود.

سازمان آن منطقه‌ای تهران مسئول نگهداری اشجار قطعه شده نیست.

ت. مأخذ ارزیابی اراضی دیمزار برای هرهکتار حداکثر ده هزار ریال و اراضی دایر هرهکتار یکصد ریال خواهد بود.

ث. ارزیابی عرصه و اعیانی ساختمانها و انبار و اصطبل و نظایر آن با توجه به مصالح و موقعیت محل بدون درنظر گرفتن تأثیر عملیات عمرانی سد شرح عادلانه خواهد بود.

ولی بهای اعیانی ـ خانه‌های غیرروستائی مشروطی پرداخت میشود که تاریخ احداث آن قبل از ۳۷/۶/۲۸ باشد.

رئیس ـ آقای آموزگار بفرمائید.

آموزگار ـ بنده راجع بمادهٔ ٤ دو بند ت عرض دارم که لازم آمد بامختصار همکاران محترم بپیرامون دولت درلایحه‌ای که بمجلس داده بود قیمت زمینهای دیمی این منطقه را از ۱۵۰ تومان تا ۲۵۰ تومان پیشنهاد کرده بود یعنی پیشنهاد دولت این است که هرهکتار از ۱۵۰ـ۲۵۰ تومان ارزیابی بشود و بخرد امادر پیشنهاد دولت این زمینهای دیمی هرهکتار ۱۰۰۰ تومان نوشته شده و غیر دیمی ۱۰ تومان ۱۰ تومان همان ده تومانی بود که برای زمینهای دایر نوشته بودند آقایان میدانند که تبدیل اراضی دایر بدیمی خیلی آسانست یعنی با انداختن یك تراکتور و تخم پاشیدن میشود اراضی دیم کار و با این ترتیب این ده تومان به ۱۰۰۰ تومان تبدیل میشود بدین ترتیب بسیار آسان است یك دفعه می‌بینید که خیلی تفاوت خواهد کرد بنده در پرونده مربوطه که در کمیسیون دادگستری مطرح بود رسیدگی کردم پیشنهادی هم از هیچیك آقایان نمیدیم که ۱۵۰ یا ۲۵۰ تومان بشود ۱۰۰۰ تومان شاید رقم زیادی باشد به این جهت بنده معتقدم که این هزار تومان خیلی زیاد است و بهمچه جهت این رقم نوشته شده این ده هزار و ریال بهمچه نحو

مابین صورت درآمده یك چیزی که دولت حداکثر گفته ۳۵۰ تومان و پیشنهادی هم نبوده یکدفعه شده ۱۰۰۰ تومان ده هزار ریال و حال آنکه غیر دیمی ۱۰ تومان است باین جهت خواهش میکنم مخبر کمیسیون یا نماینده دولت در این باب توضیحی بدهند و اگر ممکن است که همان پیشنهاد دولت و همان لایحه دولت را تصویب کنیم بهتر خواهد بود.

دکتر اسفندیاری ـ لابد نظر خاصی بوده اگر نظر خاصی نباشد که فرق نمیکند.

معتمدی ـ کاملا صحیح است.

رئیس ـ آقای مهندس ظهیری بفرمائید.

مهندس ظهیری (معاون وزارت آب و برق) ـ همانطور که جناب آقای آموزگار فرمودند در لایحه‌ای که در سال ٤٢ دولت به مجلس شورای ملی تقدیم کرد ضوابطی که برای خرید اراضی دیم و اراضی دایر قائل شده بود بر همان مبلغ بود بعداً در کمیسیون که مطرح شد توضیح دادند که اراضی دیمی که در سد لتیان ۳۳ کیلومتری تهران واقع شده خیلی فرق دارد با اراضی دیمی که فرض بفرمائید در لوشان یا کنار سد طالقان واقع شده این اراضی بواسطه اینکه نزدیك شهر است و ۳۳ کیلومتر بیشتر با شهر فاصله ندارد بایستی یك تفاوتی با اراضی که ۳۰۰ کیلومتر چهار صد کیلومتر با شهر تهران فاصله دارد داشته باشد روی این منظور بود که دولت قبول کرد دولت در کمیسیونها با این اضافه قیمت که در اینجا منظور شده موافقت کرد و بنده بعرضتان میرسانم موقعیکه کارشناسان را اعزام میکنیم دقت میکنیم حتی یك صورتی برداشته شده که اگر بخواهید در اختیارتان میگذارم که چه مقدار اراضی دیم در کنار سدلتیان وجود دارد و اشخاص دیگر را نمیگذارند که بروند آنجا شخم بزنند و بگویند دیم داریم طبق آمار و اطلاعات دقیق که از قبل بدست آورده‌ایم نقشه برداری کرده‌ایم متراژ اراضی دیم تعیین شده بضمیمه هدیه داخت هرمتری یك قران برای اراضی دیمی که در ۳۳ کیلومتری تهران واقع شده است قیمت زیادی نیست اراضی دایر هم قیمت خیلی پائین است اجازه بفرمائید این کمك

زراعتی کمتر از طرف تهران سکونت دارند بشود

رئیس ـ آقای دکتر مبین بفرمائید.

دکتر مبین ـ اینجا جناب آقای مهندس ظهیری استدلال فرمودند علت اینکه ما از قانون قبلی در مورد اراضی که وزیر آب سدها قرار میگیرد استفاده نکردیم و قانون مخصوص آوردیم علتش این است که آن برای ما گران تمام میشد این برای ما ارزان تمام میشود و بازمیآید اینجا در مادهٔ ٤ استدلال میکنند که از سال ٤٢ امسال چون اراضی گران شده بنابراین ما نقومیمان را ۱۰ برابر کردیم ۱۵۰۰ ریال ۵ شما کردید ۱۰۰۰۰ ریال یعنی ٦ برابر سال ۱۳٤٢ که شما لایحه را تقدیم کردید شما در لایحه خودتان گفتاید از ۱۵۰۰ ریال تا ۲۵۰۰ ریال یعنی حداکثر ۲۵۰۰ ریال اما اینجا بطور قطع تعیین کردید که ده هزار ریال یعنی ۲۰ هزار برابر تا ٦ برابر نولا درصدت دوسال این چه جور تعویض است که در ظرف دوسال یکمرتبه میشود چهار برابر تا ٦ برابر و ثانیاً شما استدلال کردید از جهت کم کردن خرج دولت در این اراضی از قوانین قدیم ما استفاده نکردیم و قانون جدید آوردیم و در قانون جدید ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ ریال معین کردید اگر یکمرتبه بکنید چهار برابر و ٦ برابر پس صد رحمت به قانون قدیم شما برای اینکه یکمرتبه قیمتش را ازاله میکنید که مطلوبیست روی چه ضابطه‌ای است اگر چنین پیشنهاد هائی بشود (دکتر حسینی ـ پیشنهاد خرج است) همه ایستادگی میکنند و میگویند پیشنهاد خرج است مگر این پیشنهاد مرج است به چه مناسبت تصویب شده پیشنهاد میکنم مجدداً چون این لایحه یك فوریتی است و نمیدانند کی حق تقدیم پیشنهاد را دارند بنده پیشنهاد میکنم ماده چهار در قسمت بند ت ۱۰۰۰۰ ریال بهمان فرمی که دولت تقدیم کرده بشود یعنی ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ ریال بشود مطلب دیگری که شد در ماده چهار عوض گردید واسنج را گذاشت اید در راه کم کردن خرج دولت تبدیل کلمه محصول به واقعی است آمدید در بند الف ماده چهار (در سطر سوم از صفحه سوم) گفته اید معدل درآمد خالص واقعی در صورتیکه در لایحه دولت بوده

معدل درآمد خالص محصول وقتی کمعدل خالص محصول شد یعنی اگر نابرشد شامل نمیشود چون محصول ندارد ولی گرشد درآمد خالص واقعی کند عقیده هر زمینی را میتوان درآمدی برایش تصور کرد این را بایستی توجه بفرمائید در راه کم کردن خرج دولت است یا بالا بردن خرج دولت درآمد محصول درجائی که محصول داشته باشد برایش هست و بر کلمه واقعی مستر است و درجائی که دایر باشد شامل نخواهد شد بنابراین منظور تان در این تبدیل کم کردن خرج دولت است یا بیشتر کردن آن اگر در راه بیشتر کردن است پیشنهاد خرج است شده فکر میکنم قابل ترتیب اثر دادن نبوده اگر در راه کم کردن است تشریح بفرمائید بدوضوح بیشتری بفرمائید که چطور اگر شامل معدل درآمد خالص محصول را تبدیل کنید معدل درآمد خالص واقعی این خرج دولت کم میشود بنده پیشنهاد کردم چون لایحه یك شوری است و واقعی تبدیل بشود بمحصول طبق لایحه سابق مطلب دیگر که در ماده چهار نظر دولت تبدیل شده این است که تاریخ ۳۷/٤/۱۲ تبدیل شده به ۳۷/۲/۲۸ (خواجه نوری ـ تاریخ تسلیم لایحه نه تصویب آن) مطلبی که در لایحه دولت داده شده تاریخ ۳۷/٤/۱۲ بوده و دولت وقتی لایحه را داده گفته از تاریخ ۳۷/٤/۱۲ میبایست تاریخ احداث قلستانها و بیدستانها حساب شود یعنی قبل از ۳۷/٤/۱۲ اگر احداث شده‌اند قبول هست ولی بعد اگر باشد قبول نیست علت اینکه تبدیل کردید به ۳۷/۲/۲۸ میخواستم ببینم بنظر دولت چه بوده برای این فاصله یعنی ۳۷/۲/۲۸ تا ۳۷/٤/۱۲ چه دلیلی و چه موجباتی بوده که این تاریخ را عوض کرده‌اید بنده مجدداً پیشنهاد میکنم این تاریخ را عوض کنند و تبدیل بشود بتاریخی که دولت تقدیم کرده

رئیس ـ آقای مهندس ظهیری بفرمائید

مهندس ظهیری ـ بنده در جواب جناب آقای دکتر مبین آنچه که مربوط به تقویم اراضی دیم است باید به استحضارتان برسانم که این برق بر اساس تشخیص یك عده از متخصصین کشاورزی ـ مهندسین کشاورزی بوده که به محل رفته‌اند و برای اراضی دیم متری یك قران مبلغ گزافی نیست بخصوص که معمولا تقویم اراضی را بر اساس

در آمد آن را صرف در دهات ۳۰ سه میکنند سر تقویم را صرف مرمت برای این است و مقدار یک قرن برای آن سرمایه گرفتن بسیار بخصوص که وزارت بنا ضرر میآورد که اصلاح اراضی و همین که در حوزه آبگیر سد لتیان واقع شده بیش از ۱۵۰۰۰۰۰ متر نیست یعنی ۱۵۰۰۰۰ متر مربع از قرار متری یک قران میشود ۱۵۰۰۰ تومان و بعقیده شده این مبلغ نیست که با این ترتیب یک عده‌ای را از خود راضی کنیم آنچه که فرمودند در مورد تغییر این تاریخ وقتی که این لایحه در کمیسیون مطرح شد در کمیسیونها بحث زیادی شد عرض کردم در کمیسیونها تغییر آنقدر زیادی داده شد از جهت اصلاح این لایحه موضوع تاریخ ۳۷/۴/۱۷ را هم تبدیل کردند به ۳۷/۳/۱۲ دلیلش هم این بود که گفتند تاریخی که لایحه احداث تأسیسات سدلار و لتیان تقدیم مجلس شورای ملی شده است منظور بشود چه‌ها که از آن تاریخ تغییر و تبدیلات و نقل و انتقالاتی داده‌شود.

رئیس - آقای حبیبی جنابعالی مخالفید؟

حبیبی - بنده فرمایشات آقای دکتر مبین مخالفم.

رئیس - آقای مهندس انصاری جنابعالی مخالفید؟

مهندس انصاری - بنده فرمایشات آقای دکتر مبین مخالفم.

رئیس - بعد از آقای حبیبی صحبت نفرمائید آقای حبیبی بفرمائید

حبیبی - بسیاست سوگندی که در پشت این تریبون خوردیم نمیتوانیم آنچه که در این مملکت واقعاً دیده میشود آنرا انکار بکنند حرفی و کارهای حقیقی را موقع بعدالت به همکاران عزیز تذکر بدهد بعقیده بنده این مده‌ای که برای زارعین یعنی آن عده‌ای که زمین دارند در اطراف سدلتیان گذاشته شده است که ده هزار ریال حداکثر به آنها داده شده حتی کم است (صحیح است) دلیل دارم از آنطرف به آنطرف بنده صحبت میکنم اگر اطلاعاتی از اینطرف ندارم همکاران محترم اتفاقاً بنده را میخندند چون بنده از طرف مازندران از آنطرف به آنطرف صحبت میکنم زارعین آن طرف بشما کار ال پنج هزار ریال بیشتر زمین ندارند شما میخواهید که یک خرده وضع تفرقه ۶ نفری که یک هکتار زمین بیشتر ندارد ده هزار ریال بدهند مطابق این لایحه‌ای که آوردید این ده هزار ریال را این زارع سخت چطوری میتواند ۸ عروه ۴ عریضه بگیرد خواهد داد دارد سالند اینجا جناب آقای دکتر مبین همکار عزیزم که اینجا می‌نشینند چرا اینجور فکر میکنند که مایستی دویست تومان یا ۱۵۰ تومان بیک زارع بدهند این زارع ۱۵۰ تومان را چه بکند اگر این دوغ فروشی میکند که دوغ فروش نیست اگر بخواهد کار دیگری بکند با ۱۵۰ تومان نمیشود کاری کرد بنده پیشنهاد میکنم پس شما باید بجای اینکه ده هزار ریال بزارع بدهید دو برابر زمین بدهید که بتواند زندگی خودش را اداره بکند (صحیح است) والا با پرداخت دو هزار تومان یا سه هزار تومان پانصد هزار تومان یک زارع یک کشاورز خوشبخت نخواهد شد (صحیح است) زیرا که زندگی او بر اساس یک هکتار زمین گذاشته شده وشما میخواهید یک هکتار زمین را بگیرید و دو برابر آن ده هزار ریال بدهید خودتان وجداناً قضاوت بکنید من تعجب میکنم که شما چه جوری این پیشنهاد را کردید و اگر مالکی صد هکتار دویست هکتار سیصد هکتار زمین داشته باشد آن مشمول قانون اصلاحات ارضی است هر چقدر مالیات پرداخت کرده مرمتش پرداخت مالیاتی خودش میآید پولش را میگیرد پس شما این بنده میخواستم خواهش کنم تمام مدتها اینجا نشسته‌ایم ما بدون اتفاقاً هکر آن دسته از ۷۵ درصد از مرده مملکت باشیم و یک ترتیبی بدهیم که این مبلغ ناچیز را به این زارعین پرداخت بکنند (احسنت).

دکتر مبین - بنده راجع به این پیشنهادی که تقدیم کرده یعنی راجع به دهرود ریل یا اینکه مطمئن هستم دو اطراف سدلتیان که نزدیک تهران است از زارع آن چنانی که جناب آقای حبیبی فرمودند نیست (خوجه نوری - شما اطلاع ندارید) مطالبات چون فرمودند بنده اطلاع ندارم این پیشنهاد را پس میگیرم (احسنت)

رئیس - در دو پیشنهاد دیگر باقی هست؟

دکتر مبین - بنده راجع به تبدیل کلمه محصول بواقعی نمیتوانم پس بگیرم و تقاضا میکنم رأی بگیرید.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر مبین قرائت میشود.

(بشرح زیر خوانده شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد مینمایم در ردیف الف مادهٔ ۴ کلمه واقعی به محصول تبدیل شود. دکتر مبین

رئیس - نظر مخالفی نیست؟ آقای مهندس انصاری بفرمائید.

مهندس انصاری - بنده البته اجازه خواسته بودم راجع مطالبی که آقای دکتر مبین فرمودند و مقایسه کردند این لایحه را با لایحه قبلی مطالبی عرضشان برسانم که اصلا لایحه قبلی قانع کننده نبود از لحاظ نماینده‌گان مجلس ایشان اگر میبینند در اینجا سابقه جدید تسهیلات بیشتری برای زارعین و افراد وساکنین این ناحیه هست باید حمل بر این بکنید که نماینده‌گان ملت بهتر به وظائف خودشان توجه کرده‌اند بنابراین بنده توضیح بیشتری میدهم چون خودتان توجه کردند و اشاره میکنند که پیشنهادتان رأیش میگیرند بنده قطعاً این نکته را میخواهم اضافه کنم که کوشش شده برای ساکنین ناحیه از لحاظ امکانات زراعتی ترتیبی فراهم بشود که آنها بتوانند درجای دیگری این وسایل را برای خودشان فراهم بکنند هر راهی که برای رسیدن به این منظور هست خیال میکنم مورد توجه تمام نماینده‌گان باشد که تصویب بفرمایند امکانات بهتر و بیشتری برای زارعین وساکنین آن ناحیه فراهم بشود

رئیس - آقای دکتر مبین پیشنهادتان را پس گرفتید؟

دکتر مبین - پس گرفتم.

رئیس - پیشنهاد دیگر راهم پس گرفتید؟

دکتر مبین - خیر.

رئیس - بنابراین پیشنهاد بعدی قرائت میشود.

(بشرح زیر خوانده شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد مینمایم تاریخ ۳۷/۲/۲۸ در مادهٔ ۴ و مواد دیگر به ۳۷/۴/۱۷ تبدیل شود. دکتر مبین

رئیس - آقای دکتر مبین بفرمائید.

دکتر مبین - دفاعی که جناب آقای مهندس ظهیری

فرمودند مثل اینکه و زیر سود تاریخ تقدیم لایحه ۳۷/۱۱/۲۲ است اخاجه نوری - لایحه تقدیم پروژه سد است) ولی لایحه قانون تقویم اراضی مورد بازسازی های لازم و لتیان درش اشاره شده سد قانون ساختن و بهره برداری سد های لازم و لتیان مصوب تیر ماه ۳۷ شما هر قانونی را که میخواهید بگذارید از تاریخ تصویب به بعد مورد عمل قرار بگیرد نه از تاریخ تقدیمش به مجلس شورای ملی شما هیأت وزیران نشسته تصویبنامه گذارده مجلس قبل از اینکه آن تصویبنامه صورت قانونی در بیاید که نباید قوه اجرائی به آن بدهد شما در همین لایحه‌ای که آوردید تقدیم کردید استناد کردید به لایحه لاز ولتیان مورخ تیرماه ۳۷ شما خودتان میگوئید در آن تاریخ تصویب شده آنوقت تاریخ اجرائی این لایحه جدید را چسبانیدید به آن لایحه ولی تاریخ اجراء را میگذارید دوماه جلوتر این صحیح نیست بعلت اینکه تصویبنامه‌هیئت وزیران دو ماه جلوتر صادر شده اگر تصویبنامه را بگوئیم جایگزین قانون بوده که قانون است اگر تصویبنامه جایگزین قانون نبود و تصویبنامه عادی بود که نمیبایست تاریخ تصویبش مورد نظر قرار بگیرد بلکه باید ملاک تاریخ قانونی شدن آن باشد.

خواجه‌نوری - پروژه را چون آنوقت اعلام کردند ممکن است مردم بروند سوء استفاده بکنند برای جلوگیری از سوء استفاده است.

دکتر مبین - چون میفرمایند برای جلوگیری از سوء استفاده است این پیشنهاد را هم پس گرفتم.

رئیس - به ماده چهارم رأی میگیریم خانمها و آقایانی که موافقند خواهش میکنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. چون وقت دیر است ما اجزاء خانمها و آقایان بقیه این لایحه را به جلسه بعد موکول میکنیم.

۱۰ - تقدیم یک فقره اصلاح بودجه بوسیله آقای معاون وزارت فرهنگ و هنر

رئیس - آقای نمائی بفرمائید.

نمائی (معاون وزارت فرهنگ و هنر) - یک اجازه از مقام ریاست محترم مجلس شورای ملی نظر به اینکه وزارت فرهنگ و هنر در سال اول فعالیتش بود با قطع سال گذشته

هر بودجه قرار بود بودجه دوازده ماهه کسر شده بودجه
بنابراین جهت بودجه تنظیمی به زمانهای هر از تأمین اعتبارات
جاری کسر اجازه سالیانه بودجه سال ۴۴ وزارت فرهنگ
بهمین ترتیب میباشد

رئیس - به کمیسیون بودجه فرستاده میشود.

۱۱ - تقدیم یک فقره طرح بوسیله جمعی از نمایندگان

رئیس - طرحی است از طرف عده‌ای از نمایندگان که برای اطلاع قرائت میشود

(شرح زیر خوانده شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

از نظر کمک به ایثار بی‌صناعت ما اعضاء کننده‌گان طرح مادواحده زیر را برای تصویب تقدیم میداریم.

مادواحده - وزارت دارائی مکلفست برای نگهداری ایثار بی‌صناعت تحت نظر اداره امور سرپرستی وزارت دادگستری لایحه جامع الاطراف ظرف سه ماه از تاریخ تصویب مادواحده تهیه و به مجلسین تقدیم نماید - دکتر بین - تقی‌زاده محسن خواجه‌نوری - دکتر سعید - مهندس جلالی - شوکت ملک جهانبانی - محمود توسلی - مافی - بانو تربیت - بانو دکتر دولتشاهی - مجید موسوی - مهندس برومند - دکتر نجیمی - مهندس زرآور - دکتر غنی - دکتر رهنوردی - دکتر ضیائی - دکتر فریود - مهندس جلالی نوری - رضوی - دکتر یزدان پناه.

رئیس - به کمیسیون‌های مربوط ارجاع میشود.

۱۲ - ۱۱ موصول گزارش نمایندگان مجلس در هیئت نظارت اندوخته اسکناس و گزارش ماهانه کمیسیونها برای چاپ در صورت تجدید

رئیس - گزارش هیئت نظارت اندوخته اسکناس و همچنین گزارش ماهیانه کمیسیونها هم رسیده است که با اجازه خانمها و آقایان درصورت جلسه چاپ میشود.

۱۳ - قرائت دستور و تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه.

رئیس - دستور جلسه آینده قرائت میشود.

(شرح زیر قرائت شد)

دستور جلسه روز سه‌شنبه ۱۳۴۵/۱/۰۳

۱ - گزارش کمیسیون راجع بمتمم بودجه سال ۱۳۴۴ کل کشور شماره چاپ ۱۲۸۵

۲ - گزارش کمیسیون راجع به افزایش هزینه دادرسی و سایر هزینه‌های منظور در قانون آئین دادرسی مدنی و امور حسبی شماره چاپ ۱۱۷۹

رئیس - چون طبق آئین‌نامه مجلس شورای ملی از بیست و هشتم اسفند بمدت بیست روز باید تعطیل داشته باشد با اجازه خانمها و آقایان از امروز بعد جلسه معمولی نخواهیم داشت مگر اینکه تشکیل جلسه فوق‌العاده لازم شود جلسه امروز را ختم میکنیم جلسه آینده روز بیست و سوم فروردین ساعت ۹ صبح خواهد بود.

(یکساعت بعد از ظهر جلسه ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مهندس عبدالله ریاضی

گزارش هیئت نظارت اندوخته اسکناس

مدعا محترم ریاست مجلس شورای ملی

برای استحضار خاطر محترم گزارش مأموریت خود را از هیئت نظارت اندوخته اسکناس بشرح زیر از نظر عالی میگذرانیم

بر طبق صورت جلسات هیئت نظارت که در بانک مرکزی بایگانی است هیئت نظارت بر اندوخته اسکناس که جمعاً هفت نفر میباشند : آقای دادستان کل کشور - دو نفر سناتور - دو نفر نماینده مجلس شورای ملی - خزانه دار کل و نماینده دولت در بانک مرکزی در هر مرحله برحسب اطلاع قبلی دعوت گردیده و در بانک مرکزی در قسمتهای مختلف طبق احتیاج حضور بهم رسانیده‌اند مانند رسیدگی به مسائل مربوط بمسایل اوزی کشور با اسکناس سوزانی (یعنی معدوم ساختن اسکناس های فرسوده در برابر اسکناس نو که در زیر کلید هیئت نظارت بیرون آمده در اختیار بانک مرکزی قرار میگیرد) خزانه اسکناس جهت تحویل گرفتن و یا تحویل دادن اسکناس نو - خزانه جواهرات بمنظور رسیدگی به اموال و ویترینهای جواهرات و یا تحویل دادن و تحویل گرفتن جواهرات خاندان سلطنتی در مواقع مهمانیهای رسمی در بارشاهنشاهی.

نتیجه کار این جلسات بشرح زیر بعرض آن مقام محترم میرسد.

اقداماتیکه از تاریخ یکم اردیبهشت تا ۱۲ اسفند ماه ۱۳۴۴ با نظر اعضاء هیئت نظارت اندوخته اسکناس در بانک مرکزی بعمل آمده است.

۱ - طی ۵۸ جلسه اسکناس سوزانی تعداد ۴۶۶۶۲۷۶۴ قطعه بمبلغ ۴۶۹۱۷۳۳۸۵۴۳ ریال اسکناس فرسوده و ناقص در کوره اسکناس سوزانی معدوم و در مقابل اسکناس نو به اداره نشر اسکناس تحویل شده است.

۲ - مبلغ پانصد میلیون ریال در تاریخ ۱۵ آبانماه و مبلغ یکهزار ریال در تاریخ ۱۶ اسفندماه و مبلغ یکهزار میلیون ریال در تاریخ ۱۶ اسفندماه ۴۴ در مقابل ورقه ۴۰ طلا ۱۰۰ ۱۰۰ اسناد بدهی دولت منتشر گردیده است.

۳ - بموجب صورتجلسه ۷۰۰ مورخ ۹۳ آبانماه ۴۴ مقرر گردید مبلغ دو هزار و پانصد میلیون ریال اسکناس درصورت احتیاج بانک تدریجاً در مقابل پشتوانه قانونی منتشر گردد.

۴ - اسکناسهای نو چاپ شده که از خارج رسیده بود طی ۱۱ جلسه تحویل وزیر کلید هیئت نظارت گذارده شده است.

۵ - در هرماه یکدفعه آقایان اعضاء هیئت نظارت در خزانه جواهرات حاضر شده و از اموال و ویترینهای خزانه بازدید بعمل آورده‌اند.

۶ - مقدار ۳۶۲/۳۵۷/۱۴۳ اونس طلا معادل ۱۳/۷۵۰/۰۰۰ دلار معادل یک چهارم ۵۵/۰۰۰/۰۰۰ دلار ازدیاد سهمیه دولت ایران در صندوق بین‌المللی صندوق مزبور پرداخت شده.

۷ - مبلغ ۳۸۶/۰۰۰ دلار بطلا معادل ۱۱/۰۲۸/۷۵۲ اونس بابت یک درصد ۳۸/۶۰۰/۰۰۰ دلار ازدیاد سهمیه دولت ایران در بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه در مقابل دریافت سفته از دولت به بانک مزبور پرداخت شد.

۸ - معادل ۵۵۰۰۰۰۰ دلار هم از ۴۱۶۶۶۷۵۰۰ ریال بابت یک درصد ۵۵۰۰۰۰۰۰ دلار افزایش سهمیه جدید دولت ایران در صندوق بین‌المللی بحساب صندوق مزبور پرداخت شد.

۹ - معادل ۶۸۲۰۰۰ دلار بمبلغ ۵۱۸۱۳۰۰۰ ریال درمقابل سفته دولت بابت قسطی از ۱۸ درصد سهمیه بانک بین‌المللی بحساب ریالی بانک مزبور پرداخت شد.

عزت‌الله نصیری دکتر محمدعلی نفیسی

گزارش ماهیانه کمیسیونها

گزارش یکماهه بهمن سال ۱۳۴۴ کمیسیون فرهنگ و هنر

تاریخ تشکیل روزهای ۲۱/۱۱/۴۴ و ۱۳۴۴

لوایح و کارهای خاتمه یافته:

۱ ـ شور اول لایحه دولت راجع به اهداء یک نمونه از سرستون های کاخ آپادانا و چند قطعه از سنگ تخت جمشید

۲ ـ شور اول لایحه دولت راجع به موافقتنامه فرهنگی ایران و آسیا.

لوایح و کارهائیکه در دستور است:

۱ ـ شور دوم لایحه دولت راجع به موافقتنامه فرهنگی ایران و آسیا.

۲ ـ شور دوم لایحه دولت راجع به اخذ یکربال عوارض از هر کیسه سیمان بنفع انجمن آثار ملی.

۳ ـ لایحه دولت راجع به استخدام آقای رائول کودریه از بلجیک و ترفیع به سمت مدیر کل باستانشناسی.

دبیر رئیس کمیسیون فرهنگ و هنر ـ کوروش

گزارش یکماهه بهمن سال ۱۳۴۴ کمیسیون آموزش و پرورش

تاریخ تشکیل روزهای ۱۱/۵ و ۱۰ و ۱۱/۱۲ و ۱۱/۱۵ و ۱۱/۱۹ و ۱۱/۲۵ و ۱۳۴۴.

لوایح و کارهای خاتمه یافته:

۱ ـ شور اول موافقتنامه فرهنگی بین ایران و [illegible]

۲ ـ آئین نامه داخلی آموزش و پرورش.

۳ ـ اصلاحات مجلس شورای راجع به شرح خدمت آموزگاران و کارکنان اعزامی دولت آلمان غربی.

لوایح و کارهائیکه در دستور است:

لوایح چاپی شماره‌های ۳۴۹ و ۹۳ و ۹۰۰ و ۴۵۵ و ۱۲۰۰ و ۱۰۰۵ و ۱۲۲۵ و ۳۵۶.

رئیس کمیسیون آموزش و پرورش ـ [illegible]

گزارش یکماهه بهمن سال ۱۳۴۴ کمیسیون اقتصاد

تاریخ تشکیل سه‌شنبه ۴۴/۱۱/۱۹ و سه‌شنبه ۴۴/۱۱/۲۶ و چهارشنبه ۴۴/۱۱/۳۰.

لوایح و کارهای خاتمه یافته:

۱ ـ لایحه اداره دانشگاه صنعتی زیر نظر هیئت امناء.

۲ ـ لایحه موافقتنامه بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی راجع به تأسیس ذوب آهن و نصب لوله گاز و کارخانه ماشین سازی.

لوایح و کارهائی که در دستور است:

لوایح چاپی شماره‌های (۱۶۲۸ و پیشنهادات ۱۶۹۷ ـ ۴۳۷ ـ ۳۸۴ ـ ۳۸۲ ـ ۱۵۹ ـ ۱۳۶).

رئیس کمیسیون اقتصاد ـ دکتر عدل طباطبائی

گزارش یکماهه بهمن سال ۱۳۴۴ کمیسیون کشاورزی

تاریخ تشکیل شنبه ۴۴/۱۱/۹ و چهارشنبه ۴۴/۱۱/۱۳ و دوشنبه ۴۴/۱۱/۱۸ و سه‌شنبه ۴۴/۱۱/۲۳ و دوشنبه ۴۴/۱۱/۲۵ و شنبه ۴۴/۱۱/۳۰.

لوایح و کارهای خاتمه یافته:

۱ ـ لایحه تقویم اراضی مورد نیاز سدهای کلار و لتیان.

۲ ـ لایحه واگذاری کارخانجات تعمیر ارتومکانیکی وابسته بشرکت کارخانجات ایران.

۳ ـ لایحه استثنائی بررسی بیمار پای گچ ها (اصلاحی مجلس سنا).

۴ ـ لایحه تشکیل سازمان دامپروری و اساسنامه آن.

۵ ـ لایحه ثبت املاک در مناطق عشایری (اصلاحی مجلس سنا).

لوایح و کارهائی که در دستور است:

شماره‌های چاپی ۱۶۲۲ و پیشنهادات ۱۶۸۳ و ۱۱۱۵ و ۱۴۹۳ و پیشنهادات ۱۵۰۴ و ۱۶۸۱ و ۱۷۰۱ و ۱۶۸۱ و ۱۴۰۹ ـ ۱۵۴۶ ـ ۹۶۷.

رئیس کمیسیون کشاورزی ـ مهندس [illegible]

گزارش یکماهه بهمن سال ۱۳۴۴ کمیسیون دادگستری

تاریخ تشکیل روزهای ۱۱/۷ و ۱۱/۱۱ و ۱۱/۱۳ و ۱۱/۱۸ و ۱۱/۱۹ و ۱۱/۲۵ و ۱۱/۲۶ و ۱۳۴۴.

لوایح و کارهای خاتمه یافته:

۱ ـ تعدیل مواد تقدیم دادخواست بهیئت سه نفری اصلاحات مجلس سنا.

۲ ـ لایحه دولت راجع به ذوب آهن.

۳ ـ لایحه دولت راجع بعمل بر گردان تیر ان و ادامه خیابان پرزنده کندی بعهده هیئت اصلاحات مجلس سنا.

۴ ـ ثبت املاک در مناطق عشایری اصلاحات مجلس سنا.

۵ ـ اراضی مستحدثه ساحلی شور اول.

لوایح و کارهائی که در دستور است:

لوایح چاپی شماره‌های ۶۲۵ و ۱۴۷۶ و ۴۲۰ و ۵۱ و ۳۷۵ و ۴۱۹ و ۱۶۲۷ و ۱۴۲۵ و ۸۳۸ و ۹۶۴ و ۵۴ و ۱۴۵۰ و ۱۴۶۹ و ۴۹۶ و ۶۱۱.

رئیس کمیسیون دادگستری ـ صادق احمدی

گزارش یکماهه بهمن سال ۱۳۴۴ کمیسیون برنامه

تاریخ تشکیل سه‌شنبه ۴۴/۱۱/۵ ـ سه‌شنبه ۴۴/۱۱/۱۲ و سه‌شنبه ۴۴/۱۱/۱۹ ـ سه‌شنبه ۴۴/۱۱/۱۹ ـ چهارشنبه ۴۴/۱۱/۲۰ ـ سه‌شنبه ۴۴/۱۱/۲۶ ـ پنجشنبه ۴۴/۱۱/۲۸.

لوایح و کارهای خاتمه یافته:

۱ ـ شور دوم لایحه سازمان نقشه برداری.

۲ ـ لایحه موافقتنامه بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی راجع به تأسیس ذوب آهن و کارخانه ماشین سازی و نصب لوله گاز و تحصیل اعتبار اجرای مقدمات امور.

لوایح و کارهائی که در دستور است:

شماره‌های چاپ ۲۲ ـ ۲۲۷ و ۲۵۵ و پیشنهادات ۱۶۹۳ ـ ۱۶۹۰ ـ ۱۵۹۴.

رئیس کمیسیون برنامه ـ دکتر [illegible]

گزارش یکماهه بهمن سال ۱۳۴۴ کمیسیون امور استخدامی کشوری

تاریخ تشکیل پنجشنبه ۱۰ ـ پنجشنبه ۱۷ ـ سه‌شنبه ۱۹ ـ پنجشنبه ۲۸.

لوایح و کارهای خاتمه یافته:

۱ ـ تأسیس شرکت هواپیمائی ملی ایران

۲ ـ لایحه اصلاحیه ماده ۵۵ قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی (اصلاحی مجلس سنا).

۳ ـ لایحه مربوط به فارغ التحصیلان آموزشگاه عالی درجه داری نیروهای شاهنشاهی (اصلاحی مجلس سنا).

۴ ـ لایحه مربوط به تمدید مدت خدمت کارشناسان آمریکائی وزارت راه.

۵ ـ آئین نامه شورای عالی اوقاف.

۶ ـ آئین نامه هیروبدان تهرانی.

۷ ـ اصلاح قانون بیمه‌های اجتماعی.

۸ ـ لایحه حق فنی درجه‌داران کادر ثابت رسته موزیک (اصلاحی مجلس سنا).

لوایح و کارهائی که در دستور است:

چاپی شماره‌های ۱۹۳۳ ـ ۱۰۶۵ ـ ۴۲۹ ـ ۵۰۸ ـ ۹۴۸۸ ـ ۱۵۹۶.

رئیس کمیسیون ـ مجید موسوی

گزارش یکماهه بهمن سال ۱۳۴۴ کمیسیون آب و برق

تاریخ تشکیل پنجشنبه ۷ ـ سه‌شنبه ۱۲ ـ دوشنبه ۲۵

لوایح و کارهای خاتمه یافته:

۱ ـ اساسنامه شرکت ساختمان سد و تأسیسات آبیاری.

لوایح و کارهائی که در دستور است:

چاپی شماره‌های ۲۸۱ ـ ۴۷۸.

رئیس کمیسیون آب و برق ـ محمد اسماعیل انصاری

گزارش یکماهه بهمن سال ۱۳۴۴ کمیسیون پست و تلگراف و تلفن

تاریخ تشکیل چهارشنبه ۱۳ ـ چهارشنبه ۲۰

لوایح و کارهای خاتمه یافته:

۱ ـ لایحه دولت راجع به نحوه استفاده از [illegible] اختصاصی و آزادی.

۲ ـ لایحه راجع به حصول و آمد اختصاصی پست و تلگراف

لوایح و کارهائی که در دستور است.

چاپی شماره‌های ۱۷۰۵ ـ ۶۲۷.

رئیس کمیسیون پست و تلگراف و تلفن [illegible]

گزارش یکشنبه بهمن سال ۱۳۴۴ کمیسیون [illegible]

تاریخ تشکیل شنبه ۹ [illegible] ۱۳۴۴ [illegible]

[illegible] ۱۳۴۴

لوایح و کارهای خاتمه یافته

۱ ـ لایحهٔ تأسیس شرکت هواپیمائی ملی ایران

۲ ـ لایحهٔ برقراری مستمری درباره وراث مرحوم [illegible] بهمنی قنقائی

۳ ـ لایحهٔ اصلاح مادهٔ ۵ قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی.

۴ ـ لایحهٔ مربوط به فارغ التحصیلان آموزشگاههای کمک مهندسی نیروهای مسلح شاهنشاهی.

۵ ـ اصلاح مادهٔ ۴۵ و تبصره‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ آئیننامه هزینه سفر و فوق العاده افسران و کارمندان نیروهای مسلح شاهنشاهی

نایب رئیس کمیسیون نظام ـ سرلشکر انکوزاد

گزارش یکشنبه بهمن سال ۱۳۴۴ کمیسیون راه

تاریخ تشکیل دوشنبه ۸ ـ شنبه ۲۳ ـ دوشنبه ۲۵ ـ سه‌شنبه ۲۶.

لوایح و کارهای خاتمه یافته :

۱ ـ لایحه راجع به حفظ علائم و نشانه‌های مربوط به نقشه برداری و تحدید حدود و حریم.

۲ ـ شور دوم لایحه تأسیس شرکت هواپیمائی ملی ایران.

لوایح و کارهائی که در دستور است

۱ ـ لایحه راجع به تسویه تعدیات [illegible] تقاضای [illegible] هواپیمائی کشوری و [illegible] تصمیم [illegible] گیری وزارت [illegible] کشور.

رئیس کمیسیون [illegible]

گزارش یکشنبه بهمن سال ۱۳۴۴ کمیسیون کشور

تاریخ تشکیل ۹ ـ ۱۱ ـ ۱۳۴۴ ـ ۱۱/۹ ـ ۱۳۴۴ ـ ۱۱/۱۰ ـ ۱۳۴۴ ـ ۱۱/۱۳ ـ ۱۳۴۴ ـ ۱۱/۱۶ ـ ۱۳۴۴ ـ ۱۱/۱۷ ـ ۱۳۴۴ ـ ۱۱/۱۸ ـ ۱۳۴۴ ـ ۱۱/۲۰ ـ ۱۳۴۴ ـ ۱۱/۲۵ ـ ۱۳۴۴ ـ ۱۱/۲۶ ـ ۱۳۴۴

لوایح و کارهای خاتمه یافته

۱ ـ لایحهٔ معافیت [illegible] از [illegible] های [illegible] [illegible]

۲ ـ لایحهٔ [illegible] [illegible] [illegible] ایران

۳ ـ لایحهٔ [illegible] [illegible] [illegible] عمومی ایران

۴ ـ لایحهٔ [illegible] [illegible] [illegible] جهان.

۵ ـ لایحهٔ تغییر عنوان استخدامی افراد و درجه دار [illegible] و [illegible] نظامی و [illegible] [illegible] کارمندان کشوری [illegible] شهری.

۶ ـ آئیننامه تعیین وضع و تبدیل استخدامی هنردیفان ملی شهربانی کل کشور به درجه هنردیفی نیروهای مسلح شاهنشاهی.

۷ ـ شور دوم لایحه اجازه قبول عضویت سازمان دفاع غیر نظامی ایران درسازمان بین‌المللی دفاع غیر نظامی

۸ ـ شور دوم لایحه تغییر عنوان استخدامی افراد و درجه داران و افسران مأمور انتظامی و نگهبانی واحد های انحصاری مأمورین کارد شهری.

۹ ـ لایحه مقررات مرزنشینان کشور.

۱۰ ـ شور دوم لایحه مؤسسات حمل و نقل و تعمیر گاههای [illegible] کارآزاد های عمومی.

۱۱ ـ رد لایحه‌ای از مجلس سنا راجع به اصلاح [illegible] ۳۵ مادهٔ ۵۵ قانون شهرداری و تبصرهٔ ذیل آن.

لوایح و کارهائیکه در دستور است :

چهل شماره‌های ۱۶۶۵ ـ ۱۳۴۷ ـ ۲۰ ـ ۱۴۶۳ ـ ۱۰۲۸ ـ ۱۶۸۸ ـ ۱۶۵۹ ـ ۲۷۸ ـ ۱۰۳ ـ ۱۸ ـ ۴۶ ـ ۴۷ ـ ۱۵۸۶

رئیس کمیسیون کشور روحانی

گزارش یکشنبه بهمن سال ۱۳۴۴ کمیسیون دارائی

تاریخ تشکیل سه‌شنبه ۱۱ ـ ۱۳۴۴ ـ پنجشنبه ۱۱ ـ ۱۳۴۴ ـ دوشنبه ۱۱ ـ ۱۳۴۴ ـ شنبه ۱۱ ـ ۱۳۴۴ ـ سه‌شنبه ۱۹ ـ ۱۱ ـ ۱۳۴۴ ـ چهارشنبه ۲۰ ـ ۱۱ ـ ۱۳۴۴ ـ شنبه ۲۳ ـ ۱۱ ـ ۱۳۴۴ ـ پنجشنبه ۱۱/۲۸ ـ ۱۳۴۴

لوایح و کارهای خاتمه یافته :

۱ ـ لایحهٔ شکار و صید

۲ ـ لایحهٔ تأسیس شرکت هواپیمائی ملی ایران

۳ ـ لایحهٔ تعدیل مدت خدمت کارشناسان آموزشکار وزارت راه.

۴ ـ لایحهٔ وصول درآمد اختصاصی وزارت پست و تلگراف و تلفن.

۵ ـ لایحهٔ مربوط بمقررات مرز نشینان کشور.

۶ ـ شور دوم لایحه تشکیل سازمانهای کشاورزی منطقه‌ای.

۷ ـ لایحه راجع به پرداخت وام از محل فروش اسناد خزانه بمبلغ شصت میلیون ریال بشرکت تلفن و دویست میلیون ریال بشرکت واحد اتوبوسرانی.

۸ ـ لایحه فروش تنباکوی اصفهان.

۹ ـ لایحه تقویم اراضی سدلتیان (فرحناز پهلوی).

۱۰ ـ لایحه موافقت‌نامه بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی راجع به تأسیس ذوب آهن و نصب لولهٔ گاز و کارخانه ماشین سازی.

۱۱ ـ لایحه اجازه استرداد املاک و اماکن مسکونی آن عده از متجاسرین آذربایجان و کردستان که به وضع آنها رسیدگی و آزاد شده‌اند.

۱۲ ـ لایحه مؤسسه بررسی آفات و بیماریهای گیاهی.

۱۳ ـ شور دوم لایحه اجازه قبول عضویت سازمان دفاع غیر نظامی ایران درسازمان بین‌المللی دفاع غیر نظامی جهانی.

۱۴ ـ لایحه مربوط به افزایش هزینه‌های دادرسی و سایر هزینه‌های منظور در قانون آئین دادرسی مدنی و امور حسبی و سایر هزینه‌های دادگستری

لوایح و کارهائی که در دستور است

تعداد بیست و هفت فقره لوایح مالیاتی و چهار فقره لوایح مربوط به آئیننامه معاملات دولتی و لوایح شمارهٔ چاپ ۲۰۱ ـ ۶۲ ـ ۶۶ ـ ۳۸۱ ـ ۳۱۲ ـ ۳۰۴ ـ ۶۴۶ ـ ۱۴۱۶ ـ ۱۵۹۵ ـ ۱۶۰۵ ـ ۱۶۲۱ ـ ۱۷۲۲ ـ ۱۷۳۱

ملاحظات :

ضمناً در روزهای چهارشنبه ۱۱/۱۳ ـ ۴۴ و دوشنبه ۱۱/۱۸ ـ ۴۴ در کمیسیون مشترک دارائی معاملین لایحهٔ تحصیل نفت از مؤسسه [illegible] برای بنا [illegible] برای توسعه برق اصفهان و آئین‌نامه خرید قسمت [illegible] قانون بودجه سال ۱۳۴۴ کل کشور بتصویب رسیده است. با این ترتیب ملاحظه خواهند فرمود کمیسیون دارائی در یکماه ده جلسه تشکیل داده که هر سه روز یک جلسه داشته است.

با احترام — رئیس کمیسیون دارائی ـ مدرس لنجانی

گزارش یکشنبه بهمن ماه سال ۱۳۴۴ کمیسیون بودجه

تاریخ تشکیل شنبه ۹ بهمن ـ چهارشنبه ۱۳ بهمن چهارشنبه ۲۰ بهمن ـ شنبه ۳۰ بهمن

لوایح و کارهای خاتمه یافته :

۱ ـ لایحه دولت راجع به برقراری مستمری در باره وراث مرحوم بهمن بهمنی قنقائی.

۲ ـ شور دوم لایحه دولت راجع به اجازه قبول عضویت و پرداخت حق عضویت کنگره بین‌المللی راه.

۳ ـ لایحه دولت راجع به واگذاری کارخانه صنعتی زیر نظر هیئت امناء.

۴ ـ نامه شمارهٔ ۳۱۰۸۴ ـ ۲۲ ـ ۹ ـ ۱۳۴۴ نخست وزیری در مورد اصلاح مواد بودجه تحصیلی سال ۱۳۴۴ هیئت بازرسی عالی مرزی.

۵ ـ نامه شمارهٔ ۱۳۹۸۲ ـ ۲۴ ـ ۱۰ ـ ۱۳۴۴ وزارت دارائی در مورد تقاضای مبلغ ۳۰۳۹۲۲۰۰ ریال اعتبار از محل ردیف ۵۹۰۱ بودجه کل کشور (هزینه‌های پیش بینی نشده) برای وزارت فرهنگ و هنر.

۶ ـ لایحه برگشتی از مجلس سنا راجع به اصلاح بند یک مادهٔ اول و سوم قانون اجازه محصلین ایرانی بخارجه.

۷ ـ نامه شماره ۲۴ ـ ۱۸۱۹۴ ـ ۱۹ ـ ۱۰ ـ ۱۳۴۴ وزارت دارائی در مورد صورت دریافت درون بلاهحل سال ۱۳۴۴ سازمان تربیت معلم.

۸ ـ نامه شماره ۳۱۸۳۲ ـ ۱۸ ـ ۱۰ ـ ۱۳۴۴ نخست وزیری در مورد تقاضای ۹۵۰۰۰۰۰ ریال اعتبار

مؤسسه سنا شماره ۱۱۱۱۰ وصنع ۳۰۰۰۰۰۰ ریال اضافه اعتبار سازمان زمین شناسی از محل اعتبار ردیف ۵۹۰۱ بودجه کل کشور از هزینه‌های پیش بینی شده.

۱۸ ـ لایحه شماره ۳۱۸۹۵ ـ ۱۳۴۴/۱۰/۳۰ تخت وزیری درمورد اصلاح بودجه سال ۱۳۴۴ وزارت کل ثبت اسناد و املاک.

۱۹ ـ نامه شماره ۵۱۶۰۰ ـ ۱۳۴۴/۱۱/۱۶ تخت وزیری درمورد اصلاح مواد بودجه سال ۱۳۴۴ وزارت دارائی

۲۰ لایحه بر گشتی از مجلس سنا راجع به اصلاح مادهٔ ۵۵ قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی.

۲۱ ـ اصلاح مادهٔ ۴۰ وتبصره‌های ۱و۲و۳ وتبصرهٔ آئین نامه هزینه سفر وفوق العاده قرآن وکارمندان نیروهای مسلح شاهنشاهی.

۲۳ ـ نامه شماره ۳۳۲۷۰ ـ ۱۳۴۴/۱۱/۱۳ تخت وزیری در مورد اصلاح مواد بودجه سال ۱۳۴۴ سازمان بنادر و کشتی رانی.

۲۴ ـ نامه شمارهٔ ۳۱۸۳۸ ـ ۱۳۴۴/۱۰/۱۵ تخت وزیری در مورد اصلاح مواد بودجه تفصیلی سال ۱۳۴۴ دانشگاه تهران.

۲۵ ـ نامه شمارهٔ ۳۳۳۶۸ ـ ۱۳۴۴/۱۱/۱۳ تخت وزیری درمورد اصلاح مواد بودجه تفصیلی سال ۱۳۴۴ شهرداری ملاردالوزی.

۲۶ ـ نامه شمارهٔ ۳۲۰۰۸ ـ ۱۳۴۴/۱۰/۱۶ تخت وزیری درمورد اصلاح مواد بودجه تفصیلی سال ۱۳۴۴ شهرداری کل کشور.

۲۷ ـ نامه شمارهٔ ۱۱۵۵۰ ـ ۱۳۴۴/۱۱/۱۹ وزارت دارائی درمورد صورت ریز دیون بلامحل سال ۱۳۴۴ وزارت کشور.

۲۸ ـ نامه شمارهٔ ۱۶۶۱۱ ـ ۱۳۴۴/۱۰/۳۰ وزارت دارائی درمورد صورت ریز دیون بلامحل سال ۱۳۴۴ وزارت راه.

۲۹ ـ نامه شمارهٔ ۵۳۴۱۵ ـ ۱۳۴۴/۱۱/۱۹ تخت وزیری درمورد اصلاح مواد بودجه تفصیلی سال ۱۳۴۴ وزارت کشور.

۳۰ ـ نامه شمارهٔ ۳۸۳۷ ـ ۱۳۴۴/۱۱/۳۰ وزارت دارائی درمورد قسمتی ازصورت ریز دیون بلامحل سال ۱۳۴۴ وزارت پست وتلگراف وتلفن.

۳۱ ـ نامه شمارهٔ ۳۸۸۲۵/۳۴ ـ ۱۳۴۴/۱۱/۲۵ وزارت دارائی درمورد صورت ریز دیون بلامحل سال ۱۳۴۴ انستیتو بررسی آفات وبیماریهای گیاهی.

۳۲ ـ نامه شمارهٔ ۳۳۲۶۶ ـ ۱۳۴۴/۱۱/۱۶ تخت وزیری درمورد اصلاح بودجه تفصیلی سال ۱۳۴۴ شهربانی کل کشور.

۳۳ ـ نامه شمارهٔ ۱۹۳۳۳/۳۴ ـ ۱۳۴۴/۱۱/۴ وزارت دارائی درمورد تقاضای پنج میلیون ریال اضافه اعتبار ازمحل اعتبار ردیف ۵۹۰۱ هزینه های پیش بینی نشده بودجه کل کشور برای ژاندارمری کل کشور.

۳۴ ـ نامه شمارهٔ ۱۸۸۱۷/۳۴ ـ ۱۳۴۴/۱۰/۳۰ وزارت دارائی درمورد صورت ریز دیون بلامحل سال ۱۳۴۴ شهربانی کل کشور.

ملاحظات لوایح وکارهائیکه درد ستور است:

۳۵ لایحه مربوط به تصویب نامه های برقراری مستمری.

دارائی ـ بودجه ـ مرخصی